

آیا پالیسی زراعتی و نحوه امرار معیشت افغانها مطابق اصول نیست ؟



یان کریستوپلوس

می ۲۰۰۴



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)

سلسله نشرات رساله های موضوعی

آیا پالیسی زراعتی و نحوه امرار معیشت افغانها مطابق اصول نیست ؟

یان کریستوپلوس



این مطالعه توسط کمیسیون اروپا
تمویل گردیده است.

می ۲۰۰۴

© ۲۰۰۴ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. (AREU) تمام حقوق محفوظ است.

این رساله کاری توسط یک مشاور مستقل که قبلاً درین فعالیت های ارزیابی شده دخیل نبود، آماده گردیده است. نظریاتی که درین گزارش ابراز گردیده اند، الزاماً نظرات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) را منعکس نمیسازد.

در مورد مؤلف

یان کریستوپلوس آمر دیپارتمنت انکشاف دهات و ایکولوژی زراعتی در پوهنتون علوم زراعتی سویدن و محقق وابسته به انستیتوت انکشاف خارجی لندن میباشد. کارهای وی بر مسایل مربوط به خطر (risk)، انکشاف دهات و خدمات زراعتی متمرکز میباشد. علاقمندی وی بر طرح پالیسی ها جهت کاهش فقر و حمایت از نقش مؤسسات محلی در حالات آشفته میباشد. وی منحیث محقق و کارشناس عامل در مسایل همکاری در عرصه انکشاف و کمک های بشری در افریقا، آسیا و امریکای لاتین ایفای وظیفه نموده است. وی همراه با جان فارینگتن یکی از دو مصحح کتاب "فقر، آسیب پذیری و توسعه زراعت: اصلاحات در پالیسی در در عصر جهانی سازی" میباشد که قرار است از جانب مطبعه پوهنتون آکسفورد منتشر گردد.

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) یک سازمان مستقل تحقیقاتی بوده که تحقیقات و آموزش قابل تعمیل را انجام و یا تسهیل مینماید که از آن در طرح پالیسی و عملکرد استفاده صورت میگیرد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تحکیم ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت های تحلیل، تفکر و مباحثه، روش های تحقیقاتی و آموزشی را بصورت فعالانه در افغانستان ترویج می نماید. یکی از اصول بنیادی هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اینست که کار آن باید زندگی افغانها را بهبود بخشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) توسط جامعه امداد که در افغانستان مصروف کار اند، ایجاد گردیده و دارای یک هیئت مدیره میباشد که در آن نمایندگان مراجع کمک دهنده، ملل متحد و سازمان ها و مؤسسات چندین جانبه و مؤسسات غیر حکومتی (NGO) ها عضویت دارند.

در حال حاضر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط کمیسیون اروپا (EC)، دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و حکومت سویدن و سوئیس تمویل میگردد.

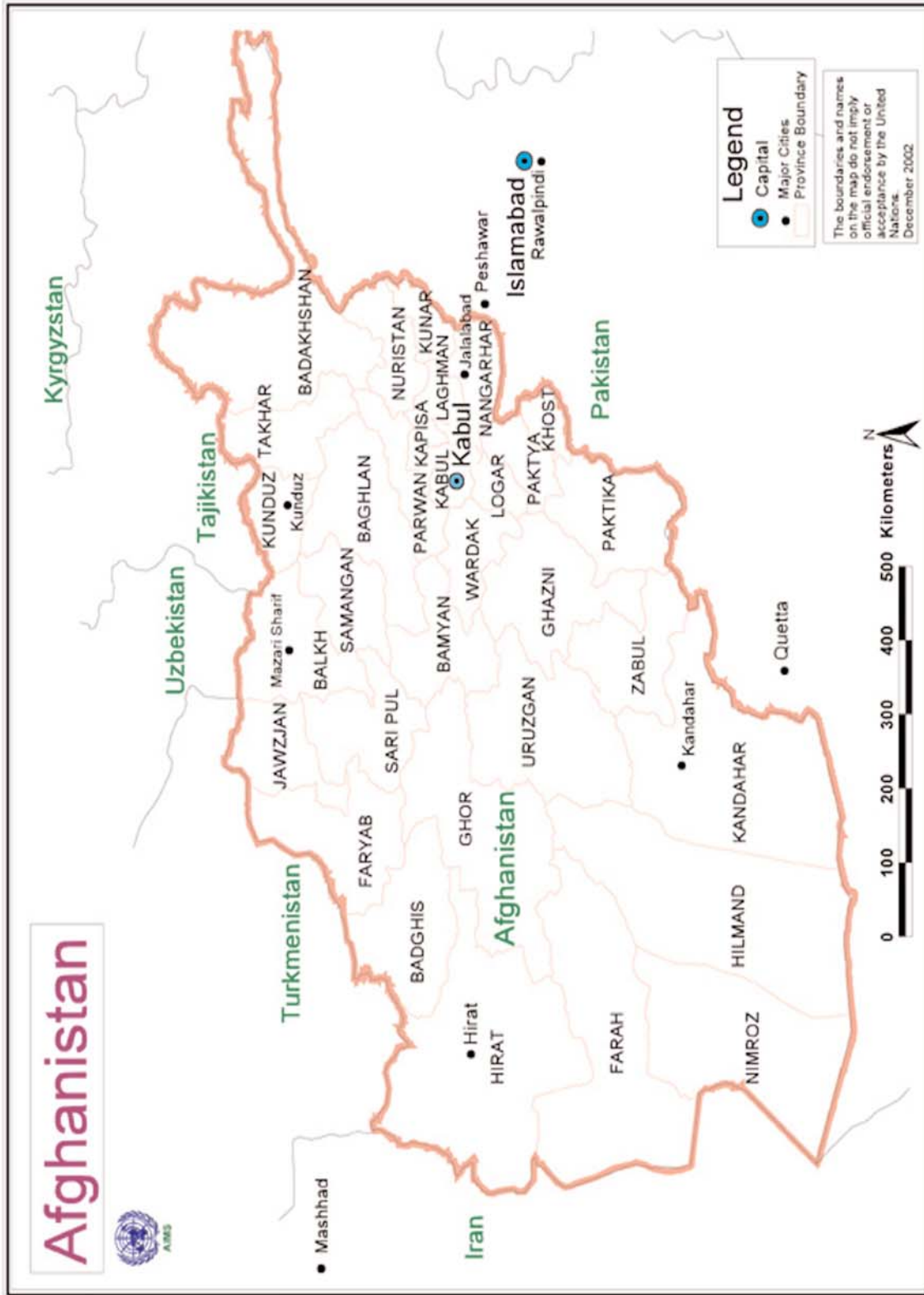
ابراز امتنان

مؤلف از بسیاری اشخاصیکه با وی در جریان این مطالعه مساعدت نموده اند، ابراز تشکر مینماید. گروه مشورتی که در مورد مسوده اول این سند پیشنهادی ابراز نظر نمودند و همچنان نظر دهندگان بی نام در شکل دهی سند نهائی خیلی کمک نموده اند. تشکر خاص به انتونیو دی لیوناردو و همکاران وی در سازمان غذا و زراعت (FAO) ابراز میگردد که در بامیان و کندز مساعدت نمودند. در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)، خصوصاً از الکسیا کوک و آصف کریمی ابراز تشکر میگردد که کمک و مشوره شان به اینجانب امکان داد تا تحقیق هذا به اسرع وقت در مباحثات فعلی در افغانستان جای خویشرا باز یابد.

فهرست مطالب

۱ خلاصه اجراییه
۳ ۱. مقدمه و میتودها
۳ نقاط عطف
۵ میتودها
۷ ۲. احیای مجدد زراعت و انکشاف
۷ در ماورای عنقنه و بحران
۹ ساختار ها و نهاد ها
۱۰ گرایشات و مارکیت های منطوقی و بین المللی
۱۲ "شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی" و موانع در راه ریفورم پالیسی
۱۵ اولویت های کاری و پروسه پالیسی
۱۸ ۳. آنچه که در مورد معیشت ها و نیروی کار وضاحت دارد
۱۸ زراعت و معیشت ها در ساحات دارای پوتانسیل بلند و پائین
۲۲ مصئونیت غذائی در شیوه های متغیر معیشت
۲۳ ارتباط میان تولیدات زراعتی و مصرف مواد غذائی
۲۷ کارهای غیر زراعتی در خارج از مزرعه
۲۹ مهاجرت
۳۲ ۴. ارتباط پروگرام های زراعتی با معیشت ها
۳۲ آیا ارزیابی تأثیرات در حاشیه قرار گرفته اند؟
۳۴ معامله با عنوان نمودن پروگرام ها
۳۶ تعریف های آسیب پذیری
۳۷ خطر
۴۰ ایجاد تنوع در معیشت ها
۴۲ مصارف معاملات و اولویت های دهقین
۴۴ مناسبات ملاک و دهقان و قرار داد های زراعتی
۴۷ ۵. بسط و گسترش انتخاب ها در معیشت
۴۷ گذار به تکنالوژی جدید: سوابق تاریخی و عملکرد جاری
۴۸ توزیع تخم بذری منجیث یک وسیله انتقال تکنالوژی
۴۹ حسابدهی در انتقال تکنالوژی
۵۲ "تحقیقات و انکشاف بیشتر" ما را بکدام جهت هدایت می نماید؟
۵۷ الترناتیف های سکتور خصوصی در تناسب با سکتور دولتی تأمین خدمات
۵۸ تجدید نظر بر نقش دولت
۶۰ نقش جامعه مدنی و تقاضای آن برای انکشاف زراعت
۶۰ آیا شوراها میتوانند موجب نجات گردند؟
۶۲ در جستجوی سازمان های دهقانی

۶۴ نتیجه گیری ها و توصیه ها
۶۴ تغییر در تعریفات در حالت ابهام
۶۵ اصول و اصالت عمل
۶۷ توصیه ها
۷۱ مأخذ
۷۷ اختصارات و مخففات



خلاصهء اجراییه

هر دو حالت، دهقانی در مزارع کوچک با تأمین حد اقل امرار معاش، یکی از جنبه های بقای مردم در دهات میباشد.

علاوه بر بررسی پالیسی های زراعت، این رساله دو موضوع عمده دیگر را نیز بررسی می نماید. نخست اینکه تلاش ها در جهت احیای زراعت چگونه ارتباط متقابل میان فعالیت های امدادی و شیوه های معیشتی دهاقین را شکل میدهد. موضوع دوم، مسئله تولید کوکنار میباشد. هر چند مصارف امداد اساساً بصورت غیر موجه در جهت پروگرام توزیع تخم بذری سمت یافته است، اولویت های سکتور خصوصی قویاً بر تولید تریاک متمرکز گردیده اند.

توصیه ها *

توصیه های مندرج درین رساله چنان پلانی را تشکیل میدهد که هدف از آن اتخاذ روش های عملی و اصولی جهت افزایش تأثیر فعالیت های انکشافی زراعتی بر معیشت ها در افغانستان میباشد. این نظریات نقش مناسبات تاریخی و همچنان روابط جاری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در سمت دهی پروسه های انکشاف محلی و حفظ اساسات پالیسی ملی در نظر میگیرد. چنین استدلال میگردد که اگر قرار باشد که پلان های انکشافی در پیوند با این واقعیت ادامه یابند که در حالات و شرایط موجود چه کاری را میتوان انجام داد و چه کاری را باید انجام داد، باید اساسات را مورد سوال قرار داد.

در مورد اهداف و مفهوم دولت تسهیل کننده و تنظیم کننده در عرصه انکشاف زراعت هممنظری ایجاد گردد

تلاش های فعلی جهت طرح پالیسی مستلزم ایجاد کفایت در امور و ارتقای سطح تساوی میباشد تا جلو گرایشانی گرفته شود که طی دهه های گذشته موجب ایجاد منازعه گردیده اند. تجربه بین المللی نشان داده است که کفایت و تساوی را میتوان باهم تلفیق نمود، ولی این دو

این رساله بر تحلیل های تجربی موجود در مورد پیوند زراعت با معیشت های دهاتی مرور می نماید. این مسایل آن نظریات و روش های مسلط را منعکس می نماید که اقدامات و تدابیری را که در قبال بحران در عرصه های زراعت و شیوه های اصلاحات سکتور اداری در افغانستان رویدست گرفته شده اند، رهبری می نمایند. نتیجه گیری ها حاکی از آنست که طرز دید مؤسسات امدادی با عقاید و اهداف حکومت محلی و ملی انطباق ندارد. از یکطرف هدف اکثر پروگرام های امداد اینست که بنا بر انزوال ممکنه ادارات محلی و معیشت ها، میتوان تلاش ها در جهت انکشاف را از یک لوح سفید یا نقطه صفر آغاز نمود. از جانب دیگر، طرز دید حکومت پروسه های جاری محلی و گرایشات در مارکیت های بین المللی را نادیده میگیرد، زیرا طرز دید های دوران سابق هنوز هم ثابت و قابل اعتبار پنداشته میشوند. هیچ یک از این ها تلاش ها زارعین را منحیث یک عامل انکشاف زراعت در نظر نمیگیرد. تلاش های جاری در خصوص احیای و انکشاف زراعت متکی بر تأمینات بوده و با این فهم و درک ارتباط ضعیف دارند که خود مردم در دهات جهت احیای و انکشاف معیشت های خویش چگونه عمل مینمایند و در پی حصول چه اند.

به منظور درک مناسبات جاری و آینده میان زراعت و معیشت ها، لازم است تا بررسی گردد که پالیسی ها و پروگرام های زراعتی تا چه حد با تحلیل واقعینانه، اصولی و عملی اوضاع عمومی پیوند دارند. این امر نیز حایز اهمیت است تا گرایشات مارکیت یابی برای تولیدات زراعتی و هم برای نیروی بشری در مزارع و خارج از مزارع بررسی گردد. نکته مرکزی این مسایل عبارت از درک این ضرورت میباشد که نقش زراعت در چنان دورنمایی درک گردد که در آن زراعت عنصر اساسی معیشت ها نمیشد. روابط زراعتی و معیشت های واقعی مردم دهاتی در ساحات دارای پوتانسیل پائین و در ساحات دارای پوتانسیل بلند خیلی متفاوت است. در ساحات دارای پوتانسیل بلند، مسئله حایز اهمیت عبارت از چالش های حفظ مارکیت فروش و یا دستیابی مجدد به آن میباشد. در ساحات دارای پوتانسیل پائین، اکثر مردم تولیدات محدود و ناپایدار زراعتی را با انواع دیگر معیشت ها تلفیق میدهند. در

* توصیه های با جزئیات بیشتر در بخش نهایی این نشریه دریافت گردیده می تواند.

زراعتی و مارکیت که محصول تجربه ها باشد در پالیسی و پروگرام ها موفق مرکزی نیافته است. حتی آنانیکه اهمیت ایجاد تنوع و تمایل بسوی مارکیت را درک نموده اند، در مورد تشخیص این امر که باید در کجا و چگونه اقدام نمود، دچار تردید و مشکل شده اند. دریافت تصویر درست از نیروهای مارکیت در کشوری که بخش اعظم مارکیت در آن غیر قانونی است، چالش عظیمی است، ولی خطر ناشی از ادامه چشم پوشی از این عوامل بزرگتر ازین چالش است. مارکیت یگانه راه انکشاف متوازن دهات نمیباشد، ولی درک اهمیت آن قدم مهمی است در تطابق پروگرام ها با شیوه های مسلط معیشت مردم دهاتی با واقعیت های اقتصادی ایکه آنها حین فروش حاصلات زراعتی با آن مواجه میگردند.

معامله با خطرات

با توجه به میراث جنگ و مصیبت های طبیعی افغانها ناچار خواهند بود تا در قدم اول با در نظر داشت ارزیابی خطرات، خود تصمیم بگیرند که چگونه زراعت را با دیگر معیشت ها تلفیق دهند. ترس از بروز جنگ های تازه و خطرات طبیعی اساس چگونگی انتخاب نوع معیشت را برای تاجران، دهاقین و کارگران دهاتی تشکیل میدهد. اقدامات دولت و مؤسسات امدادی بصورت مستقیم بر ابعاد ارزیابی خطرات اثر میگذارند. بناً هرگاه در طرح پالیسی ها خطرات بصورت درست تبارز داده شوند، مناسبت و کفایت پروگرام های زراعتی بصورت فوق العاده افزایش خواهند یافت. مسئله آگاهی از خطرات نباید بحیث یک عامل مهیب برای کمک کنندگان تلقی گردد، بلکه باید از آن جهت برجسته ساختن اولویت ها در حفظ معیشت های دهاتی استفاده صورت گیرد.

عنصر الزاماً بصورت ذاتی با هم وابسته نیستند. لازم است تا در جهت چنان پالیسی هائی حرکت صورت گیرد که بر مبنای واقعیت ها استوار بوده و تعهد اصولی به کفایت را با تساوی تلفیق میدهد و همچنان درک می نماید که بنا بر واقعیت های موجود در ساحه و تأثیر مهم ولی محدودی که امداد بر مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وارد می نماید، میتوان کفایت و تساوی را یکی بحساب دیگری تبادل نمود.

نقش و مسئولیت سکتور خصوصی و ادارات محلی در انکشاف زراعت مجدداً بررسی و تقویت گردد

برای اینکه نقش دولت بهتر تدقیق گردد، باید نظریات و اهداف نورماتیف در مورد سکتور خصوصی و ادارات محلی با درک ماهیت واقعی این نهادها مرتبط گردند. کافی نیست تا سکتور خصوصی و یا ادارات محلی بحیث یگانه راه حل تشخیص گردند. ارزیابی واضح این امر ضروری است که آنها چه خدمات زراعتی را ارائه مینمایند و چرا آنها این خدمات را به گروه های مختلف دهاقین ارائه مینمایند (و یا ارائه نموده نمیتوانند). تفکیک میان ساحات دارای پوتانسیل بلند و ساحات دارای پوتانسیل پائین و میان مولدین ثروتمند و فقیر شرط پیشبینی این امر است که شیوه های مختلف در کدام ساحات موفق بوده میتوانند و چه کسانی از آن نفع برده میتوانند.

موضوع مارکیت وارد آجندا گردد

متأسفانه به استثنای این پنداشت فرضی که گویا سود تولید تریاک تحت حمله قرار گرفته نمیتواند، کدام طرز تفکر سازنده در مورد اقتصاد

مقدمه و میتود ها

نقاط عطف

زراعت و فراتر از آن بصورت بهتر در جریان قرار دهد. تحلیل معیشت درین رساله منحصیث یک وسیله ارزیابی اهمیت پالیسی ها و پروگرام های جاری بکار برده شده است که مرتبط با شیوه هائی میباشد که از طریق آن مردم در دهات به معیشت های خویش سر و صورت میدهند. هدف عمده تحلیل معیشت اینست تا به آسیب پذیری و پروسه های بنیادی مردم توجه صورت گیرد که شیوه های معیشت آنها را احتوا مینماید، بشمول تأثیر پالیسی ها و پروگرام های حکومت و مؤسسات امدادی برای مردم بی بضاعت.

نقطه عطف این مطالعه زراعت و ارتباط آن با معیشت ها در مفهوم وسیع آن میباشد، بشمول اینکه چگونه تولیدات زراعتی (و یا فقدان آن) بر مارکیت کار، مهاجرت و مناسبات محلی اجتماعی، سیاسی و

این رساله این مسئله را بررسی مینماید که پالیسی ها و پروگرام های زراعتی در افغانستان تا چه حد در مطابقت با شیوه هایی قرار دارند که خود مردم در دهات افغانستان جهت بقا و احیاً مجدد زندگی شان بکار میبرند. این رساله یک رساله قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) را بنام "بررسی مسئله معیشت ها در افغانستان"^۱ انکشاف میدهد و مطالعات جاری واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و سازمان های دیگر را در مورد نظارت بر معیشت مورد استفاده قرار میدهد. تأکید و توجه این تحقیق بالای سیستم های زراعتی نبوده بلکه بر این مسئله غور مینماید که چگونه دانش محدود ما در مورد این سیستم ها پالیسی و عملکرد را در سکتور

۱. بین، ای و لاوتز، اس، توجه به معیشت ها در افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان . (AREU) سپتمبر ۲۰۰۲.

در تمام این رساله دو موضوع عمده مورد بحث قرار گرفته است. موضوع نخست طریقی میباشند که در آن طراحان احیای مجدد زراعت حد فعلی میان فعالیت های امدادی و شیوه های دهاقین در خصوص معیشت را تعیین نموده اند. هدف رساله این نیست که تحلیل عمیق پالیسی احیای زراعت را ارائه نماید^۳، ولی نمونه عام مصارف در سالهای اخیر بدین مفهوم بوده است که مسئله احیای مجدد و بالخصوص نقش پروگرام توزیع تخم بذری تقریباً بر تمام موضوعات مطالعه شده در رساله نفوذ عمیقی داشته است. خلأ میان بینش های بزرگ در مورد انکشاف دهات و واقعیت های موجود در ساحه تا حد زیادی مربوط به مجموعه های باریکی از فعالیت های احیای مجدد میباشند که در واقع فند یا وجوه پولی بدست می آورند.

موضوع عمده دوم مسئله تولید کوکنار میباشند. به محض اینکه مصارف امداد در قدم نخست و بصورت غیر موجه به پروگرام توزیع تخم بذری اختصاص داده شد، اولویت های سکتور خصوصی به شدت متوجه تولید تریاک گردید. ساحات مختلفی وجود دارد که در آن در قسمت تمویل انکشاف زراعت توسط سکتور خصوصی تحرکی وجود دارد، ولی اهمیت بسزای اقتصادی تریاک بدون شک یک عاملی میباشند که اولویت های سرمایه گذاری، ارزیابی خطر، مناسبات محلی اجتماعی و سیاسی و مارکیت های کار را متأثر میسازد. در حال حاضر یکصد ابتکارات تحقیقاتی در جریان اند تا این مجموعه پیچیده مسایل بصورت بهتر تحلیل گردند. امید میرود که این رساله نقشی را در درک چوکات وسیعتر مسایل درین رابطه ایفا نماید که این مطالعات در آن ادغام خواهند گردید.

این رساله بشکل ذیل تنظیم گردیده است:

- فصل بعدی خلاصه از پروسه طرح پالیسی انکشاف زراعت در افغانستان را ارائه نموده و محاسبات کلیدی مؤسسات امدادی را با برداشت های ادارات محلی و حکومت ملی مقایسه مینماید.
- فصل سوم این تحلیل پالیسی را در ارتباط با دانش موجود در مورد

اقتصادی اثر میگذارد. تولیدات زراعتی نه بشکل هدف مطالعه بلکه منحصراً یکی از اجزای متشکله مجموعه وسیع معیشت ها تحلیل گردیده است. چنین نظر اندازی وسیع بخاطری صورت گرفته است تا این امر درک گردد که چگونه زراعت بر معیشت ها اثر میگذارد و چگونه اثر نمیگذارد. طوریکه یکی از ناظرین در مورد تاریخ نوین می نویسد، بسیاری افغانها در دهات و یقیناً افغانهای فقیر دهاتی ضرورت های غذائی خویشرا در قدم نخست از طریق کشت و زراعت تأمین نمی نمایند، بلکه از طریق شیوه های مختلف از قبیل فروش مواشی و محصولات مواشی، کار های اتفاقی، مهاجرت موقتی و پول های ارسالی از خویشاوندانی که بصورت دایم در خارج از کشور اقامت گزیده اند، ضرورت های غذائی خویشرا مرفوع می سازند.^۲ هدف این مطالعه اینست تا چنان زمینه را ایجاد نماید که بر اساس آن دانش در مورد زراعت افغانستان با شیوه های وسیع بقاً بصورت بهتر ارتباط داده شود. این رساله توضیح می نماید که زراعت در چه حالاتی یکی از عناصر در میان مجموعه پیچیده شیوه های میباشند که خانوار ها جهت بقای خویش بکار میبرند تا مصئونیت غذائی خویشرا ارتقا بخشند و در مواردی که ممکن است زندگی خویشرا رونق بخشند. حایز اهمیت است تا خاطر نشان گردد که اصطلاحاتی مانند "معیشت" و مصئونیت غذائی بعضاً در ادارات حکومتی و غیر حکومتی بصورت همه جانبه تفسیر و تعبیر نگردیده است.

این رساله همچنان بصورت انتقادی این امر را تحلیل مینماید که چگونه تشریح مسایل بقاً انتقال تکنالوژی، نقش دولت و خصلت ادارات محلی بر نظریاتی اثر میگذارد که مسئله نقش زراعت و تولید مواد غذائی را در معیشت ها مورد بررسی قرار میدهند. این رساله بر محاسباتی که اساس پروگرام های جاری زراعتی را تشکیل میدهند و همچنان بر انگیزه های ادارات دولتی و موسسات امدادی در خصوص پذیرش نظریات ساده در مورد زراعت، نظر انتقادی می افکند. توجه خاص به این امر مبذول گردیده است که چگونه موسسات کمک کننده در امر احیای مجدد همراه با ادارات دولتی افغانستان با چنان سرعتی در مورد پروژه هائی به توافق میرسند که با راه های حلی که خود دهاقین رویدست گرفته اند، ارتباط ضعیفی دارند.

۲ جانسون، سی، صلیب سرخ انگلستان: یادداشت های مطالعه مسئله پاسخ به خشکسالی در افغانستان برای سیمینار. ۲۰۰۳، ۴.

۳ این موضوع که باریک تر میباشد در مطالعات آینده توسط عین مؤلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت و ابتکار بخشی از پروژه تحقیقاتی انستیتوت انکشاف خارجی خواهد بود که بنام "نقش متغیر احیای زراعت: امداد، انکشاف و کمک و ارتباط آن با معیشت ها در دهات" یاد میگرد.

گرفتند که در مصاحباتی که در جریان این مطالعه انجام یافتند با وضاحت تبارز یافتند. میتودولوژی اساسی این مطالعه تحلیل این امر بود که برداشت جامعه امداد در مورد زراعت و انکشاف با مبارزه واقعی مردم دهاتی جهت بقا آنچنانیکه در تحقیقات تجربی موجود توضیح گردیده است، چه مناسبتی با همدیگر دارند.

یک مسئله قابل توجه در قسمت ارزیابی اعتبار اطلاعات متذکره درین رساله این سوال است که پدیده های توضیح شده در مطالعات تجربی تا چه حد وابسته با وفق و سازگاری با جنگ و خشکسالی میباشد و تا چه حد وابسته با بحران ها و بهبودی های متواتر در تاریخ میباشد. بگونه مثال، برخی از مطالعات از افزایش مقروضیت گزارش میدهند، خصوصاً این رسم که دهاقین از روی ناچاری زمین های خویشرا به گرو میگذارند و بالاخره آنها از دست میدهند. واضح نیست که آیا این یک پدیده جدید است که به اثر خشکسالی، تغییرات در ساختار های قدرت محلی و افزایش نفوس بمیان آمده است و یا اینکه یک شیوه مؤقتی سازگاری با شرایط میباشد که در سابق نیز گاهگاهی تبارز نموده است.

باید تأکید نمود که در اطلاعات موجود خلأ های بزرگی در قسمت ارتباط میان زراعت و معیشت ها وجود دارد. حتی قبل از منازعه سه دهه گذشته، احصائیه ها در مورد نفوس، اقتصاد و شرایط اجتماعی در دهات نهایت اندک بودند.^۴ علیرغم سرمایه گذاری قابل توجه در سالهای اخیر جهت جمع آوری اطلاعات به منظور پلانگذاری پروژه ها، اطلاعات نهایت نامنظم بوده و اکثر مطالعات قابل دسترس از لحاظ ساحه تحت مطالعه و یا موضوع خیلی محدود اند. بصورت اخص، اطلاعات در مورد حالت تغذیه عموماً متکی بر بیانات بوده و یا اینکه صرف برای یک ساحه محدود مدار اعتبار میباشد. بنابر آن ارتباط میان تولیدات زراعتی و مصارف غذائی صرفاً باید حدس زده شود.^۵ احتیاط در تشخیص مشاهدات عمومی از مطالعات غیر تجربی خیلی مهم میباشد، زیرا تأثیر جنگ، مصیبت های طبیعی و حتی

ارتباط میان زراعت و معیشت های باشندگان دهات مورد بررسی قرار میدهد.

• فصل چهارم این مسئله را بررسی مینماید که چگونه پروگرام با معیشت ارتباط دارد، بالخصوص اینکه چگونه با مسایل خطر، تنوع در معیشت ها و مصرف معاملات برخورد صورت میگیرد.

• فصل پنجم عوامل پالیسی و پروگرام را با هم ارتباط میدهد و برای اینکار دیده میشود که چگونه کوشش ها در جهت انتقال تکنالوژی و ارائه خدمات، عرصه انتخاب معیشت ها را وسعت بخشیده است و یا نبخشیده است.

• بالاخره، رساله با این تفکر و اندیشه پایان میرسد که یک روش اصولی ولی عملگرا جهت امتزاج این عوامل مستلزم چه خواهد بود. توصیه ها بصورت مشخص در مورد این مسئله اند که با در نظر داشت ابهام و تردید در خصوص نقش ادارات محلی، بی اعتمادی بر سکتور خصوصی و اختلاف بر سر نقش دولت، انتخاب پالیسی ها باید به چه شکلی ادامه داده شود.

میتودها

این رساله نتیجه گیری های مصاحبه ها با کارکنان دولتی، مقامات محلی، نمایندگان سازمان های غیر حکومتی (NGO)، کارمندان ملل متحد، مشاورین تخنیکی و مردم دهاتی جمع آوری مینماید. این اطلاعات در طی دو ماموریت به افغانستان جمع آوری گردیده است، از ۲۰ الی ۲۰ سپتمبر و از ۲۷ نومبر الی ۱۷ دسمبر سال ۲۰۰۳، که در طی این زمان از ولایات بامیان، کندز و تخار بازدید بعمل آمد. این مطالعه ایجاب نمی نمود تا مشاهدات وسیع مستقیم و عملی از شرایط در دهات صورت گیرد. نظریاتی که درینجا ارائه گردیده اند، تحلیل و تجزیه نتیجه گیری های تحقیقات موجود و مطالعات سازمان های غیر حکومتی (NGO) بوده و با "شرح پالیسی" در یک ردیف قرار

۴ پین، ای و کودهند، جی. افغانستان: اوضاع فعلی در خصوص اشتغال و اوضاع و دورنمای اجتماعی و اقتصادی. پروگرام تمرکز بر پاسخ به بحران و بازسازی، رساله کاری شماره ۸. ژنیو: سازمان بین المللی کار. ۲۰۰۲.

۵ چنین فقدان اطلاعات ممکن است بزودی تغییر یابد، زیرا ساختار جامع ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی ایجاد گردیده است.

که کدام سوالات درین مطالعات مطرح گردیده اند و اطلاعات چگونه تعبیر میگردد. جهت درک اینکه مردم دهاتی خود چگونه معیشت های خویشرا ایجاد نمایند، معمولاً بعوض اینکه به تلاش های دهاقین توجه گردد، توجه غیر ضروری به امداد مبذول میگردد، زیرا هدف از بسیاری سروی ها و ارزیابی ها اینست تا سطح بذل کمک ها افزایش یابد. یک مشاور با اندوه می نویسد که "تمام گزارش های مطالعه شده در اثنای ماموریت، تصویر مایوس کننده از کشور ارائه میداد. گزارشات بر نکات منفی متمرکز بوده و برای هر مشکل ذکر شده راه حلی را معرفی می نمود که بر اساس امداد استوار بود."^۳ با ادامه تطبیق پروگرام ها این ضعف ها نیز در ارزیابی و پلانگذاری ادامه داشته است. مطالعه دیگر می پذیرد که در گزارشات مؤسسات از لحاظ عدم تعمق نارسائی های جدی وجود داشته است و این امر موجب گردیده است تا گزارشات دارای محتوای کمتری برای استفاده تیوریک و یا تحلیل میتودیک در مورد معیشت ها در شرایط بی ثبات سیاسی باشند.^۸ هر چند در حال حاضر اوضاع بهتر است، ولی تا هنوز بحالت مطلوب نرسیده است.

انکشاف طی سه دهه گذشته خیلی مختلف و پراکنده بوده و خصلت محلی داشته است.^۶ در ارتباط با خصلت دولت و ساختار های جامعه، نامهایی مانند "جنگسالاران"، "تروریستان" و "اشوب و بی نظمی" بکار برده شده اند تا تفاوت های بزرگ در کیفیت، عمق و انصاف اشکال مختلف حکومت داری که افغانها در سطح محلی در دهات داشته اند، مختصراً افاده گردد.

این مطالعه بر آن تعریف ها تأکید می نماید که بر تولید اطلاعات در مورد انکشاف دهات در افغانستان اثر میگذارند. از برخی مطالعات نیز تذکر بعمل آمده است تا نمایانگر فشار هائی باشند که در قسمت ایجاد مطالعات روایتی وجود دارد که نظر به آن در خصوص پروگرام های جاری تصمیم اتخاذ میگردد. انتقاد اصلی ایکه درین رساله تبارز می یابد، از روی بد بینی نبوده بلکه هدف از آن اینست تا نشان داده شود که چرا از میان برداشتن خلأ میان اولویت های پروگرام و واقعیت های معیشت تا این حد مشکل بوده است. خصلت تحریف شده انگیزه ها برای انجام سروی ها و ارزیابی ها در افغانستان بر این امر اثر میگذارد

۶. پین، ای. درک معیشت ها و نظارت بر آنها در شرایط منازعه دوامدار: درس ها از افغانستان. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۱۸۷. لندن. ۲۰۰۲. ODI.

۷. هوکلی اسوشیتس. افغانستان: گزارش سهمگیری در ارزیابی حاصلات و تأمینات غذائی سال ۲۰۰۲ به نمایندگی از کمیونیکس، جولای ۲۰۰۲، سفولک: هوکلی اسوشیتس. ۲۰۰۲. ۱۲.

۸. پین، ۲۰۰۲. ۲.

۲. احیای مجدد زراعت و انکشاف

ایجاد نمودند که ایجاب می نمود تا زراعت بعوض سنت و عنعنه، بیشتر با پروژه های انکشافی، خشکسالی متواتر، جنگهای وقفه ای و اوضاع سیاسی و اقتصادی منطقه سازگاری نماید.

ساختار عملگرایی احیای مجدد زراعت و تلاش ها در جهت انکشاف با ماهیت حقیقی زراعت و پروسه های بهبود فارمداری و معیشت ها در افغانستان هماهنگ نمیشد. پس از سقوط طالبان، افزایش سریع کمک ها جهت احیای مجدد زراعت بخاطر بحران جدید ناشی از جنگ نبود، درحالیکه این بحران بصورت غیر مستقیم بگونه فزاینده تأثیر ناگواری بر زراعت گذاشت. فرسایش تدریجی نهادها، رونبا و ساختارهای مارکیتی و ایجاد فرصت های وسیع برای دست درازی های قوماندانان محلی تأثیرات ناگوار بیشتری نسبت به بمب ها و مرمی ها داشته است. بحران در زراعت در گذشته و تا حدی در حال حاضر توسط عواملی از قبیل خشکسالی، حکومت داری ضعیف و ایجاد بی نظمی در مارکیت بمیان آمده است. "تمای یکنواخت فعالیت های امدادی"^۹ با چالش های مختلفی که مردم در دهات با آن مواجه اند ارتباط ضعیفی داشته و در حالیکه مردم جهت حفظ معیشت هایشان تقلأ می نمایند، حکومت ها می آیند و میروند. بدین ترتیب، آجندای امداد تا حد زیادی با ضرورت های بشری و انکشافی در دهات افغانستان هماهنگ نیست.

دلیل عمده که آجندای امداد با واقعیت های تولید زراعتی و معیشت ها مطابقت ندارد، اینست که "شرح بحران" عملیات امداد را شکل میدهد. تحمل سختی ها، ویرانی ها و تجدد حیات طی ۲۵ سال گذشته از جانب وسایل اطلاعات جمعی نادیده گرفته شده و در عوض آن تصویری را از انزوال سیستم ارائه داده اند. در زمان طالبان، قبل از آغاز خشکسالی اواخر سالهای ۱۹۹۰، تولید غله جات بهبود می یافت و در سال ۱۹۹۵ شمار مواشی بیشتر از اواسط سالهای ۱۹۶۰

این فصل بر پروسه طرح پالیسی در انکشاف زراعت در افغانستان نظراندازی می نماید. تعریف های جامعه بین المللی در مورد بحران در زراعت و همچنان اصلاحات در ادارات دولتی توضیح گردیده اند. این شرح با طرز تفکر و برداشت ادارات محلی و حکومت مرکزی مقایسه گردیده اند. بر این مسئله نیز تأکید گردید که تولیدات زراعتی افغانستان چگونه میتوانند تا به مارکیت های منطقه و جهان راه پیدا نمایند. این بخش همچنان پیامد های ناشی از تعریف ها و برداشت ها را مورد ملاحظه قرار میدهد، خصوصاً این مسئله که چگونه عدم توافق در خصوص پروگرام ها و اولویت ها موجب ایجاد یک خلای فزاینده میان مباحثات پالیسی و واقعیت ها در سطح ساحه گردیده است.

در ماورای عنعنه و بحران

اقتصاد زراعتی افغانستان توسط بسیاری ناظرین بحیث سیستم عنعنوی و یا حتی قرون وسطائی توصیف گردیده است که در آن دهاقین منزوی از تکنیک هائی استفاده می نمایند که در طی قرون تغییر ننموده اند. چنین تصورات از سیستم کم مایه تولیدی و شکل ظاهری قرأ و قصبات ناشی گردیده و فاقد درک پروسه های تاریخی میباشد که سیستم جاری را بمیان آورده است. در طی بخش اعظم قرن گذشته افغانستان دارای سیستم زراعتی نیرومند و متمایل به مارکیت بود. در سالهای ۱۹۶۰ افغانستان یکی از بزرگترین صادر کنندگان میوه خشک (خصوصاً کشمش) و پوست قره قل در جهان بود. این امر ثروت زیادی به شمال کشور می آورد. با کمک های انکشافی عظیم در بخش زراعت و آبیاری در جنوب کشور سرمایه صورت گرفت که موجب تحولات عمده در سیستم های زراعتی گردید. گرچه تمام این تغییرات برای دهاقین و معیشت های دهاتی مثبت نبودند، ولی با آنهم آنها چنان اوضاع و شرایطی را برای زراعت

تلاش های مهم و قابل ستایش در جهت ارتقای نقش دولت در مسایل بودجه و طرح پالیسی رویدست گرفته شده اند، ولی افغانستان تا حد زیادی تحت یک اداره نیمه انتقالی بسر میبرد که بصورت کلی از جانب ملل متحد و جامعه بین المللی حمایت میگردد. در چنین اوضاع نامعلوم ابهاماتی در قسمت حسابدگی به مردم، رهبری پروگرام های انکشاف زراعت و استفاده نا متناسب از پاداش و مجازات جهت پیشبرد پروسه پالیسی وجود دارند.

باید خاطر نشان نمود که افغانستان یک کشور خیلی ناهمگون بوده که دارای اقلیم های متنوع و ساختار های محلی اجتماعی و اقتصادی که ریشه های تاریخی دارند، میباشد. هرچند این ساختار ها بصورت مستقلانه وجود دارند، ولی در عین زمان شیوه های خاص ارتباط با ساختار های ملی و بین المللی را انکشاف داده اند. صرف نظر از



تصویر از کرشنپلوس

انزوی دره های دوردست کوهستانی و راه و رسم منحصر به فرد اهالی آنها، حتی دوردست ترین مناطق عمیقاً توسط نابسامانی های سالهای اخیر متأثر گردیده اند. یکی از محققین در مورد سطح مرتفع پامیر می نویسد:

”ممکن است برای بعضی ها مشاهده اینکه تأثیرات سیاست بین المللی تا چه حد در اعماق دره های دوردست نفوذ مینماید، قابل

بود. ۱۰ در مساعی جاری پلانگذاری به درس های حاصله ازین پروسه های بهبود به ندرت اشاره میگردد و تحلیل آن به ندرت بیشتر صورت میگیرد. به عین ترتیب، استعداد دهاقین در کاربرد شیوه ها و مارکیت های جدید تولیدی نادیده گرفته شده و اینکار در پهنای تلاش هائی صورت گرفته است که هدف از آن حصول فند و توزیع تأمینات برای آنانی است که گویا هیچ چیزی ندارند. فشار ها جهت دریافت راه های حل فوری برای پرابلم های نهایت پیچیده ازین ترس ناشی میگردد که مافیای مواد مخدره که از تولیدات سریعاً رو به افزایش تریاک قوت میگیرد، پروژه عظیم ملت سازی را که پس از سال ۲۰۰۱ آغاز گردیده است، تخریب خواهد نمود.

در حال حاضر صرف میتوان تا تصویر کلی دوره انتقالی را ارائه نمود که در آن حکومت تلاش می نماید تا وظایفی را بدوش گیرد که طی سالهای اخیر جامعه بین المللی بعهده داشته است. واضح نیست که نقش دولت، ادارات محلی، جامعه امداد و سکتور خصوصی در احیای مجدد زراعت و انکشاف چه خواهد بود. این امر نیز واضح نیست که چه زمانی دولت قادر خواهد بود تا در مقابل تصرف غیرقانونی زمین ها، بی امنیتی و سایر مشخصات زندگی دهاتی در افغانستان امروز موقف جدی تری اتخاذ نماید. این مسئله تا حد زیادی مربوط به آن خواهد بود که تا چه حدی بازیگران مختلف در امر احیای مجدد روبنای زراعت و خدمات اجتماعی موفق میگردند.

جنبه دیگر این مسئله که ارتباط متقابل میان پالیسی ها، پروگرام ها، طرز اداره و رهبری و انکشاف زراعت را تعیین می نماید، نقش جامعه بین المللی میباشد. افغانستان توسط کدام اداره انتقالی ملل متحد اداره نمیگردد، ولی حکومت برسمیت شناخته شده خود دارای منابع و امکانات خیلی اندک میباشد و موسسات امدادی تا هنوز هم وجوه پولی تخصیص داده شده به افغانستان را در کنترل خویش دارند.

۱۰ ایالترند. زمینه سازی برای صحت حیوانات در افغانستان. گزارش برای اتحادیه اروپائی . ۲۰۰۳ .

چنین نهاد های ضعیف در تجدید و نوسازی سریع ارتباطات با مارکیت های بین المللی مؤثر واقع نمیگردند، زیرا این مارکیت ها مقتضی چنان تولیدات زراعتی اند که قابل پیشبینی و دارای کیفیت استاندارد بوده و عرضه آن به وقت و زمان بصورت عمده صورت گیرد.

تعجب باشد، ولی این حقیقت صرفاً مصداق این امر است که تیوری بقای حیات بر این نظریه که گویا این مناطق حیثیت ساحات تجرید شده و بسته را دارند، خط بطلان می کشد.^{۱۱}

ساختار ها و نهاد ها

سرمایه گذاری در ترمیم روبنای فیزیکی ایکه طی سالهای جنگ و رکود ویران گردید، سریع تر از احیاء مجدد روبنای تشکیلاتی آغاز گردید. گرچه مشکلات امنیتی برخی از کارهای ساختمانی را در جنوب کشور به تعویق انداخته است، در بخش های دیگر کشور پیشرفت هائی حاصل گردیده است. تلاش هائی جهت پر نمودن خلأ در بخش تشکیلات و نهاد ها جریان دارند، خصوصاً در بخش توزیع تخم بذری و توسعه این پروگرام. در بخش تمویل پروژه های کوچک و تغییر شیوه تولید زنجیره ای کالا هائی که از لحاظ اقتصادی پرمفعت اند، روی پلان های طویل المدت فکر می شود، ولی این امر تا هنوز کاملاً در مرحله پلانگذاری قرار دارد. بسیاری ناظرین شک دارند که انکشاف تشکیلاتی به سرعت انجام خواهد یافت.^{۱۲}

یکی از جنبه های بازسازی و احیای مجدد زراعت در افغانستان فشار جهت تشخیص، اعمار، ایجاد و یا تقویت "همکاران عملی کننده پروژه ها" و یا بگفته دیگر، آن سازمان های رسمی ای میباشد که میتوانند وجوه پولی امدادی را دریافت نموده و مورد استفاده قرار دهند. این مطالعه مختصر ضروری نمیداند تا تمام موسسات رسمی و غیر رسمی را در نظر گیرد که دهاقین جهت حصول سرمایه، ضروریات کشت، یافتن مارکیت و کسب دانش به آنها متکی اند تا تولیدات، مفاد و معیشت های خویشرا حفظ نمایند. گرایشی وجود دارد که بخاطر چند درخت یک جنگل از دست میرود، بطور مثال، یک کوپراتیف تخم های بذری اعمار میگردد، بدون اینکه در قدم اول این امر در نظر گرفته شود که طرق و مقررات غیر رسمی درین زمینه چه اند و چگونه دهاقین از قدیم الایام توانسته اند تا تخم های مطلوب خویشرا بدست آورند.

تقاضا ها جهت بذل کمک های مالی دارای خصلت غیر منصفانه است، زیرا چنین تصور وجود دارد که احیای تولیدات زراعتی از طریق تأمین وسایل ضروری و اعطای قرضه ها صرف با ایجاد مجدد تشکیلات و نهاد های رسمی صورت گرفته میتواند. مؤسسات امدادی به وجود ادارات همردیف رسمی ضرورت دارند. از جانب دیگر دهاقین نشان داده اند که ساختار های غیر رسمی در واقع میتوانند خدمات زراعتی را با کیفیت بلند تأمین نموده و حتی ارتباطات مؤثر را با سکتور رسمی برقرار نماید.^{۱۳} در افغانستان برخی نهاد های نیرومند غیر رسمی وجود دارند که جهت پر نمودن خلأ ظرفیت های رسمی پا به عرصه وجود نهاده اند. سیستم تبادل پولی

روبنای رسمی نهاد های زراعتی در افغانستان نهایت ضعیف بوده و متشکل اند از:

- شبکه های رسمی تجارت
- مسایل مالی
- پروسس و ذخیره
- اطلاعات در مورد مارکیت
- دریافت مشوره ها و کمک در قسمت تکنالوژی جدید
- مصئونیت رسمی ملکیت

۱۱ کریوزمن، ایچ. "اقلیت های قومی و انزوا در سطح مرتفع پامیر: بقای مردم واخی و کرکیز در یک محیط دشوار و ارتباط آن با مسایل جهانی." مجله جغرافیایی. سپتمبر ۲۰۰۳. (۳) ۱۶۹: صفحات ۲۱۵ - ۲۳۵.

۱۲ برخی کمک کنندگان بزرگ بیشتر خوشبین اند و بدین باور اند که سرمایه گذاری سریع در عرصه تشکیلات و ادارات امکان پذیر است. یک رساله تیوریکی بانک جهانی اشعار میدارد: "سرمایه گذاری در نیروی بشری و امنیت دارای وزنه بیشتری است، در حالیکه سرمایه گذاری بیشتر در روبنا ممکن است در سالهای آینده صورت گیرد." (بانک جهانی. مصارف سرمایه گذاری دولتی ایکه برای ایجاد یک افغانستان باثبات از نگاه سیاسی و اقتصادی ضروری است، یادداشت نظری. واشنگتن، دی، سی: بانک جهانی. ۲۰۰۳.)

۱۳ سمیت، ال، ای، دی، ستاکبریج، ایم و لوهانو، ایچ، آر. "ایجاد تسهیلات در اعطای قرضه به فارمداران: نقش معاملات قراردادی میان تجار و زمینداران در سیستم های بازار یابی حاصلات زراعتی در سند." انکشاف جهانی. ۱۹۹۹. (۲) ۲۷: صفحات ۴۰۴ - ۴۱۸.

در بسیاری پروگرام های زراعتی، ضعف تشکیلات، نهاد ها و پالیسی های قبلی موجب گردیده است تا ناظرین چنان تصور نمایند که ساختار های قبلی سقوط نموده اند. چنان گرایش وجود دارد که پروگرام ها بگونه آغاز گردند که گویا اصلاً پلانی برای طرح پالیسی های جدید، تشکیلات و پروسه ها وجود ندارد. پلان ها تجربه های مراحل قبلی بهبود و انکشاف را در سالهای ۱۹۹۰ بصورت لازم در نظر نمیگیرند. نیرومندی بسیاری نهاد های دولتی (نه الزاماً در عرصه زراعت) پلانگذاران را غافلگیر نموده است.^{۱۸}

گرایشات و مارکیت های منطقی و بین المللی

به همان اندازه که به روبنا های تشکیلاتی در افغانستان توجه اندکی صورت گرفته است، به همان اندازه در قسمت جستجوی بازار های منطقی و بین المللی^{۱۹} نیز توجه اندک صورت گرفته است، در حالیکه اینها عوامل کلیدی و تعیین کننده اند که میتوانند منعیث نیروی محرکه انکشاف عرض اندام نمایند. افغانستان صرف کشوری نیست که خود را در گیر در میان کمک های خیریه و انکشاف یافته است. این کشور همچنان در میان دو پالیسی جداگانه قرار دارد. پروسه در خواست کمک مجموعی از جانب ملل متحد مواد غذائی و کمک های زراعتی را طی سالهای اضطراری تأمین نمود و فشار های ناشی از کمبود مواد غذائی را به نحوی از انحا مرفوع ساخت، تا دیده شود که بازار بر مصنونیت غذائی چگونه تأثیر وارد می نماید. پالیسی زراعتی اتحادیه اروپائی ساختاری است که همراه با سایر سببایدی های کشور های ثروتمند بر فرصت های موجوده تأثیر قاطع وارد می نماید تا مارکیت های صادراتی زراعت منعیث یک نیروی محرکه برای انکشاف و تنزیل سطح فقر استفاده بعمل آید. کشوری مانند افغانستان که از لحاظ مالی دچار تهیدستی است باید این مسئله را از نزدیک بررسی نماید که آیا میتواند جهت

حواله یک ساختار فوق العاده با کفایت و با اعتبار جهت انتقال پول به تمام ساحات دهانی بوده و در قسمت حصول پول های ارسالی از خارج تسهیلات مزید فراهم می نماید.^{۱۴} چنین اعتقاد وجود دارد که این سیستم جهت کمک به امور تجارت در امتداد راه ابریشم ایجاد گردید و در آسیای جنوبی شکل عصری را اختیار نمود تا با محدودیت های انتقالات پولی ایکه پس از جدا گردیدن هند و پاکستان بمیان آمدند، مقابله نماید.^{۱۵} این سیستم خصوصاً با انزوال سیستم های قبلی بانکی در افغانستان و صومالیا، جاگزین این سیستم ها گردید و رشد نمودند و حتی در کشور های دیگر مانند بنگله دیش یک رقیب نیرومند برای سیستم های رسمی بانکی شمرده میشوند. پس ازینکه تصویری ازین سیستم در مطبوعات غربی ارائه گردید و بسیاری سیاستمداران آنرا یک تشبث مشکوک قلمداد نمودند که پس از ۱۱ سپتامبر تروریزم را تمویل می نماید، نظریات در مورد حواله مورد ارزیابی مجدد قرار گرفتند. اکنون این نظر قوت میگیرد که این سیستم در امر مرتبط ساختن اقتصاد دهانی افغانستان با سیستم بین المللی از طریق انتقال پول از خارج خیلی باکفایت و مهم میباشد: "میتوان استدلال نمود آنچه که حواله بخاطر آن بد نام گردیده است (سرعت، اعتماد، فقدان کاغذ بازی، دسترسی به تمام نقاط جهان، جریان روان کار) دقیقاً مشخصاتی اند که بانکداری عصری جهانی در صدد کسب آن است."^{۱۶}

شبکه های غیر رسمی تجارت نیز با کاربرد و انکشاف تجربه ها با گذشت سالها خیلی مقاوم و نیرومند ثابت گردیده اند و در جریان بحران ها و مراحل بهبود و انکشاف هر زمانیکه فرصت مهیا گردیده است به احیاء و تأسیس مجدد کار و بار خویش پرداخته اند. مارکیت داخلی برای میوه جات خشک صرف نظر از سقوط مارکیت های صادراتی نیرومند باقی مانده است،^{۱۷} و افغانستان مارکیت صادرات پسته را به هند نگهداشته است، با وجودیکه حاصلات پسته به اثر نابودی بخشی از جنگلات پسته کاهش یافته است.

۱۴ مایمیو، اس، ایم، صرافان کابل: مطالعه سیستم حواله در افغانستان. رساله کاری شماره ۱۳ بانک جهانی. واشنگتن. دی، سی: بانک جهانی برای بازسازی و انکشاف. ۲۰۰۳.

۱۵ دی کویدی، ایم، " بحث در مورد حواله و مقابله با شیوه های تمویل، نمو و پلانگذاری تروریزم. "جامعه و فضا. ۲۰۰۳. ۲۱: صفحات ۵۱۳ - ۵۲۲.

۱۶ ایبید، ۵۱۷.

۱۷ سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO) افغانستان: سروی سال ۲۰۰۳ سکتور باغداری. کابل. ۳۰۰۲. FAO:

۱۸ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و بانک جهانی. رهنمودی در مورد حکومت در افغانستان. اسلام آباد. ۲۰۰۴.

۱۹ يك استثنای قابل ذکر توجه به مارکیت های بین المللی تریاک است.

تخم ها، کشمش یا پنبه صرف منوط به احیای مجدد سیستم های آبیاری و یا ترمیم ماشین های پروسس نمیشد. هرگاه قرار باشد که عوامل کمک کننده به معیشت ها شکل ثابت و دایمی اختیار نمایند، باید در نظر داشت که شرایط بازار یابی، قیمت ها در سطح بین المللی و رژیم های سبسایدی رقابت کنندگان بالقوه در منطقه با انتخاب اولویت های سرمایه گذاری ارتباط خیلی نزدیک دارند. بسیاری از مؤسسات امدادی ازین عوامل چشم پوشی می نمایند.

در محدوده اقدامات جهت بازار یابی، گرایشی نیرومندی وجود دارد که همیشه از حالت ناهنجار سرک ها، تسهیلات ذخیروی و پروسس یاد

آوری بعمل می آید. تحلیل

فرصت های مارکیتی در کشور

های همجوار و ساحات شهری تازه

رویدست گرفته شده است. این امر با توجه به اینکه طرز دید حکومت بر اساس مارکیت استوار است، سوالاتی را در مورد بنیادی که بر اساس آن اولویت های ستراتیژیک برای احیای مجدد تعیین گردیده اند، مطرح می سازد. بگونه مثال، درک قویتر از مارکیت های بالقوه آینده یک امر انفکاک ناپذیر شمرده می شود تا آنانیکه اولویت ها را در قسمت ساختمان سرک ها انتخاب می نمایند در جریان قرار داده شوند و بدین ترتیب برای تجارت تولیدات زراعتی منافع اعظمی عاید گردد.

چرا در پالیسی حکومت در مورد رشد مارکیت تأکید زیاد بر تحلیل مارکیت ها صورت نگرفته است؟ پاسخ در "پیروزی متداوم پروژه" نهفته است. دافیلد خاطر نشان می سازد که در زمان طالبان، صرف نظر از بیانات پر طمطراق از جانب تمام مؤسسات امدادی در مورد تعهد شان به پلان ستراتیژیک مشترک برای افغانستان، هم کمک کنندگان و هم موسسات غیر حکومتی (NGOs) در گیر اجرای مقررات و امور روزمره بوده و با انتخاب پروژه ها خود را مصروف

رقابت در مارکیت های بین المللی به سطح کافی تولید دست یابد، در حالیکه ظرفیت آن در خصوص بذل کمک به دهاقین خویش اندک است. بذل کمک ها ممکن است برخی از موانع بزرگ را در قسمت تجارت مرفوع سازد، مانند روبنا و مسایل مالی، ولی این توانائی را ندارد که مزرعه ایرا ایجاد نماید. همکاری انکشافی در بهترین حالت میتواند که یک پلا تفورم محدودی را ایجاد نماید تا از پالیسی های عادلانه تجارت بین المللی حمایت نماید و اصلاحات را در پالیسی های داخلی تشویق نماید تا یقین حاصل گردد که این پالیسی ها واقعیت های مارکیت را منعکس می نمایند.

در سطح بین المللی، تحلیل های

مصئونیت غذائی بصورت فزاینده

بر این مسئله متمرکز میگردد که

چگونه خانوار ها (نه کشور ها) مواد غذائی مورد ضرورت خویشرا بدست می آورند. ولی خاطر نشان گردیده است که این نوع تحلیل با پروسه های طرح پالیسی در ارتباط با دستیابی به مارکیت های تجارتی بین المللی مطابقت ندارد. مارکیت های بین المللی هم از طریق رقابت تباه کن و هم از طریق عرضه مواد غذائی ارزان به مستهلکین بر مصئونیت غذائی تأثیر عظیم داشته است. این واقعیت بر تحلیل مصئونیت غذائی و پالیسی ها تأثیر وارد می نماید. مسایل مصئونیت غذائی در طرح پالیسی ها و شیوه های تجارتی تأثیرات کمتری داشته اند، که هدف ازین پالیسی ها و شیوه ها رشد صادرات از طریق پیوستن به مارکیت های بین المللی میباشد.^{۲۰}

پلان انکشاف ملی افغانستان آینده ملت را در انکشاف صادرات و رشد مارکیت می بیند.^{۲۱} بنا برین گرایشات انکشاف زراعت در منطقه و جهان ارتباط نزدیکی دارند با تصامیمی که در مورد این امر اتخاذ میگردد که چگونه میتوان از زراعت توقع داشت تا در آینده به تقویت معیشت ها بشکل بهتری کمک نماید. مسئله احیای تولید گندم،

۲۰ ستیفنس، سی، دیویروکس، ایس و کینان، جی، تجارت بین المللی، معیشت ها و مصئونیت غذائی در کشور های رو به انکشاف IDS، رساله کاری شماره ۲۱۵. سه سیکس: انستیتوت مطالعات انکشافی، ۲۰۰۳.

۲۱ درین اواخر اصول بنیادی پلان انکشاف ملی جهت طرح یک پلان عمل مورد استفاده قرار گرفتند که در نشریه بنام "تضمین آینده افغانستان: دست آورد ها و راه ستراتیژیک به جلو" توضیح گردیده اند که این نشریه توسط حکومت افغانستان و سازمان های بین المللی منتشر میگردد. در حالیکه مؤلف این رساله بصورت مشخص ازین نشریه اقتباس نمی نماید، ولی وی با رئیس طراحان "تضمین آینده افغانستان" ملاقات نموده است و بسیاری از نظریاتی که در آن سند وجود دارند، درینجا آورده شده اند.



تصویر آن کرسٹوفلوس

که به نفع مردم باشد، یعنی در مواردی که دولت باید مداخله نماید و در مواردی که مارکیت و ادارات محلی باید در رأس قرار گیرند و از دولت صرف توقع تأمین تسهیلات و نظارت بر امور را داشته باشند.

این امر حایز اهمیت خاصی است تا هدف از تأسیس دولت تسهیل کننده و تنظیم کننده در عرصه زراعت تحلیل گردد، زیرا بصورت متعارف چنین تصور می‌گردد که دولت ها درین عرصه در مقایسه با سکتور های دیگر مانند صحت و معارف دارای نقش مستقیم نسبتاً کمتری در انکشاف و حتی در ارائه خدمات ابتدائی اند، زیرا در سکتور های دیگر تأمین خدمات توسط دولت یک نورم شمرده می شود. زراعت چنان سکتوری است که میتواند به خوبی وارد اهداف حکومت و جامعه بین المللی گردد، هرچند تا کنون در ارتباط با نقش دولت در انکشاف زراعت توافق نظر وجود ندارد.

در پلان انکشاف ملی، بحران افغانستان منجیث یک فرصتی برای اصلاحات تلقی گردیده است، زیرا ساختاری که از مدیریت و اداره جدید دولتی^{۲۳} الهام گرفته است بر مخروبه های آنچه که دولت سقوط شده پنداشته می شد، گذاشته شد. نظر کلی چنین است که تصویب شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی بیشتر محصول فشار

نگهمیداشتند، نه تطبیق پالیسی ها. ۲۲ ضرورت براه انداختن فعالیت هائیکه با تصویر مزارع پر از موج گندم مرتبط اند (هرچند این ارتباط خیلی نازک باشد) تا هنوز بیشتر ازین ضرورت است که پرسیده شود که چه کسی حاضر به خریداری آرد است. اسناد پالیسی و ساختار های بودجوی برای افغانستان ممکن است با مباحثات در خصوص طرح جدید امداد "مارکیت گرا" عیار گردند. این طرح جدید امداد بصورت فزاینده بر عرصه انکشاف مسلط می‌گردد، ولی واقعیت های پلانگذاری سکتور زراعت در ساحه، طرز دید مستقیم و منحصر به پروژره را حفظ می نمایند.

شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی و موانع در راه ریفورم پالیسی

پلان انکشاف ملی با این بیان آغاز می‌گردد که "آرمان های مردم باید در یک حکومت حساسه که بصورت روزمره کار های با ارزشی را انجام دهد بازتاب یابد." این مسئله که چه کار هائی انجام یابد و توسط کی انجام یابد، در محراق این بحث قرار دارد که حکومت افغانستان با مردم خود کدام نوع مناسبات اجتماعی را بر قرار می نماید و تعهد جامعه امداد در جهت انکشاف شرایط عملی این مناسبات چه میباشد.

پلان انکشاف ملی پس از آن مشخص می سازد که: "ما حکومت را منجیث مولد و اداره کننده اقتصاد تلقی نمی نمائیم، بلکه آنرا منجیث تنظیم کننده و مشوق نیروی تشبثاتی مردم می شماریم. دولت صرف زمانی نقش مستقیم مدیریت را بعهده خواهد گرفت که عدالت اجتماعی مقتضی آن باشد." پروسه طرح پالیسی در حقیقت عبارت از اتصال تدریجی فاصله ها میان تعبیر های مختلف از آنچه میباشد

۲۲ دفیلد، ایم، کوسمن، پی و لیدر، ان، نظری بر پلان ستراتیژیک برای افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۰۲.

۲۳ "شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی" اصطلاحی است که جهت اشاره به مودل هائی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هدف از آنها کاهش نقش دولت و افزایش نقش سکتور خصوصی و ادارات محلی است. این مودل ها بصورت گسترده طی سالهای ۱۹۸۰ در اروپا به منصفه اجرا درآورده شدند و از آنزمان به بعد بصورت فزاینده منجیث بخشی از تعدیلات ساختاری پروگرام ها در جنوب و شرق ترویج و توسعه داده شده اند. درین اواخر این نظریات در طرح ستراتیژی های بین المللی جهت بازسازی دولت های ناموفق و یا سقوط شده از پشتیبانی برخوردار گردیده اند.

مؤثر تطابق ندارند.^{۲۶} توقعات مردم و عوامل دیگر بر رهبران سیاسی (درین مورد بر جامعه امداد نیز) فشار وارد می نماید تا کارشان نتایج فوری ببار آورد و خدمات چشمگیر عامه را تأمین نمایند. این امر با مدل های شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی هماهنگ نیست، زیرا این مدل ها پیشنهاد مینمایند که فاصله میان ظرفیت حکومت و ضروریات عظیم را میتوان منحیث انگیره جهت اتکاً بیشتر بر سکتور خصوصی و ادارات محلی مورد استفاده قرار داد.

زمانیکه حکومت موجوده قدرت را بدست گرفت، اکثریت عظیم سیاستمداران و کارکنان ادارت دولتی در عرصه زراعت یقین داشتند که دولت در عرصه زراعت پروژه های انکشافی بزرگ را با تخصیص وجوه کافی مالی رویدست خواهد گرفت. این تمام آنچه بود که آنها در گذشته از آن تجربه داشتند و از ریفورم هائیکه طی دو دهه گذشته در جهان رویدست گرفته شده اند، درک و یا اطلاع کمتری داشتند. میان دورنمای زراعت و انکشاف

دهات آنگونه که در پلان انکشاف ملی تبارز یافته است و پالیسی زراعتی مورد نظر آنانیکه در وزارت زراعت و مالداري و یا مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) کار می نمایند و خدمات زراعتی را تأمین می نمایند، فاصله زیادی موجود است. با وجودیکه پالیسی جدید توسط مراجع کلیدی در سطح مرکزی تصویب گردیده اند، قرائن کمی وجود دارند که طرز دید جدید برای دولت در سطوح دیگر قابل درک و یا مورد پذیرش باشد. یک ستراتیژی در مورد معاونت مراجع کمک کننده تذکر میدارد که "سطح درک و تحقق پلان انکشاف ملی در میان وزارتخانه های اداره انتقالی افغانستان متفاوت است.^{۲۷} حکومت نیز این مسئله را بصورت آشکار پذیرفته است.^{۲۸}

های کمک کنندگان است، نسبت به اینکه یک تعهد داخلی باشد. شدت متداوم مخالفت ها علیه شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی در حکومت نشان داد که دولت به آن حدی که بسیاری تصور می نمودند سقوط نموده است. در تطبیق پلان یک سلسله پرابلم ها رونما گردیدند، زیرا به تدریج معلوم گردید که دولت و ادارات ملکی نسبت به وارد آوردن اصلاحات بیشتر جهت احیاً مجدد ساختار های سابقه تلاش می نمایند و درین راستا بصورت شگفت انگیزی نیرومند و فعال اند. در رابطه با خدمات ملکی یک حس غرور و افتخار وجود دارد^{۲۴} که با مدل شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی بافت نمی خورد. مراجع ذیعلاقه در زراعت متوقع اند و می خواهند اعلام نمایند که "همه چیز را فراهم می نمایند.^{۲۵} این باور که بحران ها

حتماً فرصت هائیرا برای اصلاحات اجتماعی میسر میسازد، بیشتر بر اساس تعریف های مروج و مسلط در جامعه امداد بنا یافته است، نه بر اساس واقعیت ها عملی. سیاستمداران افغان و کارکنان ادارت بر مبنای تاریخ و کلتور شان

دارای یک سلسله اولویت های متفاوت بوده و با فشار های متفاوت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه اند که با اولویت های مشاورین شان در تفاوت قرار دارد.

به مشاورین نیز هدایت داده می شود که مدل های نورماتیف بازسازی را تشویق و ترویج نمایند، هرچند اینکار به تحلیل آشکار و صریح پروسه های سیاسی در شرایط و اوضاع پس از جنگ و یا بحران متداوم لطمه میزند. بوین و تی هارت خاطر نشان می سازند که تعریف بحران منحیث یک فرصت برای اصلاحات در کشور های پیشرفته نیز وسیع ولی خیلی ناقص میباشد، زیرا "شرایط لازم برای مدیریت و اداره بحران در ماهیت خویش با شرایط برای اصلاحات

۲۴ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU).

۲۵ هیمانی، ایم. ورکشاپ انکشاف ستراتیژی به سطح وزارت های زراعت و انکشاف دهات، ۲۸ سپتمبر-۲ اکتوبر ۲۰۰۳، کابل. کابل: وزارت احیاء و انکشاف دهات، ۲۰۰۳.

۲۶ بوین، ای و تی هارت، پی. "رهبری اجتماع در زمان بحران يك ماموریت ناممکن است؟ نظری بر تنظیم و اداره ادارات دولتی. سپتمبر ۲۰۰۳. صفحات ۵۴۴-۵۵۳. همچنان به کریستوپلوس، ۲۰۰۰ مراجعه کرد.

۲۷ دیپارتمنت انکشاف بین المللی (DFID) پلان انتقالی دیپارتمنت انکشاف بین المللی (DFID) برای کشور افغانستان طی سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۴. دیپارتمنت آسیای غربی، دیپارتمنت انکشاف بین المللی (DFID)، اکتبر ۲۰۰۳، ۵.

۲۸ وزارت احیاء و انکشاف دهات. از کمک بشری به تأمینات اجتماعی. رساله ترتیب شده برای جلسات گروه حمایت از افغانستان در اسلو. کابل: وزارت احیاء و انکشاف دهات. دسمبر ۲۰۰۲.

عمده در تأمین خدمات زراعتی اند، تا کنون مسیر پروگرام های شانرا با پلان انکشاف ملی همردیف نساخته اند. پروگرام ها این تصور "دی فاکتو" را منعکس می سازند که تمام خدمات زراعتی به نفع مردم بوده و ایجاد مارکیت برای خدمات خصوصی مسئله ای است که باید در آینده دور (یعنی توسط کس دیگری) مور بررسی قرارگیرد. حتی فرصت کسب کمک بیشتر برای پروگرام ها در عرصه سکتور خصوصی از اداره ایالات متحده امریکا برای انکشاف بین المللی (USAID) نیز موجب تغییر قابل ملاحظه درین راستا نگردیده است. خدماتی که مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) ارائه می نمایند مشابه به خدماتی اند که مراجع دولتی خواستار ارائه آنند. دورنمای تداوم و ثبات در پروگرام های آنها خیلی بهتر از خدمات دولتی نمیشد، زیرا فعالیت های شان متوجه تأمین منابع و امکانات محلی از طریق مارکیت و یا ادارات محلی نمیشدند. اکثریت پروگرام های زراعتی ایکه توسط مراجع امدادی تمویل میگرددند، در ماهیت خویش الترناتیف هائیرا جهت تنظیم خدمات زراعتی ارائه نمی نمایند، بلکه محض ساختار های متبادل اند که در چوکات آن کارکنان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) عین خدماتی را انجام میدهند که ادارات دولتی توقع و امیدواری بعهدہ گیری مسئولیت آنها دارند.

در میان گروه مشورتی حکومت و ساختار پلانگذاری بودجه، وزارت زراعت و مالداري مسئول مدیریت و اداره بخش منابع طبیعی میباشد، ولی مسئول معیشت ها و تأمینات اجتماعی نمیشد، زیرا این بخش به وزارت احیاء و انکشاف دهات واگذار گردیده است که پروگرام غذایی جهان (WFP) و سایرین با آن کمک می نماید. در حالیکه دلایل عملی برای این تقسیم کار وجود دارند و معلوم نیست که آیا وزارت زراعت و مالداري قادر خواهد بود که بصورت مؤثر در یک سلسله طرح های اصلاحات در پالیسی مصروف گردد، این ساختار در جهت این تلاش ها مانع ایجاد نموده است که چگونه زراعت به حفظ معیشت ها کمک می نماید. نه وزارت زراعت و مالداري و نه سازمان غذا و زراعت (FAO) در مباحثات در خصوص پروگرام های بزرگ تأمینات اجتماعی ایکه فقط آغاز گردیده اند، سهم مؤثر نگرفته اند. بدین ترتیب این فرصت ها از دست رفت تا دیده شود که چگونه پروگرام های زراعتی میتوانند در کاهش آسیب پذیری نقش بهتری ایفا نمایند.

این امر ضد و نقیض بنظر خواهد آمد که زراعت سکتوری است که در

کارکنان ولایت و ولسوالی ها همانند سابق به این نظر اند که از آنجائیکه زراعت "ستون فقرات" اقتصاد محلی بشمار میرود، بناً تسلط دولت در امور مالی، تأمین خدمات زراعتی و پلانگذاری اولویت ها در تولیدات مؤجه است. تا کنون در ادارات دولتی روی نظرات متبادل در مورد سکتور زراعت در ولایات و ولسوالی ها مباحثه صورت نگرفته است. اکثریت آنائیکه مصروف مسایل زراعت در ساختار های سیاسی و اداری ولایات و ولسوالی ها اند، توقع دارند تا دوباره به انکشاف پلان شده دولتی بازگشت صورت گیرد که اینکار مستلزم بیروکراسی بزرگ و تأمین خدمات دولتی میباشد. حتی تصور میگردد که مناسبات در عرصه ادارات محلی نیز مستلزم نقش رهبری نیرومند دولت میباشد. بگونه مثال، هم اکنون پلان های گسترش مشاورین حکومتی و ساختار های سبایدی جهت احیای کوپراتیف های زراعتی ترتیب میگرددند.

سازمان ها بشمول سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO)، بانک انکشاف آسیائی (ADB) و دیپارتمنت انکشاف بین المللی انگلستان (DFID) در ارتقای ظرفیت های وزارت زراعت و مالداري سرمایه گذاری می نمایند تا سطح آگاهی کارکنان کلیدی از نورم ها و عملکرد های جاری بین المللی در وزارت های زراعت و سکتور دولتی افزایش یابد. بسیاری بدین باورند که این تلاش ها تا کنون مؤفقیتهای چندانی نداشته اند. حتی در جاهائیکه پلان انکشاف ملی مورد پذیرش قرار گرفته است، در رابطه با این امر اتفاق نظر وجود ندارد که در واقع یک دولت تسهیل کننده و تنظیم کننده عملاً بصورت مشخص متشکل از چه میباشد و چه باید کرد تا رشد و انکشاف ساختار های خصوصی و ادارات محلی ایکه در نهایت امر دولت باید امور آنها را تسهیل و بر آنها نظارت نماید. الزاماً تقصیر با فعالیت های امدادی نمیشد، ولی تقصیر با سطح بلند بلاتکلیفی در میان سیستم در خصوص این امر است که کدام ظرفیت ها باید انکشاف داده شوند. پیامد های پلان انکشاف ملی برای تعیین اولویت ها درین تازگی ها بسطح فراگیر نظری درک گردیده اند. درک و تحقق واقعی، وسیع و دایمی این پیامد ها زمانی توقع میرود که مفهوم این تیوری ها درین رابطه معین گردد که در مسایل انکشاف زراعت، امور کوپراتیف ها، خدمات وترنری و غیره کی؟ کدام وظایف را انجام میدهد.

ابهام در قسمت پلان انکشاف ملی فراتر از ساحه حکومت میرود. بسیاری مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) که در حال حاضر مراجع

پدیرش طرح شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی که در پلان انکشاف ملی پیشنهاد گردیده است، نگران و محتاط بود، البته با در نظر داشت اینکه زراعت در ماهیت خویش چنان عرصه ای است که سکتور خصوصی در آن یقیناً نیروی محرکه بشمار میرود. برای اینکار چندین عوامل وجود دارند:

پدیرش طرح شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی که در پلان انکشاف ملی پیشنهاد گردیده است، نگران و محتاط بود، البته با در نظر داشت اینکه زراعت در ماهیت خویش چنان عرصه ای است که سکتور خصوصی در آن یقیناً نیروی محرکه بشمار میرود. برای اینکار چندین عوامل وجود دارند:

- زراعت از زمان پروژه عظیم وادی هلمند که در سالهای ۱۹۶۰ ایالات متحده امریکا با کمک های هنگفت مالی آنرا تمويل نموده، بمثابه ماشین تحقیق پلان های عصری سازی دولت شمرده می شود.
- سوابق کاری بسیاری بیروکرات ها هم در سیستم سوسیالیستی و هم در سیستم قبلی زراعتی ایالات متحده امریکا موجب تقویت آرزومندی در جهت احیای مجدد کوپراتیف ها گردیده است.^{۲۹}
- ساختار های امداد که تقاضای پروژه های متمرکز و دارای تأثیر فوری را می نمایند، نمیتوانند که با یک سکتور خصوصی نامسجم معامله نمایند.
- در میان ادارات دولتی مربوط به زراعت این آرزومندی وجود دارد که از طریق سرپرستی و سخاوتمندی ها قانونیت خویشرا دوباره برقرار سازند.

علیرغم یک اندازه پیشرفت در "قانع ساختن" مقامات بلند پایه در مورد ضرورت وجود یک دستگاه کوچک دولتی، یک اجندای متبادل جهت تعیین وظایف مشخص ادارات دولتی در کابل و یا در سایر نقاط کشور وجود دارد. پلان های ریاست های زراعت در سطح ولایات و ولسوالی ها در ماهیت خویش عبارت ازین است تا وجوه پولی جهت تأمین خدمات مجانی از کابل مطالبه گردد و منتظر جواب ان باشند. آنها به ندرت این وجوه را حصول می نمایند. اگر بصورت عموم در مورد ادارات دولتی بحث صورت گیرد، مشاهده گردیده است که از دسمبر سال ۲۰۰۱ کارکنان ولایات و ولسوالی ها در واقع منتظر دریافت پاسخ از کابل بوده اند.^{۳۰} یک اندازه امیدواری وجود دارد که زمانیکه پروگرام همبستگی ملی آغاز گردد، تعویض وظایف میان دولت و مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) صورت خواهد گرفت. در سطح ولسوالی امیدواری های خوشبینانه وجود دارند که وجوه پروگرام همبستگی ملی برای تأمین خدماتی از قبیل پروژه های تراکتور ها و آسیاب ها مورد استفاده قرار خواهند گرفت، (یعنی عرصه هائیکه در چهارچوب دولت تسهیل کننده و تنظیم کننده، سکتور خصوصی در آن تفوق دارند).

با در نظر داشت این عوامل، مقامات امور زراعت در سطح ولسوالی و ولایت مشاهده می نمایند که مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) خیرات رایگان میدهند و طبعاً آنان نیز می خواهند که عین کار را انجام دهند. آنها تصور می نمایند که مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) بقایای خودسر و لجوج دولت قایم مقامی است که در زمان جنگ ایجاد گردیده بود. آنها نقش خویشرا در گرفتن مجدد مسئولیت هائی می بینند که زمانی بعهده داشتند و اکنون مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) بخود اختصاص داده اند. پروگرام های تأمین و توزیع مواد یک نورم پذیرفته شده تلقی میگردد. با در نظر داشت فقدان مدل های الترناتیف، چنین پنداشت موجب تعجب نیست.

اولویت های کاری و پروسه پالیسی

بعوض پروسه تطبیق پالیسی ها بر پایه های وسیع، پروگرام ها و پروژه ها (پروژه های جاری و یا آنهائیکه امیدواری آن وجود دارد) جانشین پالیسی های قابل تعمیل گردیده اند. ضرورت اعاده قانونیت حکومت

مقامات حکومتی نهایت ناراضی اند که جامعه بین المللی امداد با آنها کمک نمی نماید تا قانونیت خویشرا به شکل مشابه با مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) انکشاف دهند. اینکار معلول تناقض در سخن

۲۹ ایالات متحده امریکا در انکشاف کوپراتیف ها بشمول کلب ۴ - H معاونت نمودند و این امر بخشی از استراتژی تحولات اجتماعی پروژه وادی هلمند بود. (به اثر کولتر، بنام "سد بندی در افغانستان: عصری سازی در یک کشور حایل." مرجعه شود. مجله تاریخ امریکا. سپتمبر ۲۰۰۲. صفحات ۵۱۲ - ۵۳۷.)

۳۰ واحد تحقیق و ارزیابی در مورد افغانستان (AREU).

۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کاهش یابند، ولی در واقع در حال حاضر شمار اندک ادارات زراعتی وجود دارند تا تنقیص گردند. برعکس این ضرورت وجود دارد تا تشکیلات توسعه داده شود تا پاسخگوی چالش های یک دولت تسهیل کننده و تنظیم کننده باشند. میان تعریف تنقیص تشکیلات و ترکیب اصلی ادارات زراعتی تناقض وجود دارد. بطور مثال، حتی اگر دولت از تأمین خدمات مستقیم منصرف گردد، چالشی هائی که از نگاه بدوش گرفتن وظایف نظارت و تسهیل با آن مواجه است، عظیم اند. در حال حاضر صادرات کلیدی به کشور مغایر مقررات بهداشتی وارداتی بسیاری کشورها اند. کنترل سرحدی، تفتیش کود کیمیاوی و ادویه ضد حشرات و ضرورت نظارت و کنترل بر یک سیستم شفاف تمویل زراعت از جمله مقتضیات مبرم اند.

علاوه بر آن، شمار فزاینده اسناد پروژه ها و پروگرام ها ظاهراً تحت رهبری وزارت زراعت و مالداری وجود دارد که باید تسهیل و تنظیم گردند. میان اهداف جهت زمینه سازی برای سکتور خصوصی و ضرورت سرمایه گذاری وسیع در عرصه فواید عامه و ارتقای سطح قانونیت دستگاه حکومتی پیوند وجود ندارد. پلان ها جهت عقد قرار داد ها جهت تأمین خدمات عامه با یک آجنندای موازی جهت ارتقای ظرفیت های دولت مرتبط نگردیده اند تا دولت بتواند منحیت یک خریدار زیرک این خدمات که از پول مردم تمویل میگردند، عمل نماید.

حکومت تا کنون وارد این پروسه نگردیده است، یا بخاطریکه تا هنوز هم امیدوار است که تمام این کارها را خود انجام خواهد داد و یا هم بخاطریکه کمک دهندگان به دولت اعتماد کافی ندارند تا وجوه پولی را از طریق فعالیت های خویش به مصرف رسانند. در صورتیکه یک طرزالعمل واحد ایجاد نگردد، میزان افزایش یابنده پروگرام ها خطر ایجاد فاصله بیشتر میان ادارات زراعتی دولتی و مؤسسات امداد را با خود به همراه دارد. در حالیکه حرف از انسجام و عهده داری از امور زده می شود، در واقعیت در عین عرصه چندین ساختار متبادل وجود دارد و این امر موجب نا امیددی گردیده است. کمک دهندگان، مشاورین و کارکنان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) از وجود

مرکزی (و ضعف سکتور خصوصی رسمی) به مفهوم افزایش جریان کمک ها از طریق چینل های دولتی میباشند. این نگرانی ها افزایش می یابد که یک دستگاه دولتی کوچک هرچند در اصول مطلوب است، قادر به مقابله با جنگ سالاران و یا ایجاد بدیلی برای آنها نخواهد بود.^{۳۱} فشار آشکار کمک دهندگان که موجب ایجاد یک قانون اساسی دارای صلاحیت های قوی برای رئیس جمهور گردید، میتواند منحیت عدول از بینش پلان انکشاف ملی نیز تعبیر گردد. این باور یقیناً وجود دارد که باید کاری صورت گیرد تا افغانستان بپا ایستاده شود و اینکه پروسه انکشاف ظرفیت تحلیل و تطبیق پالیسی به اندازه کافی تسریع شده نمیتواند تا پالیسی منحیت یک پایه برای انسجام مصارف و تعیین اولویت ها در آن مورد استفاده قرار گیرد. یک عنصر مهم پروگرام های تأمین و توزیع مواد منحیت یک عامل زبان آور ولی لازمی مورد پذیرش قرار گرفته است.

یکی از نتایج اینکار اینست که رقابت در تأمین مواد و سرعت در مصرف آن (و دستیابی به "نتایج فوری") به شکلی از اشکال بر مسئله انسجام و استقامت دهی ستراتیژیک تفوق حاصل نموده است. نام بردن از "موفقیت پروژه" همانند سابق مروج است. یک ارزیابی سال ۲۰۰۲ حتی تا چنان حدی فراتر رفته است که میگوید: "بازسازی به شکل فعلی یعنی آنچه که مؤسسات انجام میدهند و به شیوه که آنها انجام میدهند، عملاً مشابهت به سمت گرائی و جنگ سالاری دارد، نسبت به اینکه یک پروگرام منسجم و مؤثر باشد."^{۳۲} از آنزمان تا کنون انسجام بهبود یافته است، ولی تا هنوز هم از لحاظ بسیاری جنبه ها شکل ابتدائی دارد. عده محدودی انکشاف زراعت در افغانستان را بمثابه یک مثال درخشنده "کمک دهی خوب" خواهند نامید.

تعریف ریفرم آنگونه که در پلان انکشاف ملی تبارز یافته است، از تلاش های سراسری در جهان ریشه میگیرد تا نقش و ابعاد ادارات دولتی کاهش یابد و یک دستگاه کوچک دولتی ایجاد گردد. نکته منتناقض در افغانستان اینست که هر چند این ضرورت وجود دارد تا دورنما ها و امیدواری های بازگشت به مودل های تشکیلاتی سالهای

۳۱ کامپینار، کی، سیلکن، تی و بین، ای، نکرش میان دوره ای داکار (DACAAR)، جون ۲۰۰۲.

۳۲ تلاش های زیادی صورت گرفت تا بر جامعه امداد فشار وارد گردد که در چوکات بودجه انکشاف ملی کار نمایند و انسجام اینکار از طریق یک سیستم کروب های مشورتی صورت کبیرد. بدون کم ارزش جلوه دادن این پروسه در سطح بزرگ، تا کنون میکانیزمی ایجاد نگردیده است که مسایل مربوط به نقش سکتور های دولتی و خصوصی و مسئولیت های وظیفوی را مورد بررسی قرار دهد.

با اوضاع جدید مورد انتقاد قرار میگیرند، ولی تا زمانیکه تأمین فند نامعلوم باشد، آنها دلیل خوبی دارند تا منافع خویشرا در جهت آمادگی به پروگرام های طویل المدت ستراتیژیک به مصرف نرسانند. علاوه بر آن، در حالاتیکه خطر قطع کمک ها طی هر چند ماهی متصور است، کار درستی نخواهد بود که توقعات دهاقین، مامورین انکشاف زراعت و عوامل خصوصی با ایجاد مناسبات پیگیر و دوامدار میان ارائه کنندگان خدمات زراعتی و مشتریان آنها بلند برده شود. مؤسسات فعال از سرمایه گذاری در پروژه های قرضه های کوچک، پروگرام های انکشاف زراعت و یا پروگرام های تحقیقاتی دیگر امتناع می نمایند، زیرا هر آن ممکن است که این پروژه ها پس از چند ماهی مسدود گردند.

یک خالی دیگر در پالیسی ها و پروگرام های زراعتی اینست که چگونه میتوان اهداف اجتماعی و اقتصادی را باهم تلفیق نمود. پلان انکشاف ملی نقش مدبرانه حکومت را در تحقق چنان اهداف اجتماعی می بیند که همگانی بوده و بر تساوی و عدالت تأکید نمایند، هرچند این امر مشهود نیست که چگونه نقش مدبرانه حکومت موجب تحقق این اهداف اجتماعی خواهد گردید. طرح ممکنه اینست که یک حکومت مرکزی مؤثر، نیرومند ولی واقعیت گرا پیش شرطی است برای تأمین تساوی و عدالت اجتماعی. این طرح در تطبیق ریفورم "شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی" معمول میباشد: "... عدالت اجتماعی ستاره ای است در آسمان شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی که با تعمیم بیشتر مفکوره شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی درخشش این ستاره نیز بیشتر میگردد." ۳۳ قابل تذکر است که پروسه که نظر به آن درایت ادارات زراعتی بر سطح رفاه خانوار های آسیب پذیر در دهات اثر میگذارد، معین و مشخص نیست. اصلاحات ممکن است پیش شرطی برای انکشاف به نفع فقراً و در جهت تساوی باشد، ولی آنرا تضمین نمی نماید. انتظار به طغیان مجدد منازعه بمثابه علامت عدم تحقق اهداف اجتماعی کار غیر مسئولانه خواهد بود.

نظریات کهنه در میان ادارات دولتی بصورت اشکار دلسرد گردیده اند، ولی در مورد اینکه چگونه میتوان این فاصله را از میان برداشت، نظریاتی وجود ندارند.

این کار آسان است تا مراجع عملی کننده پلان ها در حکومت، سازمان غذا و زراعت (FAO) و مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) مقصر دانسته شوند که آنها مجال داده اند تا روی پالیسی بحث صورت نگیرد، ولی تا کنون دورنمای حصول وجوه پولی محدود بوده و بناً زمینه های کمتری را برای انکشاف پالیسی مهیا می نماید تا بتوان از حرف وارد عمل گردید. شماری از مشاورین پالیسی در ادارات وزارتخانه ها پراکنده اند. تمویل پروژه های کوچک توزیع مواد در سطح ولایات و ولسوالی هاهنوز هم خیلی آسان تر از گسترش پروگرام های ایجاد ظرفیت ها میباشد. ساختار دفاتر سازمان غذا و زراعت (FAO) در ساحه یک پلانفورم نسبتاً استواری را برای تعهد وسیع تر اصولی جهت انجام اصلاحات منسجم در پالیسی مهیا می سازد. ولی با کاهش فند اضطراری برای این دفاتر کار برچیدن آنها آغاز گردیده است.

مطابق به نورم های موجود، فند صرف برای یک الی دو سال در دسترس قرار میگیرد، بناً گمان نمیرود که تفکر ستراتیژیک رونما گردد. گرچه فند اضطراری رو به کاهش میرود، ولی سطح مصارف انکشافی افزایش نیافته است. ۳۳ مؤسسات فعال بخاطری مورد انتقاد قرار میگیرند که کارشان صرف منحصر به ملحوظات بشری است، ولی آنانیکه می خواهند که یک آجدای ستراتیژیک را رویدست گیرند، مورد حمایت مراجع فند دهنده قرار نگرفته اند. سازمان های غیر حکومتی (NGOs) بین المللی و مؤسسات ملل متحد که ظرفیت های خویشرا برای طویل المدت انکشاف می دهند (تا ظرفیت های افغانی را نیز بنوبه خویش برای طویل المدت انکشاف دهند)، در یک حالت مرغ و تخم قرار گرفته اند. مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) وسازمان های ملل متحد بخاطر عدم توانمندی شان در جهت سازش

۳۳ يك استثنای عمده درین مورد پروگرام وسیع RAMP است که توسط اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا (USAID) تمویل گردیده است. هرچند بسیاری ناظرین ابراز نگرانی می نمایند که فشار های سیاسی داخلی ممکن است منتج به این گردد که این پروگرام "انکشافی" بطور نامناسب در جهت چاره جویی های عاجل سمت داده شود.

۳۴ هارو، جی، "شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی و عدالت اجتماعی: تدبیر و تساوی". ملک لفلین، کی، اوسپوم، ایس، بی و فیورلی، ای (مصححین)، "شیوه جدید مدیریت در ادارات دولتی: کرایشات جاری و دورنمای آینده. لندن و نیویارک: روتلیج. ۲۰۰۲؛ صفحه ۱۶۱.

۳. آنچه که در مورد معیشت ها و نیروی کار وضاحت دارد

بیشتر را به دهاقین در ساحاتی مهیاً می نمایند که می توانند مستقیماً از فرصت های موجوده استفاده نمایند.^{۳۵} این ساحات دارای دورنمای ضعیفی برای بسیاری از شیوه های میباشند که بمتابه طرق بیرون رفت از فقر مورد حمایت قرار گرفته اند. بعوض آن، ارزیابی های واقعینانه اکثرأ به ضرورت ارتقای شیوه های بقا و شیوه های انکشاف جامع در شرایط کاهش سرمایه گذاری های تجارتي و مصئونیت اشاره می نمایند.

مثال هائیکه در چوکات های شماره ۱ و ۲ آورده شده اند، تأثیرات متفاوت دسترسی به مارکیت، مارکیت های کار، شرایط طبیعی، مصئونیت و تاریخ را در نقاط مختلف کشور نشان میدهند. هزاره جات و کندز مثال های قیاس های نهائی در طیف گرایشات انکشاف دهات در افغانستان اند: اولی با پدیده های تجرید، ترک دیار و دورنمای ضعیف بازار یابی دست بگریبان است و دومی هر چند دارای تولیدات تجارتي جاری و امکانات برای آینده میباشند، ولی در درک واقعیت های مارکیت امروزی که فراتر از نمونه های تولیدی قبل از جنگ رفته اند و همچنان در درک پیامد های این امر برای تعیین اولویت ها در سرمایه گذاری و احیای مجدد با مشکلات مواجه میباشند.

علاوه بر درک وضع و شرایط احیای زراعت و انکشاف در افغانستان، مهم است تا قبل از ارزیابی کفایت پروگرام های زراعتی بر این مسئله بحث صورت گیرد که در مورد معیشت ها و کار افغانها چه اطلاعاتی موجود اند. این فصل نخست مناسبات میان زراعت و معیشت های موجوده مردم در دهات، هم در ساحات دارای پوتانسیل بلند و هم در ساحات دارای پوتانسیل پائین بررسی می نماید. در ساحات دارای پوتانسیل بلند که نمونه آن ولایت کندز میباشند، چالش های نگهداشت و بدست آوردن مجدد مارکیت ها مسایل مقدم میباشند. در ساحات دارای پوتانسیل پائین که نمونه آن هزاره جات میباشند، از زمان های سابق چنان گرایش وجود دارد که محصولات محدود و ناپایدار با انواع دیگر معیشت ها تلفیق گردند. نتیجه گیری ها در هر دو مورد نشان میدهند که دهقانی در مزارع کوچک با حد اقل امرار معاش، یکی از جنبه های بقای مردم در دهات میباشند. این بخش نیز بر گرایشات در مارکیت های تولیدات زراعتی و مارکیت های کار نظر می افگند. یکی از نکات مرکزی اینکار بررسی نقش زراعت در ساحاتی است که زراعت در آن یگانه عنصر و یا الزاماً عنصر عمده معیشت ها شمرده نمی شود. بالاخره، این فصل پدیده مهاجرت را منحصیث یک شیوه معیشت افغانها در دهات بررسی می نماید.

زراعت و معیشت ها در ساحات

دارای پوتانسیل بلند و پائین

نتیجه گیری های بین المللی بصورت فزاینده نشان میدهند که تأثیر پالیسی های متغیر، نهاد ها و مارکیت ها در ساحات زراعتی دارای پوتانسیل بلند و پائین از همدیگر تفاوت قاطع دارد. پروگرام ها و مارکیت یابی جهت رشد و انکشاف به نفع طبقه فقیر بصورت عموم منافع

۳۵ اشلی، سی و ماکسویل، ایس، "تجدید نظر بر انکشاف دهات"، نظری بر پالیسی انکشافی، ۲۰۰۱، (۴) ۱۱۱۹، صفحات ۳۹۵-۴۲۵.

چوکات ۱: مثال های ساحه دارای پوتانسیل پائین: هزاره جات

هزاره جات یک منطقه کوهستانی فقیر و منزوی در افغانستان مرکزی است که زمین قابل زراعت در آن کم است. محصولات زراعتی (عمدتاً گندم) اکثراً در وادی های باریک قابل آبیاری تولید میگردند و در محلاتیکه بارندگی کافی باشد، برخی محصولات زراعتی للمی در تپه های همجوار کشت میگردند. شرایط کوهستانی نقل و انتقال را مشکل می سازد و این امر زراعت هزاره جات را در دسترسی به مارکیت های شهری (کابل) در موقف ضعیفی قرار میدهد. کمبود مواد غذایی در هزاره جات یک مشکل دایمی است. معیشت ها شدیداً بر فروش مواشی و ترک دیار متکی میباشد تا این کمبود مواد غذایی جبران گردد. ترک دیار به قصد کابل و خارج از کشور یک پدیده عام در هزاره جات میباشد. سفر به ایران ترجیح داده می شود، زیرا بسیاری هزاره ها اهل تشیع هستند و در میان مردم هم مذهب خویشرا مصئون احساس می نمایند. در برخی ساحت ترک دیار شکل یک پدیده موسمی را دارد و اکثراً در ماه های زمستان به قصد کابل صورت میگیرد.^{۳۶}

انزوای هزاره جات به هیچ صورتی به این مفهوم نبوده است که دهاقین در خصوص استفاده از تکنالوژی جدید متردد باشند. در حال حاضر کشت کونار بصورت چشمگیری گسترش می یابد.^{۳۷} حتی به ساحاتی سرایت نموده است که قبلاً هیچگاهی در آن کشت نگردیده بود. کشت کچالو نیز به سرعت توسعه می یابد. امسال کچالو یک محصول عمده زراعتی است که در فصل زمستان بصورت نوبت وار با غله جات مورد استفاده قرار میگیرد. مردم آماده اند تا در ماشین آلات جدید نیز سرمایه گذاری نمایند که مثال آن یکعده دهاقینی میباشد که پس از مشاهده یک پروژه نمایشی خرمن کوبی ماشین های خرمن کوبی می خرند.^{۳۸}

دره های کوچک و منزوی هزاره جات از لحاظ مناسبات محلی اجتماعی و اقتصادی و تأثیرات جنگ و خشکسالی دارای تنوع فوق العاده میباشدند. در برخی ولسوالی ها مناسبات افراطی "قیودالی" وجود دارند.^{۳۹} در برخی دیگری از ولسوالی ها و دره ها دهاقین سهم گیر مالکیت مستقیم زمین شانرا دو باره بدست آورده اند، زیرا ملاکان قبلی کوچی منطقه را ترک گفته اند.^{۴۰} بسیاری قوماندانان خود را با آمدن صلح به ولایت عیار می سازند و از طریق اشغال زمین ها و دیگر استفاده جوئی ها از قدرت به ملاکان مبدل میگردند.^{۴۱} تحلیل های جاری تأثیر عظیم خشکسالی را بر زراعت در هزاره جات تأیید می نماید که تولیدات زراعتی را نابود ساخته است. بلاتکلیفی در خصوص زمین های للمی در هزاره جات و تحریف در مالکیت ها بر زمین مبین این امر است که برای طبقه فقیر مالداري یک شیوه مطمئن تر نسبت به دهقانی است. عده از کارکنان مؤسسات نیز به همین عقیده اند. ولی درین مورد یگانه کمک جاری تأمین خدمات و ترنری سببایدی شده میباشد. در سطح ملی، برخی خواهان تطبیق "پروگرام های تشدیدي جهت احیای مالداري پس از خشکسالی" گردیده اند.^{۴۲} ولی مازاد مواشی در سراسر افغانستان وجود ندارد و با موجودیت ساختار های خیلی ضعیف تفتیش و قرنطین، توريد مواشی از کشور های همجوار خیلی پر از خطر خواهد بود.^{۴۳}

هزاره جات طی سالها توجه تعداد قابل ملاحظه مؤسسات را بخود جلب نموده است، ولی اکثر آنها پروگرام های کوچکی داشته اند. یکی از ناظرین می نویسد که طی سالهای ۱۹۹۰ "حجم کمک ها در هیچ مرحله ای با هیچ قیاسی در تناسب با حجم اقتصاد منطقه قابل اهمیت نبوده است."^{۴۴} پروگرام های زراعتی عمده در جهت توزیع تخم بذری سمت یافته است. اکسفام و مؤسسه انکشافی آغا خان (AKDN) مصروف پروگرام های بزرگ و طویل المدت انکشافی در دهات میباشد که هر دو کوشش می نمایند تا توجه خویشرا از پروگرام های صرفاً محدود به توزیع تخم بذری به عرصه های دیگر معطوف سازند. هر دو مؤسسه در حصول توافق با شورائی که با آنها کار می نماید در قسمت چگونگی روابط کاری با مشکلات مواجه اند.^{۴۵} سازمان غذا و زراعت (FAO) به تطبیق یک پروگرام عظیم و وسیع که از جانب دیپارتمنت انکشاف بین المللی کشور انگلستان (DFID) تمویل میگردد، آغاز نموده است که هدف آن انکشاف معیشت ها در دهات در وهله نخست از طریق انکشاف شورا ها و دیگر ساختار ها میباشد تا آنها منحیث سازمان های دهقانان وارد عمل گردند.

۳۶ جانسون، سی، مطالعه معیار های ابتدائی در هزاره جات- گزارش مؤقت. کابل: دفتر ناظم ملل متحد، ۲۰۰۰.

۳۷ مؤسسه سولیداریتی. تقویت مصنویت غذایی جهت ثبات بخشی به اهالی محلی و تشویق مردم بیجاشده و مهاجرین به بازکشت، گزارش مرحله میان مدت از ۱ اپریل ۲۰۰۲ الی ۱ اپریل ۲۰۰۳. کابل: مؤسسه سولیداریتی، ۲۰۰۳. صفحه ۲۶.

۳۸ سولیداریتی، ۲۰۰۳.

۳۹ اصطلاح "قیودال" جهت توضیح اشکال مختلف مناسبات غیر عادلانه و استثماري در مطالعه سیستم های مالکیت بر زمین و ساختار های سیاسی در مناطق دهاتی بکار برده می شود.

۴۰ ولی، ایل، ای. مناسبات ارضی در ولایت بامیان: نتیجه کیری ها از مطالعه وضعیت ۱۵ قریه. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)، ۴۰۰۲.

۴۱ کنسورتیوم تحقیق و حمایت از حقوق بشر (HRRAC). اظهار حقایق. کابل (HRRAC): نومبر ۲۰۰۳.

۴۲ لاوتر، ایس، ستیتیس، ای، نجومی، ان و نجیمی، ایف. قحطی پول: عدم مصنویت غذایی در افغانستان ۱۹۹۹-۲۰۰۲. مید فورد، ماساچوست: مرکز بین المللی مطالعه قحطی فینستین، ۲۰۰۲.

۴۳ سولیداریتی، ۲۰۰۳.

۴۴ سیمپل، ایم، شیوه های تأمین معیشت های پایدار دهاتی برای ارتفاعات مرکزی افغانستان. اسلام آباد: سازمان انکشافی پتان، ۱۹۹۸.

۴۵ شورا اصطلاحی است که به یک مجمع متشکل از مجالس محلی اطلاق میگردد که هم اداره و رهبری سنتی را بعهده دارد و هم مرجع تماس جهت پیشبرد پروگرام های امدادی انکشاف دهات میباشد.

چوکات ۲: مثال ساحه دارای پوتانسيل بلند: کندز

ولایت کندز در سرحد با تاجکستان در غرب هندوکش موقعیت دارد. زمین های زراعتی اساساً متشکل از زمین های پست قابل آبیاری، سطوح هموار للمی و تپه های کم ارتفاع میباشد. باران های نسبتاً فراوان و حاصلخیزی بلند زمین ها موجب گردیده است تا حاصلات کشت للمی نسبت به کشت للمی در هزاره جات بیشتر مطمئن و مهم باشد. محصولات زراعتی عمده عبارت اند از گندم، برنج و پنبه. این ولایت مقدار معتدله مازاد غله جات را تولید می نماید. هرچند احصائیه های قابل اطمینان وجود ندارند، ولی چنان می نماید که گندم و برنج اساساً برای فروش تولید میگردند، نه برای خوراک خانوار ها. پنبه در سابق خیلی مهم بود و نیروی محرکه جهت سرمایه گذاری در عرصه تجارت و سیستم های آبیاری در منطقه بود. اقتصاد پنبه کندز از چندین نگاه یک مودل پالیسی های دولتی انکشاف زراعت در قرن گذشته بود.

الی سالهای ۱۹۳۰ که یک پروگرام بزرگ استرداد زمین عملی گردید، بسیاری ساحت کندز لجن زارهای مملو از پشه های ملاریا بود که شمار خیلی مردم بصورت متفرق در آن میزیستند.^{۴۶} با آغاز انکشافات، نفوس این ولایت به سرعت افزایش یافت و شرکت سپین زر نیروی محرکه اساسی اقتصاد پنبه در کندز و ولایات همجوار گردید. شرکت سپین زر در سال ۱۹۳۶ توسط گروهی از تجاران تأسیس گردید و در سال ۱۹۴۴ دولت آنرا خریداری نمود.^{۴۷} این شرکت تا هنوز هم بحیث یک تصدی دولتی موجود است. با آغاز جنگ، تولید پنبه و خدمات وابسته به آن بسرعت رو به سقوط نهادند. تمام شعبات شرکت سپین زر در خارج از شهر کندز تخریب گردیدند. تولید پنبه در زمان طالبان رو به رونق نهاد، ولی در سطح خیلی نازل. تلاش جهت احیای مجدد تولید دوباره آغاز گردید. بسیاری از ماشین آلات شرکت سپین زر تا هنوز هم فعال اند و یا اینکه به آسانی فعال شده می توانند،^{۴۸} ولی بعلت کهنه گی ماشین آلات و ضرورت به جنراتور ها جهت تأمین برق، مصارف فعالیت ماشین آلات را بلند برده است. توقع می رود که در آینده انرژی از تاجکستان وارد گردد.^{۴۹}

خاطره خدمات ارزنده شرکت سپین زر هنوز هم این نظریه ثابت و پابرجای دولت و امیدواری های دهاقین را استوار نگه میدارد که پلان های انکشافی متشکل از احیای سیستم تولیدی و خدمات گذشته باشد. اینکه گرایش بین المللی، خصوصاً سبسایدی ها چگونه بر توانمندی صنایع پنبه افغانستان اثر میگذرانند، آگاهی کمی وجود دارد. بطور مثال، سبسایدی های اتحادیه اروپایی به یونان از سال ۱۹۹۷ بدینسو بطور متوسط بیشتر از ۱۰۰ فیصد ارزش محصولات فارمی بوده است،^{۵۰} و ایالات متحده امریکا بیشتر از ۳ میلیارد دالر امریکائی و یا ۲۳۰ دالر فی هکتار را به دهاقین پنبه خویش سبسایدی میدهد. به پرابلم هائی که اقتصاد پنبه تاجکستان با آن مواجه است، توجه بعمل نیامده است، هم در عرصه هائیکه پروسه غیر میکانیزه شدن و تقلیل سرمایه با شدت در جریان است،^{۵۱} و هم در عرصه هائیکه تولیدات پنبه پیامد های تباہ کن محیط زیست را بار آورده است.^{۵۲} ازبکستان کشور همسایه دومین صادر کننده پنبه در جهان است و همچنان تاجکستان و پاکستان نیز مؤلدين بزرگ میباشند که رقبای قوی در مقابل تولیدات پنبه کندز خواهند بود. پیامد های این عوامل برای این مسئله که شرکت سپین زر توانمندی خویشرا بازیابد، شامل مبحث فعلی نمیباشد که به آینده اقتصاد پنبه در کندز اختصاص یافته است.

جای تعجب درینجاست که قسماً خطرات منطوقی به تولیدات فعلی گندم و برنج موجب بروز این امیدواری ها گردیده است که پنبه بار دیگر بحیث نیروی محرکه انکشاف تبارز نماید. قیمت های گندم و برنج به اثر واردات از کشورهای همسایه که دارای پالیسی های سبسایدی اند، نزول نموده است. امسال حتی حاصلات بخشی از گندم و برنج برداشته نشد و علت آن این بود که دهاقین به این نتیجه رسیدند که آنها نمیتوانند که بنا بر مصارف بلند اجوره کار و ترانسپورت با واردات این اقلام به جنوب که در آن قلت مواد غذایی محسوس است و همچنان به مارکیت های شهری رقابت نمایند. کارگران معمولاً از ولایت بدخشان می آمدند تا در حاصلبرداری گندم کار نمایند، ولی گسترش تولیدات کوکنار در آنجا موجب گردیده است تا علاقمندی به کار در حاصلبرداری گندم کمتر گردیده و مزد کار شدیداً افزایش یابد.^{۵۳}

۴۶ بارفیلد، تی، جی، "پیوند های ضعیف يك زنجير زنگ زده: ضعف های ساختاری در ادارات حکومتی افغانستان در ولایات." شهرانی، ایم، ان و کانفیلد، آر، ایل (مصححین)، انقلاب ها و اغتشاشات در افغانستان: دورنما های انترپولوجیک. بیرکلی، کالیفورنیا، مطبعه پوهنتون کالیفورنیا. ۱۹۸۴.

۴۷ گروه انکشاف آسیای مرکزی (CADG) شرکت سپین زر: تحلیل اقتصادی دستکاه پنبه پاکي سپین زر در ولایت کندز افغانستان. سنکاپور . ۲۰۰۲. CADG .

۴۸ ایپید. هرگاه این انرژی جهت احیای صنایع پنبه مورد استفاده قرار گیرد، این امر موجب بروز تشنج خواهد شد، زیرا این صنایع با صنایع پنبه تاجکستان که در وضع مشکلی قرار دارد، رقابت خواهد نمود. هرگاه شرکت سپین زر آنچهائیکه در نظر است کمکی را به مبلغ ۵.۲ میلیون دالر امریکائی بدست آورد، این امر یک مسئله خیلی حساس خواهد بود، زیرا این امر بمثابه سبسایدی غیر عادلانه تلقی خواهد کردید.

۵۰ تاون سیند، تی، سبسایدی ها فراتر از ۲۰۰۶. واشنگتن، دی، سی: کمیته بین المللی مشورتی پنبه. ۲۰۰۳.

۵۱ پومفریت، آر، "ترویج تکنالوژی توسط دولت: میکانیزه ساختن حاصلبرداری پنبه در آسیای میانه شوروی." مجله تاریخ اقتصاد. ۲۰۰۲. (۱) ۶۲: صفحات ۱۷۰ - ۱۸۸.

۵۲ سپور، ایم، "بحران بحیره ارال: تحولات و محیط در آسیای مرکزی شوروی." انکشاف و تغییرات. جولای ۱۹۹۸. (۳) ۲۹: صفحات ۴۰۹ - ۴۳۵.

۵۳ مالیتا، ایچ، زمستان های ناراضیاتی: تغییرات موسمی در اجوره ها و قیمت های مواد غذایی در افغانستان، ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳. نشریه مباحثات. کابل: سازمان غذا و زراعت (FAO) وزارت زراعت و مالداري. ۲۰۰۳.

ولی از سوی دیگر اینکار خود یک منبع حیاتی برای تأمین مبنای اشکال جدید معیشت ها است که در آن برخی از اعضای خانواده پول میفرستند و اعضای دیگر خانواده مزارع را نگهدارند.

برخی شیوه های معیشت مانند تولیدات مواد مخدره در واقع بر مبنای دستیابی به شبکه های خارجی و دوری مقامات دولتی استوار است که ازین نگاه این ساحات دور افتاده و فاقد امکانات حیاتی در مقایسه با ساحات دیگر از مزیت جالب توجه برخوردار اند. گرایش طبیعی در جهت بهره گیری ازین مزیت های مقایسوی بدین مفهوم است که بی امنیتی و منازعات مشخصات عام در ساحات دور افتاده دهاتی است، زیرا از یکطرف تجرید این مناطق و از جانب دیگر محرومیت اجتماعی، تجرید و ایجاد حس بیگانگی (خصوصاً میان جوانان) که ناشی از محرومیت آنها از تحرک و جمع وجوش در ساحات نزدیک به مراکز میباشد، زمینه را برای بی امنیتی و منازعات مساعد ساخته است. ۵۷ اکنون به این مسئله پی برده می شود که پیامد های منفی عدم سرمایه گذاری دولتی درین ساحات بصورت بالقوه بزرگتر از خساراتی است که از ناحیه تقویت معیشت های زراعتی بدوش گرفته می شوند که این معیشت ها الزاماً نتایج مثبت را در سرمایه گذاری های مستقیم در عرصه پروگرام های تحقیقاتی و توسعه ای بار نمی آورند. ۵۸

در حالیکه ضرورت تأمین نقش نیرومند برای دولت برای هزاره جات مسئله اساسی است، سوال مرکزی برای ساحات دارای پوتانسیل بلند مانند کندز اینست که چگونه میتوان از امکانات اقتصاد مارکیتی جهت جذب منافع حاصله از پروسه جهانشمول سازی استفاده نمود. امیدواری ها برای دستیابی مجدد به منافع تجارتي حاصله از تولیدات گندم در کندز درین تصور نهفته اند که مشکل جنگ موجب از دست دادن مارکیت ها گردید. در حقیقت، تجرید از قیمت های جهانی در واقع حتی ممکن است به قابلیت انتفاعی درین عرصه مثمر واقع گردیده باشد، زیرا این قیمت ها طوریکه در شکل ۱ نشان داده شده اند، طی سه دهه گذشته نوسانات شدید داشته اند.

هزاره جات بدون پوتانسیل نیست، ولی هرگاه به آن از نقطه نظر تجربه در دیگر مناطق منزوی و کوهستانی جهان از نگاه انکشاف (و یا عدم انکشاف) نظر انداخته شود، مشاهده میگردد که گمان نمیروید که زراعت نیروی محرکه کافی را بخاطر جلوگیری از روند طولیل المدت در جهت انزوای اقتصادی مهیا سازد. چنان تصور میگردد که زراعت یکی از شیوه های بقا برای مردمی است که شدیداً بر مهاجرت، دستمزد کار و تخصیص های دولتی متکی اند. در مورد اینکه با فقر مزمن در محلاتی مانند هزاره جات چگونه معامله صورت گیرد، توافق نظر بین المللی وجود ندارد. برخی کشور ها با اتخاذ پالیسی های بخور و نمیر دی فاکتو (چیزیکه عملاً وجود دارد) ازین مشکل چشم پوشی نموده اند. آنها تصمیم گرفته اند تا بودجه های روبه کاهش زراعتی خویشرا در ساحات دارای پوتانسیل بلند سرمایه گذاری نمایند که در آن منافع پولی از سرمایه گذاری بیشتر متصور بوده و امیدواری وجود دارد که پس از اینکه دولت صرفاً عهده دار نقش تسهیل کننده و تنظیم کننده گردد، سکتور خصوصی آماده خواهد بود تا عرضه خدمات را بعهده گیرد. ۵۴ با در نظر داشت دورنمای محدود اقتصادی در محلات دور افتاده، این امر الزاماً بمثابه موضعگیری خلاف منافع طبقه فقیر تلقی نگردیده است. چنان تصور میگردد که بهتر خواهد بود که فقراً آن محلات را ترک گویند.

برخلاف پیشبینی اقتصاد دانان مبنی بر کاهش شمار اهالی درین ساحات، اینکار صورت نپذیرفته است. بانک جهانی معتقد است که "یک چهارم نفوس در کشور های روبه انکشاف که در مجموع ۳.۱ میلیارد نفر میگردد در ساحات نامساعد زندگی می نمایند که در آن شرایط برای زراعت پر بار خیلی ناگوار میباشد. تناسب این نفوس نشان میدهد که تصور ما در مورد ابعاد و سرعت هجرت ازین مناطق ناقص بوده است." ۵۵ اندس بیبینگتون توضیح میدهد که علیرغم این پالیسی های دولت که ساحات منزوی را فاقد امکانات حیاتی میداند، مردم درین ساحات اقامت اختیار نموده و معیشت هائیرا که ترکیبی از مهاجرت، زراعت و کار دستمزد میباشد، با هم تلفیق نموده اند. ۵۶ هرچند مهاجرت به خارج، منابع بشری این ساحات را کاهش داده است،

۵۴ کریستوپولوس، آی. "مضایب طبیعی، حالات اضطراری پیچیده و خدمات عامه: تعدیل تعریف ها پس از وقوع طوفان." کولینس، پی. (مصحح). استفاده از اداره عامه در انکشاف: رهنمود ها بسوی آینده. چیچستر، جان ویلی و پسران. ۲۰۰۰.

۵۵ بانک جهانی، انکشاف پایدار در جهان دینامیک: ایجاد تحول در ساختار ها، رشد و کیفیت زندگی، گزارش انکشاف جهانی در سال ۲۰۰۳. واشنگتن، دی. سی. بانک جهانی. ۲۰۰۳. صفحه ۵۹.

۵۶ بیبینگتون، آی. "سرمایه ها و توانمندی ها: پلان جهت تحلیل امکانات و توانمندی های دهاقین، معیشت ها و فقر در دهات." انکشاف جهانی در سال ۱۹۹۹. (۱۲) ۲۷ : ۲۰۲۱ - ۲۰۴۴.

۵۷ بورد، کی. هولم، دی. مور، کی. و شپرد، آ. فقر مزمن در ساحات دوردست دهاتی. رساله کاری CPRC، شماره ۱۳. بیرمنگهم و مانچستر: مرکز تحقیقات در مورد فقر مزمن. ۲۰۰۲.

۵۸ فارینگتون، جی. کریستوپولوس، آی. کید، آ. بیکن، ایم. توسعه، فقر و آسیب پذیری: دورنمای اصلاحات در پالیسی - گزارش نهائی. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۱۵۵. لندن ۲۰۰۲. ODI :

شکل ۱: قیمت های جهانی غله جات طی سالهای ۱۹۶۰ - ۲۰۲۰

منبع: روزگرنانت (۲۰۰۱) که در اشلی و ماکسویل از آن (۲۰۰۱) اقتباس گردیده است.

بررسی میگردد که شیوه های مختلف چگونه بر مصئونیت غذایی اثر میگذارند. این نظر بصورت فزاینده مورد پذیرش قرار میگیرد که مشکل اکثر اقشار آسیب پذیر اهالی موجودیت مواد غذایی نه، بلکه پول جهت خرید آن میباشد. در سراسر جهان و خصوصاً در آسیا به مشاهده میرسد که "صرف نظر از این حقیقت که غذا در ساحات دهاتی تولید میگردد، در بسیاری کشور ها در ساحات شهری که در آن توانمندی جهت دسترسی به غذا بلند تر است، مصئونیت غذایی نیز بلند تر است." ۶۰ در گذشته در افغانستان، توجه به وسایل ضروری در تولیدات زراعتی و کمک های غذایی ممکن است ناشی از امکانات محدود مؤسسات امدادی بوده باشد. پراپلم ها نظر به موجودیت امکانات راه های حل تشخیص میگردیدند. برخی از پروگرام های فعلی (خصوصاً آنهائیکه دارای ماهیت اضطراری بوده و متمرکز بر توزیع تخم گندم و کمک های غذایی اند) نیز آگنده از تصورات قبلی در خصوص پیوند مستقیم تولید و مصرف میباشد، ولی این امر ممکن است بیشتر با شیوه فرصت طلبانه نوشتن پیشنهادات و فراهم نمودن قناعت خاطر مراجع کمک دهنده ارتباط داشته باشد، نه با این اعتقاد که افزایش تولید متضمن مصئونیت غذایی است.

بالاخره، هرچند توجه خوبی برای شیوه انکشاف دو جناحی برای مناطقی مانند کندز و هزاره جات موجود است، این بدان مفهوم نیست که این مناطق بحیث عرصه های جداگانه اقتصادی تلقی گردند. سرنوشت هزاره جات و کندز بصورت فزاینده باهم مرتبط خواهد بود. ظرفیت هزاره جات در نفع بردن از انکشاف زراعت مربوط به دستیابی به گندم و برنج ارزان کندز و فرصت های موسمی برای اشتغال در زحمت کشی خواهد بود. قابلیت رقابت کندز در عرصه زراعت ممکن است مربوط به دسترسی به ذخیره نیروی کار ارزان مانند هزاره جات باشد.

مصئونیت غذایی در شیوه های متغیر معیشت

نظریه مصئونیت غذایی در افغانستان از تصور قبلی مبنی بر اینکه بهترین شیوه مصئونیت غذایی افزایش مواد غذایی از طریق سرمایه گذاری در تولیدات غله جات و کمک های غذایی میباشد، ۵۹ تدریجاً به چنان یک تصور وسیع تر تغییر می نماید که در آن این مسئله

۵۹ سلون، پی. "استراتژی مصئونیت غذایی برای افغانستان (نسخه اصلاح شده)." اطلاعات مختصر از نظارت بر افغانستان (پروژه مشترک پروگرام انکشافی ملل متحد و بانک جهانی). اسلام آباد: پروگرام انکشافی ملل متحد/ بانک جهانی. ۵-۶ جون ۲۰۰۱؛ خان، ایم. ای. افغانستان: تقویت پروگرام های احیای مجدد زراعت و انکشاف، انکشاف زراعت و آموزش. اسلام آباد: سازمان غذا و زراعت. نومبر ۱۹۹۶.

۶۰ جیل، جی. جی، فارینگتون، جی، اندرسون، ای، لتریل، سی، کون وی، تی، ساکسینا، ان. سی. و سلاتر، آر. مصئونیت غذایی و هدف انکشافی هزاره (میلیوم) در مورد مصئونیت غذایی در آسیا. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۲۳۱. لندن ODI، دسامبر ۲۰۰۳.

این تصور که بهترین وجه افزایش مصئونیت غذایی، افزایش تولیدات

میباشد بر مبنای تعریف "دهاقین کم زمین" استوار میباشد که گویا افغانستان در قدم نخست یک کشور متشکل از دهاقین بی بضاعت میباشد، بدین مفهوم که کشور مردمی است که هر گاه تولید بیشتر داشته باشند، غذای بیشتری خواهند خورد. تعریف "بحران" معیشت های دهاقین بی بضاعت را به شکلی مجسم می سازد که درین اواخر اخلال شدید ولی مؤقت در آن وارد آمده باشد. در مورد این مسئله که معیشت ها در دهات افغانستان تا چه حد از تولید سطح حد اقل امرار معاش خانوار به تولیدات تجارتی و تنوع منابع درآمد بصورت مؤقت و یا دایمی تحول نموده است، میان محققین اختلاف نظر زیادی وجود دارد. تقریباً با یقین میتوان گفت که خشکسالی مؤقتاً موجب گردید که بنا بر عدم حاصلدهی کشت ها، مردم اتکای خیلی بیشتری بر پول نقد نمایند، نه بر تولیدات ناچیز زراعتی. اتکاً بر اقتصاد پول نقد همچنان ادامه یافت، زیرا دهاقین به سختی میتوانستند که پولی را که در زمان خشکسالی از تاجران قرض نموده بودند، بپردازند.^{۶۱} منابع کاری خانوار ها در جستجوی پول نقد بصورت فزاینده به تولید تریاک روی آوردند. اینکار ممکن است خانواده ها را بیشتر از پیش در بند اقتصاد پول نقد نگهدارد، زیرا بعلت وقف منابع کاری موجود به کشت کوکنار، آنها مجبورند تا غذای بیشتری بخرند.^{۶۲} این مسئله واضح نیست که کشت کوکنار چه مقدار نیروی کاری را از کشت محصولات دیگر بازداشته است، زیرا افزایش چشمگیر در تولید تریاک در سالهای اخیر با افزایش در تولید غله جات و حاصلات دیگر فروشی همراه بوده است.

ارتباط میان تولیدات زراعتی و مصرف مواد غذایی

با در نظر داشت شرایط بحران که طی دو سال گذشته مسلط بوده اند، اطلاعات در مورد اینکه آیا تغییرات بزرگ در تولیدات زراعتی در واقع تأثیر مستقیم بر مصرف داشته است یا خیر، با کمال تعجب اصلاً وجود ندارد. اطلاعات در مورد سطوح تغذی پراکنده است. اطلاعاتی که در دسترس است، هم در جریان خشکسالی و هم پس از آن همیشه سطح پائین سو تغذی شدید و همراه با آن سطح خیلی بلند کمبود ویتامین ها و مواد مغذی را نشان میدهد. این بدان مفهوم است که شیوه های بقاً بخش اعظم ضرورت های ابتدائی حیاتی را در شرایط خیلی سخت

با ساحات دارای پوتانسیل بلند، دارای سیر مستقیم نبود. در مورد اینکه آیا پروگرام های مصئونیت غذایی در افغانستان باید در صدد احیای مجدد سطح تولیدات قبل از خشکسالی و جنگ که صرفاً گذاران خانوار بود، باشند و یا خیر، توافق اندکی وجود دارد. هرچند برخی^{۶۳} اصرار می ورزند که خشکسالی یک واقعه خیلی استثنائی بود که شیوه های قبلی معیشت ها را که صرفاً متمرکز بر تأمین مایحتاج خانوار بود، مختل ساخت و به آن صدمات طویل المدت وارد نمود. عده دیگری^{۶۴} نقش بزرگی را مورد توجه قرار میدهند که شیوه های متنوع معیشت از قبیل مهاجرت و تولیدات تجارتی در طول تاریخ در اقتصاد افغانستان بازی نموده اند. بی زمینی گسترده نیز حاکی از آن است که بهبود در اوضاع بزودی بوقوع نخواهد پیوست. بسیاری اشخاص بی زمین و کم زمین مجبور گردیده اند تا در صدد یافتن کار مزدوری بوده و توقع تغییر بزرگ را در شرایط زندگی خویش نداشته باشند.^{۶۵} مردم با استفاده از فرصت های جدید، تنوع اقلیم و شرایط جنگ، از مدت های طولانی بدینسو همواره در پی جستجوی معیشت های الترناتیف بوده اند.

پروسه ارتقای تولید از سطح حد اقل امرار معاش خانوار در میان ساحات دارای پوتانسیل بلند و ساحات دارای پوتانسیل پائین بکلی از هم متفاوت است. بطور مثال، در کندز ارتقای سطح تولید از سطح حد اقل امرار معاش خانوار در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ صورت گرفت. در آنزمان سرمایه گذاری در عرصه اعمار آبگذر ها و سیستم آبیاری راه را برای تولید محصولات زراعتی تجارتی هموار ساخت. در ساحات دارای پوتانسیل پائین، این پروسه بتدریج صورت گرفت و فشار افزایش نفوس، خشکسالی ها و جنگ بر آن اثر گذاشت. این پروسه در مقایسه

۶۱ لاوتز.

۶۲ مانسفیلد، دی. برتری اقتصادی تولید غیر قانونی مواد مخدر: افسانه و واقعیت/ تولید تریاک در افغانستان. رساله برای کنفرانس بین المللی در مورد نقش انکشاف الترناتیف در مسئله کنترل مواد مخدره و همکاری در جهت انکشاف، فیلدایفیک/ میونخ، آلمان. جنوری ۲۰۰۲.

۶۳ لاوتز.

۶۴ پین و کودهند.

۶۵ ویلی.

ولی بر خلاف، قیمت نان بلند ترین قیمت در کشور میباشد. این تناقض میتواند وابسته به تقاضای بیشتر به نیروی کار و همچنان در نتیجه کار و بار تریاک، وابسته به افزایش توانایی مردم در خرید جنس غیر تجارتي مانند نان باشد.^{۶۷} ولی این امر نباید چنین توجیه گردد که کمی و یا زیادی نیروی کار بر تولید گندم به سطح حد اقل امرار معاش خانوار ها تأثیر زیادی دارد. فیتزبررت در توضیح حالت زراعت در بدخشان که طی سال ۲۰۰۳ در آن بزرگترین افزایش در تولید کوکنار صورت گرفته است، می نویسد:

“ قیمت های نازل غله نه انگیزه ای برای عدم کشت کوکنار و نه هم مستقیماً انگیزه ای برای کشت کوکنار است. دهاقین بدخشان دهاقین غله تجارتي نیستند و هیچگاه نبوده اند، و همچنان وضعیت زندگی و شرایط زراعت برای اینکار مساعد نیست. شمار اندکی از دهاقین در بدخشان در تولید گندم برای مصرف خانوادگی خویش خود کفا اند و اکثریت بزرگ آنها اقلماً محتاج به خرید بخشی از ضروریات سالانه خویش از بازار اند. معمولاً در چنین شرایط، قیمت های نازل گندم مناسب حال همه است.

“ علیرغم قیمت بلند تریاک، اکثر دهاقین حتی آنانیکه جداً مصروف کشت کوکنار اند، در بخشی از زمین های خویش گندم کشت می نمایند. تناسب گندم با کوکنار معمولاً نظر به اندازه زمین افزایش و یا کاهش می یابد (هر اندازه زمین کم باشد به همان اندازه تناسب کوکنار با گندم بلند میباشد)، ولی معمولاً در ۵۰ فیصد زمین قابل آبیاری گندم و یا محصولات دیگر کاشته می شود. حفظ بیشترین حد ممکن مصئونیت غذائی برای خانواده در شرایطی که آینده نامعلوم است، در تمام افغانستان یک غریزه خیلی قوی میباشد و این غریزه در میان دهاقین کوکنار کمتر از دیگران نیست.^{۶۸}”

باید تأکید نمود که بنا بر فقدان اطلاعات در مورد سو تغذی در دهات، در مورد ارتباط میان تولید غله و مصرف غذا در ساحات منزوی و

بر آورده ساخته است. صدمه های متواتر حالت آسیب پذیری دایمی را پدید می آورد. تخمین میگردد که بیشتر از ۵۰ فیصد اطفال تحت سن پنج سالگی به سو تغذیه مزمن مصاب اند.^{۶۶} سو تغذیه مزمن اساساً یک مشکل موسمی در اثنای تابستان است و ناشی از امراض اسهال میباشد، نه کمبود غذا. سطح پائین سو تغذیه شدید نشان دهنده تقسیم مساویانه غذا در خانوار میباشد. آهنگ بلند کمبود ویتامین ها و مواد مغذی (ویتامین C) نشاندهنده اهمیت ترکیب خوراک و شرایط تحفظ و نگهداری غذا پس از حاصلبرداری میباشد، نه مجموع تولید غله جات. تولید میوه جات و سبزیجات در ماه های زمستان خیلی اندک است.

علیرغم نظریه عام در مورد اینکه پروگرام های زراعتی (خصوصاً پروگرام های اضطراری) باید در مورد مصئونیت غذائی اقدام نمایند، این نتیجه گیری ها در مورد خوراک های معمول و تغذیه تأثیر اندکی بر اولویت های پروگرام ها داشته است. “گرسنگی” تا هنوز نیز بحیث وسیله توجیه جهت توزیع تخم گندم مورد استفاده قرار میگردد و اکثر پروگرام های تولید میوه و سبزیجات در قدم نخست جهت کسب درآمد تطبیق میگردد، نه مصرف. برخی مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) پروگرام های باغداری و دیگر پروگرام ها را تعقیب می نمایند که هدف آنها تأثیر گذاشتن بر مصرف خانوار ها میباشد. شمار پروژه های مربوط به امور پس از حاصلبرداری و پروسس غذا که بتوانند به مسئله کمبود مواد مغذی در موسم های مختلف رسیدگی نمایند، خیلی کم است.

اکثریت بزرگ پروگرام های جاری فعال، بر مسئله افزایش تولید غله جات از طریق توزیع تخم های اصلاح شده گندم است. تولید غله جات واقعاً بصورت بی نظیر بهبود یافته است، حتی اگر تأثیر پروگرام های تخم های اصلاح شده در این افزایش مشهود نیست. ولی گندم بیشتر و ارزان تر الزاماً به مفهوم نان ارزان نیست. سروی ها نشان میدهد که قیمت های آرد در فیض آباد نازل ترین قیمت ها میباشد،

۶۶ پروگرام غذایی جهان (WFP) عملیات متداوم امداد و بهبود- افغانستان ۲۰۰۳، پروژه ها برای منظوری هیئت اجرائیه، موضوع ۶ در آچندا، جلسه عادی هیئت اجرائیه، ۷-۵ فبروری ۲۰۰۳، روم، ۲۰۰۳.

۶۷ مالیئا، زمستان های ناراضیاتی.

۶۸ فیتزبررت که در اثر مالیئا از آن اقتباس گردیده است، زمستان های ناراضیاتی.

چوکات ۳: مباحثه بر کمک غذائی در افغانستان

در حال حاضر مباحثه گرم در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت کمک غذائی در جریان است. تولید غله جات به سطح بی سابقه رسیده است و قیمت گندم در برخی مناطق پائین آمده است.^{۶۹} عده از مؤسسات کمک غذائی را منحیت عامل تنزیل قیمت فروش برای مؤلدين مقصر دانسته و حتی ادعا می نمایند که این مسئله تا حد زیادی موجب افزایش تولید تریاک گردیده است، زیرا تولید مواد غذائی نفع بیار نمی آورد.^{۷۰} عده دیگری خاطر نشان می سازند که کمک غذائی در بلند ترین حد آن صرف ۱۲ فیصد تقاضا را بر آورده ساخته است.^{۷۱} قرار نظر این ناظرین، علت تنزیل قیمت باید افزایش در سطح تولید داخلی و توريد آرد از کشور های همسایه دانسته شود که برخی آرد ها برای بازار های داخلی در جمهوریت های قبلی آسیای میانه شوروی سبسایدی گردیده اند.^{۷۲} این تصور که در استفاده از زمین ها جهت کشت کونار و گندم، یکی جای دیگری را مستقیماً میگیرد یا خیر، درین حقیقت نشان داده شده است که همراه با افزایش در تولیدات کونار، ساحات کشت غله جات نیز افزایش یافته است، زیرا عده کمی از دهاقین بخش نسبتاً بزرگ زمین های خویشرا به کشت کونار وقف می نمایند.^{۷۳}

در برخی ساحات کشور تا هنوز نیز تأثیرات ناگوار خشکسالی و جنگ محسوس است که نتیجه آن کمبود غله جات و قیمت های بلند است. صرف نظر از ساحات شهری، قلت غله جات اساساً در جنوب وجود دارد (خصوصاً قندهار، ارزگان و زابل) که در آنجا خشکسالی ادامه داشته است و انتقال مازاد تولیدات از شمال پر مصرف تمام می شود و شرایط امنیتی محدودیت های فزاینده را درین قسمت ایجاد نموده است.^{۷۴} بخش قابل ملاحظه اهالی در سراسر کشور چه از طریق تولید مستقیم و چه از طریق دیگر شیوه های معیشت فاقد امکانات و وسایل تأمین آذوقه اند. از آنجائیکه مشکلات خریداری، آسیاب نمودن و انتقال غله جات علل اساسی قیمت های بلند و عدم دسترسی به غذا در ساحات قحطی زده است، برخی سوال می نمایند که آیا توريد مواد غذائی پاسخ مناسبی میباشد و یا خیر، و یا اینکه بهتر است بعوض آن به مسایل تأمین امکانات و وسایل و استفاده از آن مورد رسیدگی قرار گیرد.

پاسخ پروگرام غذائی جهان (WFP) به سوال اخیر منفی خواهد بود. علیرغم موقف خویش منحیت نیرومند ترین سازمان در افغانستان از لحاظ ظرفیت های لوژستیکی در ساحه، این سازمان توانائی آنرا ندارد تا مصارف هنگفت معاملات خریداری و انتقال مقادیر عظیم غله جات را در محلات بعهده گیرد، البته با در نظر داشت این امر که تاجران بزرگ غله در کشور وجود ندارند. علاوه بر آن، یکی از کارکنان پروگرام غذائی جهان (WFP) اظهار نمود که "سکتور خصوصی (در افغانستان) تجربه قرار داد های تهیه و انتقال مواد را ندارند." هرگاه قرار باشد که خریداری مواد غذائی از مارکیت صورت گیرد، خریداران محلی ترجیح خواهند داد تا غله را از کشور های همسایه خریداری نمایند، زیرا قیمت ها در آن نازلتر و کیفیت بلند تر بوده و رو بنا های ساختاری و فزیکي آنها نیرومند تر است. اکثر آچنین استدلال خواهند نمود که در اصول، شیوه های بهتر از کمک غذائی وجود دارند تا عدم مصئونیت غذائی در افغانستان مورد رسیدگی قرار گیرد، ولی در قصیرالمدت، پس از چنان حاصلبرداری بی سابقه، در قسمت چگونگی رسیدگی به مسئله توزیع مواد غذائی کدام راه حل فوری وجود ندارد. در طویل المدت، برخی کمک دهندگان و خصوصاً پروگرام احیای مارکیت های زراعتی در افغانستان (RAMP) که از جانب اداره ایالات متحده امریکا برای انکشاف بین المللی (USAID) تمویل میگردد در نظر دارند تا در عرصه های پروسس و بازار یابی سرمایه گذاری های هنگفت نمایند. هرگاه اینکار موفقانه صورت گیرد، توقع میروود که در آینده مودل های مناسب تری میسر گردند.

مارکیت های زراعت و نیروی کار: نگاه فراتر

از کشاورز خرده مالک

بهبود در حمایت از مصئونیت غذائی متکی بر آنست که یقین حاصل گردد که پروگرام ها به این نکته ملتفت باشند که در معیشت های

دوردست مانند هزاره جات، صرف میتوان حدس زد. سطح بلند مهاجرت نشان میدهد که در صورتیکه کشت حاصل ندهد، مردم در خانه هایشان باقی نمیمانند، ولی در مورد اینکه در چنین ساحات مردم جهت تأمین غذا چگونه شیوه های مختلف معیشت را باهم تلفیق میدهند، اطلاعات حاصله از مشاهدات واضحاً برای نتیجه گیری های مؤثّق کافی نیستند.

۶۹ فور، آر. مساعدت به انکشاف پالیسی کمک غذائی برای افغانستان: توازن کدوم نظر به منطقه و ولایت. جولای ۲۰۰۳. کابل: سازمان غذا و زراعت. (FAO).

۷۰ کریمتین اید. "ضمیت با غله جات". در آدرس www.reliefweb.int قابل دسترس است. ۱۵ ستمبر ۲۰۰۳، رادیوی اروپای آزاد (RFE) رادیوی آزادی (RL) "دهاقین افغان میگویند که سبسایدی کدوم به آنها صدمه میرساند". گزارش ۲ / ۳۱ رادیوی اروپای آزاد و رادیوی آزادی در مورد افغانستان. ۲۸ اکت ۲۰۰۳.

۷۱ مالیتا، زمستان های ناراضیاتی.

۷۲ مولا، دی. کمک غذائی، قیمت مواد غذائی و کشت کونار در افغانستان: آیا ارتباطی میان این دو وجود دارد؟ کابل: وزارت احیا و انکشاف دهات/ پروگرام غذائی جهان. (WFP).

۷۳ مانسفیلد، ۲۰۰۱.

۷۴ FEWS Net بولتن ماهانه مصئونیت غذائی در افغانستان، اکت ۲۰۰۳. کابل: وزارت احیا و انکشاف دهات. ۲۰۰۳؛ صفحه ۲.

دهاتی چگونه مارکیت های نیروی کار و اقتصاد زراعتی باهم متقابلاً عمل مینمایند. برخی تلاش ها برای جمع آوری اطلاعات، مانند ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی، بیشتر ازین توجه خویشرا بر تولید غله جات متمرکز نمی نمایند تا بتوانند که اهمیت نیروی کار را در معیشت ها بهتر منعکس سازند. پروژه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) در مورد نظارت بر معیشت ها نیز اساس استواری جهت درک وابستگی (و یا عدم وابستگی) معیشت ها بر تولیدات دهاقین کم زمین در افغانستان میباشد.

صرف نظر از ارتباط با اقتصاد شهری، تریاک عامل اساسی در مارکیت های نیروی کار در دهات میباشد. تریاک بمثابة محصول عمده تجارتي و زراعتی در افغانستان، صرف در یک فیصد زمین زراعتی و یا ساحه کمتر از سه فیصد زمین قابل آبیاری زرع و پرورش داده می شود.^{۷۵} این محصول در هر واحد زمین بیشتر از هشت برابر کشت گندم به نیروی کار نیاز دارد.^{۷۶} این بدان مفهوم است که ارتباط میان زراعت و معیشت ها مسئله چگونگی استفاده از زمین نیست، بلکه این مسئله است که مردم در دهات، اعم از زمیندار و یا بی زمین، چگونه از نیروی کار خویش استفاده می نمایند. با آنهم تا هنوز گرایشی وجود دارد تا



تصویر آلف ای او

مزرعه بحیث واحد تحلیل اقتصاد دهات تلقی گردد، و این امر موجب میگردد تا به این مسئله توجه صورت نگیرد که خانوار های دهاتی بغیر از مزرعه، دیگر چه مناسبتی با اقتصاد زراعتی دارند، حتی اگر اصلاً بتوان که این باشندگان دهات را دهاقین نامید.^{۷۷}

در سطح بین المللی، در طرز تفکر در خصوص انکشاف دهات تغییر رونما گردیده است و این طرز تفکر از آنچه که "سفسطه کشاورز خرده مالک" نامیده می شد به این اعتقاد گذار نموده است که در واقع تمام

اهمیت اند، اخذ موقع می نماید، بدون اینکه به کشت و زرع منحیث یگانه راه حل فقر در دهات ترجیح داده شود.^{۷۹} ممکن است زراعت تا هنوز هم نیروی محرکه انکشاف باشد، ولی طبقه فقیر اساساً به نحوه های ذیل از آن نفع خواهند برد (اگر اصلاً از آن نفع برند): اولاً از طریق وظایف غیر زراعتی بشکل سرمایه گذاری مجدد منافع حاصله از زراعت در کارو بار های دیگر، ثانیاً از طریق کار در مزارع بزرگ، و ثالثاً از طریق دسترسی به مواد غذائی ارزان. اشخاص خوشبین متوقع

۷۵ دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدره و جرایم (UNODC) و حکومت افغانستان. سروی تریاک در سال ۲۰۰۳. کابل (UNODC): و حکومت افغانستان. ۲۰۰۳. ۷۶ مانسفیلد، ۲۰۰۱.

۷۷ یکی از مثال های آن سروی تریاک در سال ۲۰۰۳ از جانب دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدره و جرایم (UNODC) و حکومت افغانستان میباشد، که اهالی ایرا که تولید تریاک در معیشت هایشان "نقش مستقیم" دارد، صرف به شمار خانوار هائی نسبت میدهند که در زمین های خویش تریاک کشت مینمایند. این امر تأثیر اقتصاد تریاک را بر کارکران مهاجر و تأثیرات غیر مستقیم آنرا بر دستمزد ها و قیمت ها نادیده میکبرد. همچنان بین، ۲۰۰۲ دیده شود.

۷۸ اشلی و ماکسویل.

۷۹ ایس، ایف و بیگس، ایس. "موضوعات رو به تکامل در انکشاف دهات ۱۹۵۰ - ۲۰۰۰". نظری بر پالیسی انکشافی. ۲۰۰۱. (۴) ۱۹: صفحات ۴۳۷-۴۴۸.

که جنگ با ایجاد هرج و مرج در بازارها، راندن مردم از مارکیت های نیروی کار و رو آوردن آنان به تولید سطح حد اقل امرار معاش، گرایشات "تورمال" انکشاف را به عقب بازمیگرداند. در افغانستان چنین علایمی به مشاهده نمیروند. مارکیت های نیروی کار در شهرها و در تولید کوکنار بطور فزاینده حایز اهمیت است. شاید جنگ موجب گردیده باشد که اتکای بیشتر بر کار دستمزد صورت گیرد، زیرا دهاقین تلاش می نمایند تا پول نقد بدست آورده و قروض خویشرا بپردازند و به زمین هائیکه به گرو گذاشته بودند، دوباره دسترسی پیدا نمایند. تخمین گردیده است که ۶۵ فیصد خانواده های دهقان شدیداً بر عواید غیر زراعتی متکی اند.^{۸۳}

پس از سقوط طالبان، بسیاری ناظرین گمان می نمودند که با بازگشت شمار عظیم مهاجرین و آواره گان، مارکیت های کار دچار ازدحام و بی سر و سامانی خواهد گردید. این نگرانی ها غیر مؤجه از آب درآمدند. رونق در تولید تریاک و کار های ساختمانی و همچنان احیای محصولات زراعتی فروشی و توسعه سریع امور احیاً مجدد روبنا ها، فرصت های اشتغال را مهیأ ساختند. در ساحات منزوی در مرحله اول برای کارگران مهاجر فرصت های کار ایجاد گردید، در حالیکه در سایر ساحات دستمزد ها بسرعت صعود نمودند.

اقتصاد تریاک یگانه عامل تقاضای شدید برای نیروی کار زراعتی نیست. در جریان جنگ بعثت ویرانی ها، کمبود سرمایه و خطر غارت سرمایه، میکانیزه ساختن زراعت با رکود مواجه گردید. قرار اظهارات مردم، سرمایه گذاری در تراکتور ها اکنون بسرعت افزایش می یابد. اینکار ممکن است قسماً بعثت بهبود امنیت باشد. کمبود نیروی کار و فقدان گاو های قلبه ای عوامل مهم دیگر اند.

زمانیکه خشکسالی به اوج خود رسیده بود، سکتور خدمات شهری عواید حیاتی را برای خشکسالی زده گان تأمین می نمود.^{۸۴} سروی هائیکه در مدت کوتاهی پس از سقوط طالبان انجام یافتند، نشان

اند که مشاغل غیر زراعتی در دهات تأثیرات گسترده در قبال داشته که از طریق افزایش تقاضا ها و عواید طبقه فقیر رونما خواهند گردید.^{۸۰} عده دیگری اطمینان کمتری دارند و خاطر نشان می نمایند که این بدیل ها در مقابل کشت و کار کوشش های مایوسانه جهت بقا بوده و به ندرت زمینه های بیرون رفت از فقر را میسر می سازد.^{۸۱} تولید در سطح حد اقل امرار معاش یک شیوه مهم بقا خواهد بود، خصوصاً در ساحات منزوی ایکه بسوی بازار های بین المللی راه نیافته اند، ولی این شکل تولید یک بخش نسبی و رو به کاهش دارائی و سرمایه گذاری خانوار ها را تشکیل میدهد.

علیرغم چنین مناسبات در عرصه انکشاف، تا کنون نیز بسیاری از پالیسی ها و پروگرام های احیای زراعت مملو از سفسطه کشاورز خرده مالک میباشد.^{۸۲} پروگرام های مصئونیت غذائی بصورت اخص برای اتکای تلویحی (بصورت غیر آشکار) بر این سفسطه مستعد اند، زیرا چنین تصور (اکثراً غلط) وجود دارد که تولید غله جات بر سطح مصرف در میان مردم آسیب پذیر تأثیر مستقیم دارد. بگونه مثال، نحو معمول توزیع تخم بذری و آلات و وسایل بصورت تلویحی تصور می نماید که احیای زراعت در میان اهالی مصیبت زده در دهات مترادف با کمک به دهاقین کوچک و مستقل در جهت احیای مجدد مزارع خانوادگی شان میباشد. در حالیکه این کشاورزان خرده مالک در اکثر حالات یقیناً یک قشر عمده جهت دریافت کمک میباشد، آنها یگانه و یا الزماً آسیب پذیر ترین قشر مردم در دهات نمی باشند که متکی بر تولیدات زراعتی اند. اتخاذ یک روش مبتنی بر معیشت ها در قسمت احیای زراعت مستلزم آنست که بر سفسطه کشاورز خرده مالک تفوق حاصل گردد و به این مسئله مغلق توجه صورت گیرد که چگونه مردم در دهات برای حفظ بقای خویش سرگردان اند.

کار غیر زراعتی در خارج از مزرعه

یکی از تعریف هائیکه سفسطه کشاورز خرده مالک در شرایط جنگ طولانی و یا اوضاع پس از جنگ بر آن استوار است، این تصور میباشد

۸۰ بانک جهانی، انکشاف مستمر.

۸۱ برایسیون، دی. "دهات افریقا در دو راهی: معیشت ها و پالیسی ها." دورنما های منابع طبیعی ۵۲. لندن: انستیتوت انکشاف خارجی. ۲۰۰۰.

۸۲ کریستوپولوس، آی.، لاکلی، سی. و سلی میکر، تی. نقش های متغیر احیای زراعت: امداد، انکشاف و حمایت، و ارتباط آن با معیشت های دهاتی. رساله کاری مشترک برای انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، گروپ پالیسی بشری، و انستیتوت بین المللی تحقیقات در مورد محصولات زراعتی در مناطق نیمه خشک حاره ای (ICRISAT). لندن. ۲۰۰۲. ODI:

۸۳ بانک انکشاف آسیائی، پلان انکشاف میانه مدت منابع طبیعی و سکتور زراعت، مرحله دوم رسالت کمک دهندگان متعدد. اپریل ۲۰۰۲.

قابل دسترس اند، مانند ساحات حوالی هرات، مارکیت های کار از مدت ها بدینسو نیرومند گزارش داده شده اند^{۸۹} و مقامات محلی نگرانی داشته اند که مبادا کمپ های مردم بیجا شده در داخل بحیث محلات (سببایدی شده) جهت جذب کارگران ناقل موسمی مورد استفاده قرار گیرند و بدین ترتیب با تأمین غذا و سرپناه مجانی مودل های نورمال نقل مکان و مهاجرت را تحریف نمایند.^{۹۰} بسیاری گزارش ها حاکی از آنست که در ساحات زراعتی اطراف کابل، خصوصاً در زمان حاصلبرداری به نیروی کار تقاضا وجود دارد، ولی میسر نمی گردد. چنان تصور وجود دارد که تقاضا برای نیروی کار نیمه ماهر جهت حاصلبرداری تریاک، بزرگترین عامل در مارکیت های نیروی کار در دهات میباشد و گزارش داده می شود که دستمزد های کارگران ماهر حتی روزانه به ۱۵ دالر امریکائی میرسد. زارعین گندم در بدخشان شکایت نموده اند که بعلت از دیاد تولید کوکنار، قیمت نیروی کار افزایش یافته است.^{۹۱} زارعین در کندز نیز نگرانی های مشابه را ابراز می نمایند. قرار اظهارات مردم، یافتن دهاقین سهم گیر در ساحات عمده کشت کوکنار مشکل تر میگردد، زیرا نفع حاصله از مزدور کاری روزانه بیشتر قابل اطمینان است. ساحات خیلی دور افتاده که در آن

میدهند که مارکیت های کار و توانائی خرید مردم در حالت تضعیف بودند.^{۸۵} واضح است که درین اواخر اوضاع مثبتی بمیان آمده است، تقاضا زیاد گردیده است و در بسیاری ساحات شهری و نیمه شهری دستمزد ها بلند رفته است (شکل ۲).^{۸۶} در گذشته مردم ترجیح میدادند تا به کشور های همسایه مهاجرت نمایند، زیرا دستمزد ها در آن بلند تر است، ولی اکنون علایمی وجود دارد که شهر های افغانستان به انتخاب جذاب تری برای مردم مبدل میگرددند، زیرا مصارف ترانسپورت در آن کم بوده و مردم میتوانند هر آن به خانه هایشان باز گردند.^{۸۷} تصور عام اینست که کار در شهر ها یک شیوه نامطمئن و پر از مخاطره جهت بقا است، ولی میتوان با این طرز تفکر موافق نبود. تناسب میان اندازه دستمزد ها و قیمت گندم در کابل طی سالها خیلی ثابت بوده است،^{۸۸} و این امر نشان میدهد که در مقایسه با دیگر شیوه های بقا، که خیلی نامطمئن اند، دستمزد کار شهری یک معیشت نسبتاً مطمئن است، که در شکل ۲ نشان داده شده است. تفاوت های فراوان جغرافیائی و موسمی در ارتباط متقابل میان زراعت و مارکیت های کار در دهات موجود است. در ساحات منزوی با زمین های خیلی اندک، مارکیت کار نسبتاً کوچک اند. در ساحاتی که بیشتر

شکل ۲:

منبع: مالیته، زمستان های نارضایتی، ۲۰۰۳

۸۴ پین و کودهند.

۸۵ لاوتز.

۸۶ مالیته، ایچ. زنان در کار: جنسیت، معاشات و اشتغال در دهات افغانستان ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳. رساله میاحات. کابل: سازمان غذا و زراعت (FAO) و وزارت زراعت و مالداري ۲۰۰۳؛ مالیته، ایچ. دستمزد ها در جنگ و صلح: قیمت های مواد غذائی و دستمزد کارگران غیر ماهر در افغانستان ۱۹۹۶ - ۲۰۰۲. کابل: پروگرام نظارت بر مسئولیت غذائی در افغانستان. ۲۰۰۲.

۸۷ کیر- ویلسون، ای. و پین، ای. سه قریه در الینکار، لغمان: درک معیشت های دهاتی. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU). نومبر ۲۰۰۳.

۸۸ مالیته، ۲۰۰۲.

۸۹ الین، ایم. مطالعه بررسی جنبه های اجتماعی و اقتصادی تولیدات زراعتی. کابل: کمیته دنامارک برای کمک به مهاجرین افغان. ۹۹۹۱. (DACCAR).

۹۰ کریستوپولوس، آی. گزارش ارزیابی: آزمایش دوم پروژه محاسبه بشری در افغانستان، می - جولای ۲۰۰۲. ۲۰۰۲.

۹۱ مولا.

انکشاف میتود های تولیدی که مستلزم نیروی کار باشد، تأکید می نماید، ولی واضح نیست که کدام میتود های محصولات زراعتی و تولیدی میتوانند که موجب ایجاد فرصت های کاری بیشتر میگردد، خصوصاً با در نظر داشت افزایش فعلی معاشات. هرگاه قرار باشد که با تجارتي ساختن زراعت، فرصت های کاری نیز انکشاف داده شوند، لازم خواهد بود تا از یک شیوه آشکار پیروی گردد، که در آن چنان انگیزه هائی در نظر گرفته شوند که سرمایه گذاری مجدد منافع حاصله از تریاک را (که در حال حاضر بزرگترین منبع ثروت در دهات افغانستان است) در عرصه های دیگر تولیدات زراعتی، پروسس آنها و سایر مشاغل تشویق نماید.

توسعه تولیدات زراعتی موجب گسترش تجارت خواهد گردید که بذات خود یک منبع بزرگ اشتغال است. خصوصاً در بسیاری ساحات سرحدی حمالی و سوداگری محقر که هردو وابسته با قاچاق اند، از مدت های طولانی بدینسو فرصت های مهم ولی پر از مخاطره کار را فراهم نموده اند.^{۹۵} خصوصاً کوچی ها بصورت عنعنوی در تجارت و نقل و انتقال سرحدی،^{۹۶} و همچنان سوداگری داخلی دخیل بوده اند.^{۹۷} چوپانی و پرورش مواشی در چراه گاه ها بصورت سنتی با اشکال دیگر بهره برداری از شیوه زندگی سیار تلفیق گردیده است که پرورش و تربیه مواشی چراگرد صرف در آن یک عنصر معیشت زندگی کوچی میباشد. اهمیت نسبی چوپانی و تربیه مواشی در چراه گاه ها نظر به امکانات و بحران ها خیلی از هم متفاوت اند.^{۹۸}

مهاجرت

مطالعه ساختار های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر خلاً میان ساحات دهاتی و شهری، خصوصاً میان ساحات دهاتی و کابل تأکید می نماید. این "پرده تیره" در واقع همیشه مبنای تمام منازعات را طی قرن گذشته تشکیل داده است. با پذیرش اعتبار این تیوری ها جهت نشان دادن تشنجات در جامعه افغانی، تحلیل معیشت ها توجه را بسوی مناسباتی

تقاضای اندکی برای کار وجود دارد، متحمل چنین فشار نگریده اند. بطور مثال، مؤسساتی که در هزاره جات جهت احیای روبنا با کارگران قرار داد می نمایند، گزارش میدهند که بنا بر تفاوت در دستمزد ها، رقابت هائی در میان مؤسسات وجود دارد، ولی کدام فشاری بر دستمزد ها از ناحیه استخدام متبادل نیروی کار در زراعت وجود ندارد.

جنسیت نیز یک عامل مرکزی در مارکیت های کار میباشد، ولی نه به آن شکلی که معمولاً تصور می گردد. تحقیقات و مشاهدات نشان میدهد که دسترسی زنان به مصروفیت هائیکه عاید دارند، نظر به گروپ قومی، وضع اقتصادی و سایر مشخصات تفاوت های زیادی وجود دارد.^{۹۲} زنان بخش اعظم عواید خویشرا از کار های غیر زراعتی بدست می آورند، ولی زنان خیلی فقیر تا حد زیادی بر کار در زراعت متکی اند.^{۹۳} واضح نیست که آیا زنان از کار تولیدی شخصی زیاد بهره خواهند برد و یا اینکه از سطح بلند تر اشتغال با معاش در کار های پروسس حاصلات نفع بیشتر خواهند برد. برخی زنان، خصوصاً بیوه ها، که زمین دارند ولی امکانات کار های ثقیل کشت را ندارند، زمین های خویشرا به دهاقین سهم گیر میدهند تا آنها کشت نمایند و خود در پی دریافت کار های متبادل میباشدند. زنان اکثراً مصروف کار های پروسس میباشدند، مانند پاک کاری و تهیه تخم بذری و میوه جات. افزایش سرمایه گذاری در تشبثات تخم بذری و پروسس مواد غذائی (اگر مؤفّقانه باشد) بر تقاضا برای این کار ها تأثیر زیاد وارد خواهد نمود. واضح نیست که آیا اینکار فرصت های کار را کاهش خواهد داد و یا اینکه به زنان فرصت بیشتری خواهد داد تا در فعالیت های سودمند تر و یا بگفته دیگر با ارزش تر سهم گیرند. نظارت بر این مسئله در آینده مهم خواهد بود.

ارزیابی امکانات حمایت غیر مستقیم از معیشت های طبقه فقیر از طریق مساعدت به کشاورزان متمول تر مستلزم توجه در آینده است، تا از طریق سرمایه گذاری آنها در تولید محصولات زراعتی تجارتي فرصت های کار مهیا گردند.^{۹۴} وزارت زراعت و مالداري بر ضرورت

۹۲ کیر- ویلسون و پین.

۹۳ مالیتا، زنان در کار.

۹۴ کیر- ویلسون و پین.

۹۵ کریوتزمن.

۹۶ پین و کوههند.

۹۷ دی ویچر، ایف. مطالعه آسیب پذیری چوپانی و پرورش مواشی در چراه گاه ها. کابل: واحد تحلیل و نقشه برداری آسیب پذیری مربوط پروگرام غذایی جهان . ۲۰۰۲. (AFSU/VAM).

۹۸ ایبید.



تصویر/ UNHCR

نظر مغایر طرز تفکر و اهداف اعلام شده بسیاری مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) میباشد که "مردم را کمک می نمایند تا در قریه های خویش بمانند." بغیر از چوپانی و پرورش مواشی در چراه گاه ها، مهاجرت و نقل مکان از نظر بسیاری مؤسسات و برخی محققین^{۹۹} بمثابة نشانه معیشت های ناموفق تلقی میگردد، نه یک راه حل به وضعیت محقر امرار معاش و اقتصاد ضعیف مارکیتی. این تصور که مهاجرت و نقل مکان حتماً و ماهیتاً نامطلوب است، مبنای پروگرام های ثابت و جامد را تشکیل میدهد که کشت و زرع را یک نورم معیشت میدانند و بدین ترتیب اولویت های پروگرام ها را تحریف می نمایند.^{۱۰۰}

واضح نیست که افغانها در دهات تصمیم خویشرا مبنی بر مهاجرت چگونه ارزیابی می نمایند. برخی ناظرین تصمیم مهاجرت را معمولاً منحيث یک عمل ناشی از مجبوریت کامل تلقی می نمایند که باید

که این دو گانگی را از میان می برد، جلب می نماید. انتخاب اکثریت مهاجرین عودت کننده جهت اسکان در ساحات شهری نشاندهنده پاسخ به چندین عامل است:

- کشمکش های شهری شدن؛
- اتلاف دارائی که معیشت های دهاتی را ناممکن می سازد؛
- رجحان ادامه شیوه زندگی شهری توسط مهاجرین عودت کننده؛
- کمبود اشتغال غیر زرعی در ساحات منزوی که امکانات انباشت تدریجی سرمایه را صرفاً از طریق معیشت های دهاتی منتفی می نماید.

درک عمومی از مارکیت های کار نشان میدهد که از نگاه تأمین معیشت ها و مساعد ساختن زمینه رشد اقتصادی، سیر و حرکت نیروی کار از بسیاری جهات یک عامل فوق العاده مثبت است. این

۹۹ لاوتر.

۱۰۰ کیر- ویلسون و بین.

ازین پول جهت سرمایه گذاری مستقیم در تولید استفاده می نمایند.

حتی در میان آن مؤسسات و ناظرینی که به اهمیت مهاجرت نیروی کار برای معیشت های دهاتی اعتقاد دارند، شمار پلان ها جهت کمک به این تلاش ها اندک بوده است. بعضاً از ضرورت آموزش مهارت ها جهت مهاجرت نیروی کار،^{۱۰۳} و عده دیگری پیشنهاد می نمایند که در عرصه پست و مخابرات سرمایه گذاری گردد تا در انتقال پول از خارج تسهیلات ایجاد گردد.^{۱۰۴} عده دیگری خاطر نشان نموده اند که میکانیزم های غیر رسمی مانند حواله، در واقع بخوبی میتواند درین قسمت ضرورت مهاجرت را مرفوع سازد و رسمی ساختن این میکانیزم جهت جلوگیری از انتقال پول های کنترل نشده در سطح بین المللی (آنچنانیکه در صومالیا صورت گرفت)، میتواند به این شیوه مهم معیشت ضربه مهلک وارد نماید.^{۱۰۵}

بحیث یک انتخاب تلقی نگردد. عده دیگری علاقمندی بسیاری از مهاجرین را به زندگی شهری نشانه این امر میدانند که معیشت های دهاتی کمتر شیوه دلخواه زندگی برای مردم است.^{۱۰۱}

خیلی مشکل است تا درک گردد که وجوه ارسالی از خارج به فامیل ها تا چه حد به معیشت های دهاتی کمک نموده است. تخمین ها در مورد مقیاس و استفاده از وجوه ارسالی از خارج خیلی از همدیگر متفاوت است. گفته می شود که مقدار آن سالانه به یک میلیارد دالر امریکائی بالغ میگردد.^{۱۰۲} اطلاعات قابل اطمینان در خصوص استفاده ازین پول وجود ندارد، ولی در قدم اول ازین پول جهت امرار معاش استفاده میگردد. مهاجرین عودت کننده نیز در مرحله جذب دوباره در جامعه، از پول پس انداز خویش مصرف می نمایند و خیلی به ندرت

۱۰۱ جمال، ای. و ستیکتر، ای. "ارزیابی واقعی پاسخ دفتر کمیشنر عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR) به حالات اضطراری در افغانستان." بولتن ۳ . ۳۱ می ۲۰۰۲ .

۱۰۲ پین و کودهند.

۱۰۳ کیر- ویلسون و پین.

۱۰۴ سیپیل.

۱۰۵ مایمیو.

۴. ارتباط پروگرام های زراعتی با معیشت ها

فصل قبلی بر آن شیوه ها روشنی انداخت که افغانها جهت ایجاد معیشت های خویش در دهات اتخاذ نموده اند. این فصل بررسی می نماید که پروگرام ها با معیشت ها چگونه ارتباط دارند، خصوصاً اینکه به مسایل مخاطره، ایجاد تنوع در معیشت ها و مصارف معاملات چگونه رسیدگی صورت میگیرد. تحلیل این عوامل خصوصاً برای افزایش تأثیر پروگرام های زراعتی بر تصامیم دهاقین و مردم دهاتی در مجموع، جایز اهمیت است.

چیزی بیاموزند و یا اینکه نظارت گردد که آیا تکنالوژی ایکه در معرض نمایش قرار گرفته است، واقعاً توسط دهاقین بکار برده می شود و یا خیر. هزاران فند های دورانی ایجاد گردیده اند، بدون اینکه این ارزیابی صورت گیرد که آیا این فند ها واقعاً دوران می نمایند و یا خیر. چنین عدم آگاهی نه تنها بر تولید و مصرف تأثیر مستقیم وارد می نماید، بلکه بر مارکیت های نیروی کار نیز بصورت غیر مستقیم تأثیر مهمی وارد می نماید. برخی مؤسسات به این خلأ پی می برند^{۱۰۷} و شماری از سروی ها در مورد تأثیر امداد در جریان است،^{۱۰۸} ولی فشار جریان کلی و روش و تعامل عمومی که صرفاً متوجه اجرای پروژه ها است، مانع انجام تحلیل های دقیق میگرددند. ارزیابی تأثیر پروگرام ها ناگذیر سوالاتی را مطرح می نماید که مستلزم وارد آوردن تغییرات در پروگرام ها میباشد که این امر بنوبه خویش میتواند موجب تعویق در حصول وجوه مصارفی گردیده و طرز العمل های معمول را مختل سازد.

تلاش های هماهنگ اندکی جهت ارزیابی تأثیر پروگرام ها در مناسبات میان زراعت و معیشت صورت گرفته است.^{۱۰۶} این امر میتواند نتیجه فشار ها در سیستم امداد باشد تا کفایت خویشرا در انتقال منابع به مستحقین نشان دهند، بدون اینکه پیامد های ناشی از انتقال این منابع در نظر گرفته شوند. مؤسسات آن کار هائی را انجام میدهند که در آن مهارت دارند و در بسیاری موارد این کار ها توزیع تخم بذری میباشد. موارد دیگری که بتوان از طریق آن به معیشت های دهاتی کمک نمود، مبهم بوده و دریافت فند، استخدام کارکنان، سازماندهی و اجرای آن مشکل تر است، حتی اگر تأثیرات دورنمائی آن بیشتر باشد. تحلیل دقیق ارزیابی تأثیرات با طرز العمل های اجرای سریع پروژه هائیکه قرار است به نتایج فوری دست یابند، در مغایرت قرار میگیرد. در ساختمان و یا اعمار مجدد روبنا، این امر در نظر گرفته نمی شود که سرک ها و کانال هائیکه ساخته می شوند، در آینده توسط کی و چگونه مورد استفاده قرار خواهند گرفت. فارم های نمایشی تأسیس میگردند، بدون اینکه کوشش زیادی صورت گیرد تا دهاقین از آن بازدید نمایند و از آن

علت عمده فقدان تحلیل در مورد تأثیر پروگرام ها بر معیشت، این تصور متداول میباشد که افزایش تولید تأثیر مستقیم و مثبت بر رفاه و آسایش مردم دارد.^{۱۰۹} مطالعه معیشت ها در سطح بین المللی نشان داده است که این نظر الزاماً درست نمیباشد، خصوصاً در محلاتیکه ساختار های قدرت محلی بصورت سنتی طرقی را دریافته اند که چگونه مازاد محصولات را در اختیار خویش قرار دهند، بناً سهم دهاقین در تولیدات زراعتی تعیین کننده رفاه نسبی است، نه مقدار تولید.^{۱۱۰} مطالعه تولید تریاک نشان داده است که بسیاری مؤلدين كوكنار منافع (و یا سهم) زیادی از این کشت ظاهراً پرمفعت بدست نمی آورند،^{۱۱۱} ولی هیچگونه تحلیل مشابه در مورد ارتباط میان تولید و سهم دهاقین در انواع دیگر کشت ها صورت نگرفته است.

آیا ارزیابی تأثیرات در حاشیه قرار گرفته اند؟

۱۰۶ پین، ۲۰۰۲ دیده شود.

۱۰۷ ریدیک، ایم. ارزیابی پروگرام واحد اکسفام برای انکشاف دهات در هزاره جات، گزارش نهائی، جولای- اکتبر ۲۰۰۳. ۲۰۰۳؛ سولیداریتی، ۲۰۰۳.

۱۰۸ سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO). نتایج ارزیابی پروگرام عاجل سازمان غذا و زراعت (FAO) در مورد توزیع تأمینات زراعتی در خزان سال ۲۰۰۲. " اخبار شماره ۴ در مورد فعالیت های سازمان غذا و زراعت (FAO) در افغانستان، دسمبر ۲۰۰۲ .

۱۰۹ پین، ۲۰۰۲.

۱۱۰ سین، ای. انکشاف بمثابه آزادی. نیویارک: الفرید نویف. ۱۹۹۹؛ سین، ای. فقر و کرسکی. دهلی: مطبعه پوهنتون آکسفورد. ۱۹۸۱.

۱۱۱ مانسفیلد، ۲۰۰۱.

در مرحله ایکه توجه بسوی احیای مجدد معطوف گردیده است، یک سوال کلیدی در خصوص تأثیر پروگرام ها بر یک گروپ معین اینست که روبنا هائیکه احیا میگردند، خصوصاً در بخش آبیاری، در اختیار چه کسانی قرار میگیرد. درک تأثیرات آبرگردانی و استعمال مواد کیمیای زراعتی در ساحات فوقانی رود خانه ها بر ساحات تحتانی رود خانه ها حایز اهمیت اساسی است تا تأثیرات بالقوه منفی آن تخفیف یابد، ولی اکثر پروگرام های امدادی بر محدوده پروژه و یا جمعیت اهالی متمرکز است که این امر موجب دلسردی در انجام چنین تحلیل ها میگردد. دسترسی به آب جهت آبیاری در بسیاری موارد وابسته به ارتباطات با

رهبران محلی یا نظامی است. همچنان مواردی وجود دارند که سیاستمداران و قوماندانان سطح ملی کنترل این روبنا ها را در دست گرفته اند. ظرفیت مؤسسات امدادی جهت تحقیق در مورد ساختار های مروج قدرت اکثراً ضعیف است. حتی اگر آنها آگاهی داشته باشند که چگونه این ساختار ها بر دسترسی به منابع آب تأثیر دارند، ممکن است آنها توانائی کمتری داشته باشند تا در قسمت توزیع مساویانه آن در سطح جمعیت محلی فشار وارد نمایند و یا اینکه وارد عرصه های گوناگون پروسه های اجتماعی و سیاسی گردند که در آن در مورد دسترسی به منابع بحث و مذاکره صورت میگیرد.

چوکات شماره ۴: مالکیت بر زمین

بی زمینی طبعاً یک عامل مهم در ارتباط میان زراعت و معیشت ها میباشد، ولی در واقعیت در بسیاری پلان ها و گزارش ها نامرئی است. یکی از مطالعات در بامیان تخمین می نماید که بیشتر از نصف اهالی در دهات بی زمین و یا کم زمین اند،^{۱۱۲} ولی در بسیاری پروگرام ها درین ساحه به پیامد های این عامل خیلی بندرت توجه صورت میگیرد. یکی از مبادی مهم در ارزیابی تأثیر این عامل اینست که دیده شود که در تصمیم گیری در خصوص پروگرام ها تا چه حد به مسایل مربوط به مالکیت وقوف وجود دارد، زیرا این امر یکی از عوامل تعیین کننده در خصوص این مسئله است که کی و چگونه از پروگرام های زراعتی نفع می برد. بطور مثال، هرگاه هدف توزیع تخم های بذری ترویج تکنالوژی اصلاح شده باشد، مهم است تا اولاً تعیین گردد که کی تکنالوژی ایرا که قرار است در قطعه زمین مورد نظر مورد استفاده قرار گیرد تعیین می نماید، مالک زمین، دهقان سهم گیر و یا کارگر زراعتی. مهم است که این امر نیز در نظر گرفته شود که در نهایت امر کی از افزایش در تولیدات نفع خواهد برد و کی خطر ناکامی تکنالوژی جدید را بعهده میگیرد. بسیاری مؤسساتی که تکنالوژی جدید را ترویج می نمایند این عوامل را تحلیل نموده اند.^{۱۱۳} بصورت عموم، بیشتر تصامیم را مالکین زمین اتخاذ می نمایند و بیشتر منافع را نیز آنها بخود اختصاص میدهند و صرف بخشی از خطر را متقبل میگردند.^{۱۱۴} در خصوص این تعاملات استثنائی وجود دارند. تولیدات سبزیجات خانوار ها با مالک زمین تقسیم نمی شود و بدین ترتیب چنان یک شکلی را برای پروگرام ها مهیا می سازد که به نفع اشخاص بی زمین میباشد.

تقویت معیشت های زراعتی در طویل المدت متکی بر آمادگی در جهت سرمایه گذاری در مالداری طویل المدت میباشد، که برای اینکار مالکیت بر زمین یک عامل تعیین کننده عمده میباشد. در مورد اینکه زمینداران، اجاره گیران یا دهاقین سهم گیر چگونه تصمیم میگیرند که آیا در حفظ محیط زیست و تقویت حاصلخیزی زمین سرمایه گذاری صورت گیرد و یا خیر، تحلیل های اندکی در افغانستان صورت گرفته است. کارکنان مؤسسات بر عقاید قبلی خویش درین رابطه قویاً متکی اند، نه بر تحلیل های تجربوی در ساحه. شواهد نشان میدهد که اجاره گیران و دهاقین سهم گیر به کثرت نقل مکان می نمایند،^{۱۱۵} که این خود میرساند که گمان نمیرود که آنها به چنان سیستم های تولیدی علاقمند باشند که خاک را محافظت می نمایند و یا آنرا بهبود می بخشند. بطور مثال، تسطیح زمین کار مورد علاقه نیست و صرف آنانی که در زمین های خود کار می نمایند به آن علاقمند اند.

تعیین حدود زمین ها تأثیر مستقیم و نیرومند بر منازعات و ثبات محیط زیست دارند.^{۱۱۶} ساحات وسیع در افغانستان جهت چرانیدن مواشی مورد استفاده قرار میگیرد و در صورتیکه بارندگی ها زیاد باشد از آن قسماً برای کشت للمی استفاده صورت میگیرد.^{۱۱۷} این اراضی همچنان اکثراً جهت جمع آوری چوب، هیزم و بته ها برای مصرف سوخت خانوار ها مورد استفاده قرار میگیرند. در میان این اشکال مختلف استفاده از منابع و همچنان در میان استفاده کنندگان تشنجات زیادی وجود دارند. بنا بر افزایش بارندگی ها و تلاش در جهت برقراری کنترل بر این ساحات از طریق کشت و زراعت، به اثر قلبه نمودن و تبدیل این ساحات به زمین های زراعتی، تخریب محیط زیست در برخی ساحات رو به افزایش است.^{۱۱۸} با چنین مسایل از طریق پروژه های قصیرالمدت معامله شده نمی تواند.

۱۱۲. ولی.

۱۱۳. بطور مثال، ریدیک دیده شود.

۱۱۴. ولی، مانسفیلد، ۲۰۰۲.

۱۱۵. ولی.

۱۱۶. سوتی، جی، ایم. تنظیم حدود علفچر ها و تأمین خوراکه برای مواشی در ساحات آزمایشی در ولایات لغمان، غزنی و هرات: گزارش ماموریت مشورتی، اپریل- می ۱۹۹۸. پشاور: کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR)، ۸۹۹۱۰.

۱۱۷. ولی.

۱۱۸. فاور، آر. ماموریت مشترک توسط هلیکوپتر راجع به دست درازی به علفچر ها در دشت لیلی، ۲۵- ۲۷ مارچ ۲۰۰۳. کابل: سازمان غذا و زراعت (FAO)، ۳۰۰۲.

معامله با عنوان نمودن پروگرام ها

بنظر بسیاری از آنانیکه در سکتور زراعت کار می نمایند، تفاوت میان پروگرام های بشری و انکشافی در افغانستان مربوط به شیوه ها و اولویت های تمویل پروگرام ها توسط کمک کنندگان میباشد، نه ماهیت ضرورت های استفاده کنندگان و یا ملحوظات عملیاتی. یک نماینده مؤسسه غیر دولتی (NGO) در مورد ناامیدی هائی تبصره نمود که علت آن اعطای فند های "انکشافی" طولی مدت به یک ولایت در جنوب میباشد که بی امنیتی در آن کار های انکشافی را ناممکن ساخته است، در حالیکه این کمک کننده صرف حاضر بود که کمک قصیرالمدت اضطراری را بیک ولایت خیلی صلح آمیز در شمال تأمین نماید، زیرا این ولایت یک اولویت پائینتر بود. همچنان تفاوت میان این دو شکل پروگرام ها الزاماً وابسته به شرایط پرداخت وجوه جهت فراهم آوری نیرو و تأمینات نمی باشد. بسیاری از ناظرین به این عقیده اند که اگر قرار باشد که زارعین آسیب پذیر از مشکلات بدر آیند و مزارع خویشرا دو باره سر و سامان بخشند، تولیدات زراعتی در آینده قابل پیشبینی به سبب سبب های هنگفتی ضرورت خواهد داشت. این انتخاب که آیا به این سبب سبب های عنوان بشری داده شود و یا خیر، بیشتر وابسته به آنست که کدام عنوان به بهترین وجه دستیابی به وجوه کمکی را مهیا می سازد، نه اینکه کمک اعطای شده دارای چه ماهیتی است. شاید به همین علت باشد که اصطلاح "اضطراری" بیشتر از کلمه بشری بکار برده می شود که به پروگرام هائی اطلاق میگردد که با منابع قصیرالمدت تمویل میگرددند.

از همین سبب برخی پروگرام های اضطراری پروژه هائی را در بر میگیرند که مؤسسه اجرا کننده آنها

را جهت اهداف انکشافی در نظر گرفته است، ولی درین پروژه ها فند های قصیرالمدت مورد استفاده قرار میگیرند، زیرا اینها یگانه منابع موجود اند. عده دیگر پروگرام های اضطراری ادعای اهداف بزرگ انکشافی را ندارند، ولی بعوض آن به اصطلاح سازمان غذا و زراعت (FAO) در قدم اول فقط متمایل به دریافت سهم از حاصلات آینده" میباشدند. اکثریت این تلاش ها که مستقیماً متمرکز بر تولیدات

زراعتی میباشدند.^{۱۱۹} توزیع تخم بذری و کود کیمیاوی را در بر میگیرند. این شکل اخیرالذکر پروگرام های اضطراری برای بسیاری مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) یک موضوع مورد اختلاف است. برخی از انتقادات معمول عبارت اند از:

- پروگرام های اضطراری خیلی بزرگ و خیلی عاجل شمرده می شوند، که این امر موجب میگردد تا توقعات مؤسسه در مورد تأثیرات آن کم گردیده و چنین احساس بوجود آید که "ما مجبوریم که اینکار را انجام دهیم، ولی واقعاً ترجیح می دهیم تا دوباره به فعالیت های انکشافی پردازیم."
- اکنون بصورت قطع این نظر وجود دارد که تخم بذری قابل دسترس بوده و شیوه های اضطراری توزیع تخم بذری به قیمت شدیداً سبب سبب شده ممکن است بيموجب باعث اختلال مودل های انکشاف گردیده باشند، در حالیکه هدف این مودل ها ایجاد صنعت پایدار تخم بذری بصورت تدریجی میباشد.
- با در نظر داشت زمان و کمیت فشارها، مؤسسات ظرفیت های اندکی در اختیار دارند تا این امر را میسر سازند که پروگرام های اضطراری زراعتی واقعاً از طبقه فقیر و آسیب پذیر دست گیری می نمایند. برخی بصورت آشکار اعتراف می نمایند که توجیه نمودن پروگرام های خود آنان "صرف یک فکاهی است".
- مثال های زیادی وجود دارند که چگونه توافقات میان مؤسسات در مورد بازدهی مصارف، انتخاب استفاده کنندگان و مقیاس معاشات نادیده گرفته شده اند و این یا آن مؤسسه نتوانسته است تا مطابق طرز العمل توافق شده عمل نماید و اینکار زمانی صورت میگیرد که مرجع کمک کننده در خصوص توزیع یک جنس مشخص (مثلاً تخم بذری توریید شده) فشار بيموجب وارد می نماید و یا اینکه مؤسسه جدیدی در همان ولسوالی ظهور می نماید تا مواد را بصورت عاجل توزیع و محل را ترک نماید.
- مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) در مورد کیفیت پروگرام های اضطراری "مؤسسات رقیب" حرف های زیادی دارند و برخی حتی

۱۱۹ همچنان بسیاری پروگرام های اضطراری وجود دارند که بصورت غیر مستقیم تأثیرات مهم بر زراعت دارند که مهمترین آنها در بخش اعمار روینا و کمک های غذائی میباشدند.

اکثریت مامورین زراعت در افغانستان دارای تحصیلات اگرونومیک میباشند و ظرفیت و یا تمایل اندکی برای انجام تحلیل ها دارند تا معین گردد که چگونه میتوان از طریق این سه مدل به خدمات زراعتی ثبات و پایداری بخشید. برخی پروگرام ها آشکاراً این خطر را در بر دارند که جاگزین سرمایه گذاری های سکتور خصوصی گردند و یا باعث ایجاد دلسردی برای آنها شوند. کمک غذائی اکثراً بخاطر رقابت با بازار های محلی مورد انتقاد قرار میگیرد، ولی تهدید های بزرگی از ناحیه پروگرام های شدیداً سبسایدی شده احیای مجدد و انکشاف نیز وجود دارند. توزیع تخم بذری و کود کیمیاوی، خدمات و ترنری، کریدت های خیلی سهل و سایر پروگرام های امدادی نیز برای ایجاد بازار خدمات در دهات دارای ماهیت زیان آور میباشند. به عین ترتیب، انکشاف بازار های زراعتی از ناحیه ظرفیت های ضعیف لطمه دیده اند، زیرا نمیتوانند که تدابیر و اقدامات قابل تعمیم تجارتي را درک و طرح نمایند. تعیین اولویت ها در نوعیت کشت و شیوه بازار یابی با این درک بخوبی گره نخورده است که کدام یک ممکن است به بهترین وجه زمینه چنان شکل انکشاف را فراهم نماید که به نفع طبقه فقیر باشد.

بخش اعظم تلاش ها در عرصه ترویج تکنالوژی جدید در قسمت آزمایش، نمایش و توزیع انواع جدید تخم های بذری میباشند. نیرومند ترین توجیه برای توزیع تخم های بذری اینست که ذخایر تخم های بذری را که از لحاظ جینیتیک کیفیت آن تنزیل یافته است، بهبود یابد. این اعتقاد بصورت وسیع وجود دارد (هرچند نه در تمام درخواست ها برای فند) که فقدان کامل تخم های بذری وجود نداشته و هیچگاه وجود نداشته است.

میتوان از تلاش ها در جهت انکشاف جمعیت های محلی این توقع را داشت که آنها اساسی را برای همگرایی ابتکارات جهت انکشاف خدمات، بازار ها و تکنالوژی جدید مهیا می نمایند. در قسمت انکشاف محلات، از میتود های انکشافی ایکه در بر گیرنده کار نهاد ها و سهمگیری مردم باشد، استفاده گردد و این امر باید یکی از شیوه های جلب توجه به این مسئله باشد که زارعین کیفیت و مؤثریت انواع جدید تخم های زراعتی را که از جانب نهاد های تحقیقاتی و یا مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) تهیه میگردند، چگونه ارزیابی می نمایند. اینکار باید برای آنان یک شیوه ارزیابی کیفیت محصولات جدید باشد و باید پلاتفورمی را برای انکشاف روابط با ارائه کنندگان خدمات مهیا

به انتقاد از خود می پردازند. چنان احساس کلی وجود دارد که سیاست واقعی سیستم امداد طی چند سال گذشته بسیاری را مجبور ساخته است تا مقیاس کار های خویشرا فراتر از حدی توسعه دهند که در آن کیفیت کار تضمین شده می تواند. به استفاده کنندگان در مورد اینکه کدام خدمات سبسایدی شده می توانند، علایم و اشارات ضد و نقیض داده شده است. درمیان بسیاری مؤسساتی که تحت چنین فشار قرار داشتند اکنون احساس آشکار خاطر جمعی وجود دارد که این امر ناشی از آنست که فند های اضطراری تقلیل می یابند و این فرصت وجود دارد که دوباره به مدل های انکشافی بازگشت صورت گیرد. برخی مؤسسات خاطر نشان نموده اند که تغییرات در شرایط و شیوه های همکاری میان احکام و مقررات اضطراری و انکشافی مستلزم سرمایه گذاری هنگفت در خطوط مواصلاتی با قریه جات میباشد. آنانیکه ازین خدمات استفاده می نمایند (وحتی بسیاری کارکنان مؤسسات) پیوندی را میان این تغییرات و مضیقه ها و پریشانی های معیشت که مردم با آن مواجه بوده اند، مشاهده نمی نمایند.

صرف نظر ازین تحلیل ها، گذار از مدل های اضطراری به مدل های انکشافی توسط فرهنگ سازمانی (و شیوه های تمویل) با مشکل مواجه است. بحران طولانی ربع قرن گذشته موجب حضور شمار بزرگی از مؤسسات گردیده است که با شیوه های بشری عادت نموده و کارکنان آنها همیشه با پروگرام های تأمیناتی که هدف آنها همیشه توزیع مواد امدادی بوده است، سر و کار داشته اند. نزد آنها احساس قوی همبستگی با جمعیت های محلی ایکه در آن کار می نمایند، وجود دارد. از جانب بسیاری کارمندان خارجی که طی مدت طولانی کار خویشرا به این کشور وقف نموده اند، در قسمت تعویض کارکنان بشری با پرسونل انکشافی مقاومت صورت میگیرد. رقابت های جدید میان مؤسسات این شیوه برخورد با مسایل را با چالش مواجه ساخته است، خصوصاً آفر دادن و طرز العمل های قرارداد های فرعی، بر آن مؤسساتی که امیدوارند تا با پروگرام های غیر اضطراری کار نمایند فشار وارد نموده است تا تغییر موقف دهند.

سه کته گوری عمومی پروگرام های انکشافی در سکتور زراعت وجود دارد، که تمام آنها مربوط به ایجاد و تقویت خدمات در عرصه زراعت میباشند:

- انکشاف جمعیت های محلی؛
- ترویج تکنالوژی جدید؛
- انکشاف بازار فروش.

اهداف مشترک دوجانبه و توافقات در خصوص شیوه های واگذاری و انتقال پروگرام ها مساعدت نمایند و یا مساعدت نموده می توانند.

تعریف های آسیب پذیری

“در عمل، عملیات بشری در شرایط منازعه طولانی و بی ثباتی سیاسی با آسیب پذیری های موجود مرتبط نبوده و تاحد زیادی توسط منابع موجود کمک کنندگان، ملحوظات مسلط سیاسی و اصول سنتی مؤسسات بشری برآه انداخته می شوند. مؤسسات بشری تا کنون در شیوه های کار خویش، ضرورت سرمایه گذاری در زمان، سازش با پروگرام هائیکه نتایج آن در طویل المدت نمایان میگردد و ضرورت پروگرام های مؤثر معیشتی را در نظر نگرفته اند، که البته اینها پروسه های ظالمانه استثمار را که دارای ریشه های عمیق میباشد به چالش میگیرند.”^{۱۲۳}

بالخصوص، در اوضاع پس از جنگ طولانی، “مفهوم آسیب پذیری” اساس مشهود را برای این مسئله تشکیل میدهد که پالیسی ها و پروگرام های زراعتی با معیشت ها چه ارتباط دارند. مفهوم آسیب پذیری در افغانستان یک عامل گذرا و مؤقت در پروگرام های زراعتی بوده و در بسیاری موارد اصلاً وجود ندارد. خطری که یک شخص آسیب پذیر ممکن است با آن مواجه باشد، در بسیاری اسناد پروژه ها بندرت مشخص گردیده است. فرضیه های غیر رسمی در مورد اینکه پروگرام های امدادی چگونه آسیب پذیری مردم را در دهات تقلیل میدهند و یا اینکه خطرانی را که مردم با آن مواجه اند، کاهش میدهند، بندرت توضیح میگردند. به این مسئله که مردم آسیب پذیر در مقابل چه آسیب پذیر اند، توجه کافی صورت نگرفته است. خطری که گروپ های آسیب پذیر استفاده کنندگان از کمک ها با آن مواجه اند، مشخص نمیگردند. بطور مثال، هر چند تحقیقات زیادی بر نقش مرکزی ایکه مقروضیت در افزایش آسیب پذیری دارد، تأکید می نمایند،^{۱۲۳} برخی اسناد اساسی مصئونیت غذائی نتوانسته اند تا قرض را بحیث یک عامل در ارزیابی آسیب پذیری ذکر نمایند.^{۱۲۴}

نماید. اجراءات در تمام این عرصه ها ضعیف است. مدل های اضطراری بدین مفهوم بوده اند که “انکشاف محلات” در قدم اول به پروگرام های همگرا اطلاق میگرددند که در آنها مجموعه عناصر معیاری پروژه ها که در اکثر موارد چندین سکتوری اند، در یک پروگرام واحد تشکل می یابند. مدل های اضطراری وسیله ای برای این پژوهش نیست که در کجا میتوان بر موانع در جهت بهبود معیشت ها فایق آمد. پروسه های پلانگذاری برای محلات اکثراً روی مسایلی می چرخد که در آنها بر مسئله استفاده از بودجه های سرمایه گذاری و یا فند های دورانی با مؤسسات امدادی مذاکره صورت میگیرد، نه مباحثه بر این مسئله که چگونه میتوان در عرصه معیشت ها فرصت های بیشتری را مهیا نمود.

صرف نظر ازین امر که فند ها در اکثر موارد قصیرالمدت اند، شیوه های واگذاری و انتقال پروگرام های انکشافی مبهم بوده و یا اینکه اصلاً وجود ندارند. این خلأ نظری خصوصاً در مواردی نگران کننده است که میکروکریدیت ها، فند های دورانی و سایر ساختار ها در محلات در حالت تشکل باشند، زیرا این امر مستلزم حضور پروگرام ها در سطح معین طی مدت طولانی میباشد. اکسفام یکی از شمار قلیل مؤسسات است که به علت عدم توانائی اش در خصوص اینکه معین نماید که چگونه پروگرام ها را واگذار نموده و عرصه را ترک گوید، از خود انتقاد نموده است.^{۱۲۰} ملل متحد امید وار است که در راستای تعیین شکل نهائی پروگرام ها در عرصه های امداد و انکشاف، پروگرام های انتقالی به تدریج یک طرز دید ثابت و نامتناقض کسب نمایند. برخی نمایندگان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) بصورت خصوصی در مورد ساختار ها و پروژه سازی هائیکه ازین طرز دید عدول می کنند، ابراز نگرانی می نمایند، زیرا این امر بر تلاش ها در جهت ایجاد یک شکل نهائی و مناسب برای پروگرام ها تأثیر منفی وارد می نماید. بدینترتیب شواهد تاکنون نشان داده است که دادن شکل دو جانبه به کمک ها^{۱۲۱} و فشار های ناشی از رقابت در مارکیت امداد، عرصه را در قسمت انجام تحلیل ها در سطح ولایات و ولسوالی ها تنگ ساخته است. این تحلیل ها درین مورد اند که پروگرام ها باید چگونه به

۱۲۰ ریدیک.

۱۲۱ دافیلد.

۱۲۲ کامپینار.

۱۲۳ لاوترز، کین، ایم، و احسان عزیز، آر. سیستم های معیشتی آسیب پذیر در افغانستان. مطالعه پروگرام غذا و زراعت (FAO)، بخش دوم، هرات و بدخشان. جون ۲۰۰۲.

۱۲۴ بطور مثال سلوان دیده شود.

ممکن است دارای آسیب پذیری خیلی متفاوت باشند^{۱۲۵} و بنا برین به خدمات مختلف نیاز دارند. در کته گوری های معیاری گروپ های آسیب پذیر، مانند اطفال و یا معیوبین، در مورد اینکه برای این گروپ ها چه کاری ممکن است و یا اینکه آنها خواهان چه اند، توضیح اندکی داده شده است. گرایش در جهت منسوب نمودن تمام زنان به طبقه آسیب پذیر، تنوع فوق العاده را حتی در یک ساحه کوچک جغرافیائی در خصوص فعالیت های زراعتی ایکه زنان در آن اجازه شرکت دارند در نظر نمی گیرد.^{۱۲۶}

برای اینکار دلایلی وجود دارند. در صورتیکه خطراتی از قبیل منازعه طولانی، مقروضیت شدید و یا موقف زمین و منابع نامصنئون مبهم نگهداشته شوند، کار آسان این خواهد بود که تصور گردد که پروگرام های قصیرالمدت ممکن است این مشکل را حل نماید. تحلیل های جامع خطر و آسیب پذیری ماهیت عمیق ساختاری چالش هائیرا که اشخاص بی زمین و تهیدست با آن مواجه اند، اشکار ساخته و به این ترتیب حدود پروژه های کوچک را نشان می دهند. این بدان مفهوم نیست که این پروگرام ها به نفع استفاده کنندگان نیستند، بلکه هدف اینست که در مورد خصلت تسکین دهنده بسیاری پروژه ها شفافیت وجود ندارد.

خطر

خلای نظری میان فشار جهت اعطای کمک به استفاده کنندگان آسیب پذیر و ضرورت کاهش خطر به منظور دستیابی به تأثیرات پایدار و دایمی، بصورت اخص در رابطه با زراعت مهم است زیرا شیوه تصمیم گیری زارعین همیشه بصورت مستقیم با تمایز و تشخیص خطر مرتبط میباشد. تصامیم زارعین در قسمت اینکه انواع جدید تخم بذری را آزمایش نمایند، سرمایه گذاری در کود کیمیاوی را افزایش دهند، رمه های گوسفند های خویشرا به چراه گاه های دور دست ببرند و یا اینکه صرفاً در یک کمپ آواره گان بسر برند، تمام این ها مرتبط با آنست که خطر چگونه تمایز و تشخیص میگردد و کدام راه های ممکن جهت کاهش خطر تدارک میگردند. مردم دهاتی ایکه از طریق زراعت امرار معاش می نمایند با خطرات اساسی ذیل مواجه اند:

- آسیب پذیری اقلیمی؛
- امراض حیوانی و هجوم حشرات مضره؛
- جنگ های دوامدار؛
- نامعین بودن موقف منابع؛
- ساختار ها و نهاد های استفاده جو؛
- خدمات غیر قابل اطمینان دولتی، خصوصی و جوامع مدنی؛
- ابهام، کمبود اطلاعات و درک ضعیف گرایشات مارکیت منطقی و بین المللی.

در بسیاری اسناد، پس از اصطلاح "آسیب پذیری" کلمه "گروپ" آمده است. عنوان دادن به گروپ های آسیب پذیر یک وسیله جهت ارتباط دادن اطلاعات در مورد کمبود وسایل و سرمایه با انتخاب استفاده کنندگان مشخص و همچنان انتخاب اقلام توزیعی میباشد. بدین ترتیب هدف از تشخیص گروپ های آسیب پذیر اینست که مفهوم فقر تغییر داده شود و به فقرا منحیث استفاده کنندگان از امداد نگریسته شود، نه اشخاصی که در تقلائی کسب معیشت از هر طریق ممکن اند. تشخیص گروپ های آسیب پذیر یک قدم ضروری در پروسه پلانگذاری توزیعات میباشد، ولی مبادی اندکی را جهت تشخیص کمک های مناسب در قسمت معیشت میسر می سازد، تا خطراتی را که اعضای این گروپ ها با آن مواجه اند، مرفوع گردند.

این امر که در قسمت تشخیص گروپ های آسیب پذیر از انجام تحلیل های عمیق تر انصراف بعمل آمده است، به این مفهوم بوده است که تلاش ها در قسمت انکشاف جمعیت های محلی نتوانسته اند تا پیچیدگی های فقر را در دهات در نظر گیرند. مجموعه خدمات قبلاً تعیین شده، که در پروگرام های اضطراری و احیای مجدد متداول اند، پاسخ ناکافی برای رفع ضروریات بسیاری از استفاده کنندگان است. شرایط متفاوت ارضی در بسیاری مناطق که دارای ساحاتی با اقلیم های متفاوت اند، دسترسی متفاوت به بازار ها و تأثیرات متفاوت جنگ بر قریه جات مشخص بدین مفهوم بوده اند که حتی قریه جات همجوار

۱۲۵- کیلر- ویلسون و بین، ویلی.

۱۲۶- کیلر- ویلسون و بین.

چوکات شماره ۵: آسیب پذیری و پروگرام تخم بذری

بسیاری منتقدین پروگرام تخم بذری در افغانستان شکایت می نمایند که سمت دهی پروگرام ها "یک فکاهی است". آنها تعهد، ظرفیت و پلان های نظری را که جهت کمک به گروپ های آسیب پذیری ضرور اند، مورد سوال قرار میدهند. علیرغم یک سروی بزرگی که توسط سازمان غذا و زراعت (FAO) انجام یافته است، اطلاعات اندکی وجود دارند که نشان دهند که کدام خانوار در جمعیت اهالی محلی تخم بذری بدست می آورد، که در واقع از افزایش نهائی تولید نفع می برد و قادر است تا بصورت فعالانه در آن فند های مختلف دورانی سهم گیرد که قرار است از توزیع تخم بذری حصول گردند.

با وجود اینکه رهنمود های مختلفی وجود دارند، واضح است که کدام وفاق و یا درک مشترک وجود ندارد که حاکی از آن باشد که مدل های مختلف توزیع تخم بذری چگونه باید مورد استفاده قرار گیرند و یا اینکه چگونه مورد استفاده قرار گرفته می توانند تا استفاده کنندگان مشخص را به طرق مختلف هدف قرار دهند. علیرغم توافق رسمی در مورد اصول رهنمودی ای که تولید، توزیع و توريد تخم بذری و مواد مورد استفاده زراعتی را در افغانستان تنظیم می نماید،^{۱۲۷} کارکنان در ساحه تا حد زیادی ازین رهنمود ها و مدل های انکشافی بر مبنای اهداف توزیعی خودشان، اهداف سازمانی و تعبیر و تفسیر پلان های سازمان غذا و زراعت (FAO) در محل، آگاهی ندارند. جهت ارزیابی اینکه استفاده کنندگان مسایل تنظیم بانک های تخم بذری، پرداخت جنس در مقابل کار، پرداخت پول نقد و کریدت ها با شرایط سهل که درین پروگرام ها مورد استفاده اند، خود چگونه تعبیر و تفسیر می نمایند که درین زمینه یا کمتر تلاش شده و یا اصلاً توجه صورت نگرفته است.^{۱۲۸} پلان های مبهم برای ایجاد بانک های تخم بذری و پروگرام های پرداخت جنس در مقابل کار که شکل تجارتي را دارند و برای سرمایه گذاری ها در عرصه روبنا مورد استفاده قرار خواهند گرفت، برای مردم دهات مغشوش میباشند. این مسئله برای کارکنان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) نیز بصورت آشکار مغشوش است. رهنمود های توزیع تخم بذری بصورت مشخص ایجاد بانک های تخم بذری را منتفی می سازند،^{۱۲۹} ولی دیده می شود که برخی پروگرام های مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) متشکل از میکائیزم های مشابه به بانک های تخم بذری میباشند.

اصول رهنمودی توزیع آزاد را ممنوع قرار داده است، ولی بسیاری فکر می کنند که مقادیر واقعی مبالغ پرداخته شده در مقابل تخم بذری توزیع شده اندک است. برخی مؤسسات طرز العمل های مشرح و مفصل را جهت استرداد تخم بذری از زارعین پس از حاصلبرداری ارائه نموده اند. عده دیگری معتقد اند که چنین کاری در واقع به ندرت صورت می پذیرد. واضح نیست که کی از نگاه حقوقی مسئول آنست تا قروض باز پرداخت گردند. یک نماینده بلند پایه مؤسسه میگوید که در ساختار حاضر "حسابدهی وجود ندارد و به قوماندانان دست آزاد داده می شود."^{۱۳۰}

ارتباط میان توزیع تخم بذری و مالکیت بر زمین مسئله مرکزی این اعتقاد است که تخم بذری می تواند به گروپ های آسیب پذیر کمک نماید. واضح نیست که آیا تخم بذری رایگان می تواند که به زارعین سهم گیر کمک نماید تا در مورد توافقات بهتری با زمینداران مذاکره نمایند و با در نظر داشت اینکه تخم بذری غله جات صرف ۶ - ۱۲ فیصد مصارف کشت را تشکیل میدهد، اینکار مشکوک بنظر میرسد. بسیاری ناظرین این سوال را مطرح می نمایند که آیا زارعین سهم گیر قادر خواهند بود که در مورد شرایط بهتری در قرار داد مذاکره نمایند و چنین بیندارند که در نتیجه استفاده از تخم بذری با کیفیت بلندتر، تولیدات افزایش یافته و در نتیجه آنها نیز نفع خواهند برد.

۲۰۰۳ گسترش یافته است که در ۳۱ ولسوالی در سابق هیچ گاهی کشت نگردیده بود. ۱۳۰ عدم ثبات در قیمت های گندم موجب میگردد که زارعین به کشت غله جات بیعلاقه گردند، زیرا آنها در تلاش حصول پول نقد اند تا قرض هائیرا که در زمان خشکسالی گرفته بودند، بازپرداخت نمایند. شیوه های بقا پر از مخاطره بوده و وضعیت مارکیت موجب بهبود و یا وخامت آن میگردد.

مباحثات بین المللی اکثر اچنان تصور میگردد که به اثر سطح بلند خطر از ناحیه خشکسالی و یا جنگ، زارعین بسوی حد اقل امرار معاش و دیگر شیوه های کم خطر تمایل پیدا می نمایند. در افغانستان واقعیت بگونه دیگری است. زارعین در افغانستان از خطر رو گردان نیستند. شاید بعلت نا امیدی ناشی از قروض هنگفت، آنها به تولید تریاک، کچالو و دیگر محصولات می که به پول نقد مبدل میگردند، مبادرت می ورزند. تولید کوکنار از ۱۸ ولایت در سال ۱۹۹۹ به ۲۸ ولایت در سال

۱۲۷ سازمان غذا و زراعت (FAO). ۲۰۰۳.

۱۲۸ سازمان غذا و زراعت (FAO) چنین تصور را موجب نگرانی میدانند. بطور مثال، پروگرام های پرداخت جنس در مقابل کار بر پرداخت پول نقد ترجیح داده می شود، زیرا اخیرالذکر فروش سببایدی شده را القا می نماید. هر چند واضح نیست که زارعین از آن چه برداشتی دارند و این امر بر توقعات شان در ارتباط با نقش طویل المدت دولت و جامعه امداد در تهیه تأمینات سببایدی شده چگونه اثر وارد می نماید.

۱۲۹ این نگرانی وجود دارد که زارعین تخم بذری دارای کیفیت پائین را به این بانک ها مسترد خواهند نمود که منتج به تنزیل کیفیت تخم بذری خواهد شد. سیستم های موجود سنتی تبادل تخم بذری بیشتر مؤثر پنداشته می شوند.

۱۳۰ دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدر و جرایم، (UNODC) حکومت افغانستان.



تصویر از کرسچین پارس

میتودولوژیک، خصوصاً انجام سروی در مورد برفباری ها، می تواند به زارعین کمک نماید تا پیشبینی نمایند که چه مقدار آب جهت آبیاری در دسترس خواهد بود که بدین ترتیب زارعین میتوانند در قسمت انتخاب شکل آبیاری و شیوه استفاده از آن با هوشیاری تصمیم گیرند.^{۱۳۱}

در قسمت تأثیرات سیلاب ها، خنکی شدید و سایر خطرات طبیعی بر زراعت تحقیقات اندکی صورت گرفته است. درین اواخر تحقیقاتی که در مورد باغداری^{۱۳۲} صورت گرفته اند، مورد ارزیابی قرار گرفته اند که تأثیر اساسی خشکسالی را بر فعالیت مراکز تحقیقاتی خاطر نشان می سازد، ولی این خطر را بحیث یک مانع برای تحقیقات تلقی می نماید، نه یک موضوع مهم برای آن. حتی در محلاتیکه اطلاعات در مورد سطح خطرات به زراعت کاملاً در دسترس اند، مانند احتمال حمله بزرگ ملخ ها، خیلی مشکل بوده است تا منابع جهت ایجاد یک ظرفیت دایمی برای اقدام در مقابل چنین حمله تأمین گردند و در نتیجه این

در برخی ساحات در قسمت درج خطرات مصیبت های طبیعی در پالیسی ها پیشرفت حاصل گردیده است. تجربه های خشکسالی های اخیر حاکی از آنست که خشکسالی مبرم ترین خطر طبیعی در افغانستان است، ولی سیلاب های محلی و همچنان طوفان های ریگ و سایر خطرات نیز عمومیت دارند. زلزله ها ممکن است تأثیرات بزرگ غیر مستقیم بر زراعت داشته باشند، زیرا آنها بر وضعیت مهاجرت ها و تغییر محل اسکان اثر میگذارند. پس از زلزله در بم ایران، شمار بزرگ مهاجرین افغان از ایران بازگشت نمودند.

ضرور است که با فشار ها و مضیقه های موسمی از طریق تأمینات اجتماعی معامله صورت گیرد، نه از طریق میکانیزم های بشری. قرار اظهارات یک نماینده ملل متحد، "حکومت نمی خواهد که همه ساله زمستان را یک حالت اضطرابی شمرده و توجه خویشرا بر آن متمرکز سازد." در زمینه پیشنهاداتی صورت گرفته اند که اطلاعات

۱۳۱ بانک انکشاف آسیائی.

۱۳۲ سازمان غذا و زراعت (FAO)، افغانستان: سروی سکتور زراعت.

باشد. ارتباط میان تولید تریاک و منازعه یکی از مثال های آنست. بدون شک، اقتصاد مواد مخدر جنگ را دامن میزند، ولی چینل ها و ارتباط متقابل میان مواد مخدر و جنگ همیشه یکسان و مستقیم نیست. بگونه مثال، در سال ۲۰۰۳ تولید مواد مخدر در ولایت هلمند ۴۹ فیصد و در ولایت کندهار ۲۳ فیصد کاهش یافت، در حالیکه جنگ درین مناطق رو به افزایش بود. تولید مواد مخدر در ولایت صلح آمیز بدخشان ۵۵ فیصد افزایش یافت. ۱۳۳

تأثیر متقابل میان خطرات طبیعی و منازعه طویل با در نظر داشت اینکه سطح خطر از هر دو عامل در افغانستان بلند است چنان موضوعی است که با این کشور مناسبت نزدیک دارد. در نومبر سال ۲۰۰۳ یک ورکشاپ در مورد چالش های تعامل با مصیبت های طبیعی در حالات سیاسی پیچیده و اضطراری با استفاده از تجربه های افغانستان شیوه هائی را توضیح نمود که مؤسسات از طریق آن با این مجموعه های خطرات معامله می نمایند. ۱۳۴

ایجاد تنوع در معیشت ها

ایجاد تنوع در معیشت ها بصورت سنتی یکی از شیوه های خیلی مؤثر کاهش خطر برای زارعین در سراسر جهان بوده است. در برخی موارد ایجاد تنوع در معیشت ها منجیث یک تدبیر در مقابل آسیب پذیری متداوم یک شیوه مؤثر ثابت گردیده است زیرا خطر را انبساط میدهد. این شیوه ها معمولاً موجب بیرون رفت از حالت فقر نمیگردند، ولی خطر نزول به حالت تهیدستی کامل را کاهش میدهد. برای سایرین، یعنی برای آنانیکه ثروتمند تر اند، تنوع در معیشت ها منجیث یک شیوه رشد مؤثر ثابت گردیده است. این شکل اخیر تنوع در معیشت ها کمتر با کاهش خطر مرتبط بوده و معمولاً متضمن استفاده از شیوه های نامعین و نامعلوم میباشد که ممکن است باعث افزایش خطر گردد.

تنوع در معیشت ها نه تنها استفاده از معیشت های مختلف در میان خانوار از طریق مهاجرت، اجوره در مقابل کار فیزیکی و کشت نباتات مختلف است، بلکه هدف از آن ایجاد تنوع در معیشت ها در میان

ضرورت بمیان آمده است که پس از تحمل خسارات فراوان در نهایت امر فند های اضطراری جستجو گردند.

مهم است تا خاطرنشان گردد که در پلان های مؤسسات و در گفتگو ها با مقامات و کارکنان مؤسسات از جنگ و بی امنیتی منجیث خطرات بزرگ برای زراعت کم نام برده می شود. بطور مثال، در مقابل این سوال که آیا دریافت کنندگان کمک تخم بذری اجازه داده می شود که بازپرداخت را به تعویق اندازند و یا اینکه از آن صرف نظر گردد، کارکنان عرصه زراعت در برخی مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) پاسخ دادند که اینکار صرف در حالت مریضی و یا مصیبت طبیعی امکان پذیر است. خطرات دزدی مواشی و ماشین آلات نیز در مباحثات در مورد ظرفیت ها و امکانات انکشاف به ندرت مطرح میگردند. این گرایش در جهت کم اهمیت نشان دادن خطرات ناشی از پیامد های منازعه ممکن است منعکس کننده ترکیبی از عوامل ذیل باشد:

- این نظر که خشکسالی علت عمده حالت اضطرار در سالهای اخیر بوده است؛
- ترس از انتقام در صورتیکه پلان ها و گزارشدهی بصورت علنی توضیح نماید که کی مسئول خشونت و نقض حقوق بشر است؛
- این نگرانی که ممکن است کمک دهندگان حمایت خویشرا قطع نمایند، در صورتیکه بصورت آشکار اعتراف گردد که در خصوص خطر واقعی ابهام وجود دارد و اینکه شفافیت میتواند تمویل پروگرام ها را ناممکن سازد؛
- احساس ناتوانی در رابطه با کاهش خطر که موجب میگردد که تأثیرات بالقوه جنگ یک مسئله تقدیر پنداشته شده و این احساس را بوجود می آورد که تعمق بیش از حد درین مورد صرفاً موجب رکود تلاش ها در پروسه بهبود میباشد؛
- این درک که نیرو های محرکه منازعات محلی، منطقوی و بین المللی خیلی پیچیده بوده و نمیتوان آنها را در ساختار های طرز العمل های اداری و پلانگذاری توأمیت بخشید.

نکته اخیر شایان توجه خاص میباشد. ارتباط میان منازعه و انکشاف دهات پیچیده بوده و آنگونه که تصور میگردد واضح و آشکار نمی

۱۳۳ دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدر و جرایم (UNODC) حکومت افغانستان.

۱۳۴ جانسون، ۲۰۰۳.

بهرتر از تنوع در معیشت ها، خصوصاً منحیث یک شیوه کاهش خطر شایان تحلیل های بیشتر میباشد.

جمعیت محلی نیز میباشد. بطور مثال، موفقیت کوچی ها با سخت سری و مقاومت آنان ارتباط دارد. دی ویجر مینویسد:

شیوه اساسی تنوع در معیشت ها که افغانها جهت کاهش خطر مورد استفاده قرار میدهند، بدون شک مهاجرت است. زمانیکه آنها از جنگ، خشکسالی و یا خطرات دیگر متأثر گردند، در اکثر حالات مؤثر ترین وسیله کاهش این خطرات برای تمام خانواده و یا بخشی از آن اینست تا محل را ترک گویند. صرف نظر از شرایط ناگواری که بسیاری مهاجرین، آواره گان و ناقلین در شهر ها زندگی می نمایند، مهاجرت برای آنها مؤثر تمام میشود. در اثنای بحران های شدید، کمک های بشری تا اندازه کرامت مهاجرین و برخی از بیجاشدگان در داخل را حفظ نموده اند. خدمات شهری برای بهبود زندگی آنانیکه به

”کوچی ها دارای اقتصاد تشبثاتی و متنوع بوده و از صدماتیکه به شیوه زندگی آنها وارد میگردد، کمتر متأثر میگردند. ولی حتی در یک سطح بلند تر، کسانیکه مالک حرفه ها و یا زمین زراعتی اند، بیشتر امکان دارد که در زمان مضیقه برای کوچی های تهیدست فرصت های کار فراهم نمایند. ازین سبب آن جمعیت های محلی ایکه دارای سطح بلند توأمیت با حرفه ها و زراعت دارند، دارای ظرفیت بلند تر تدبیر اندیشی جهت بقا میباشد.“^{۱۳۵}

یک عده پروگرام ها در افغانستان ایجاد تنوع در معیشت ها را تشویق می نمایند که هدف اولیه آنها افزایش عواید میباشد. ظرفیت حمایت

چوکات شماره ۶: گذار از کمک بشری به حمایت اجتماعی میتواند آجندائی برای زراعت باشد؟

تعداد زیادی از افغانها فاقد امکانات جهت تهیه احتیاجات ابتدائی برای تأمین معیشت اند. اگر قرار باشد که دولت افغانستان دوباره مسئولیت تأمین احتیاجات ابتدائی اتباع خویشرا بعهده بگیرد که طی چند دهه اخیر جامعه بین المللی بعهده داشته است، برای اینکار یک ساختار دایمی تأمیناتی ضرور است. اگر دولت اینکار را انجام داده نتواند، پیوند اجتماعی آن با اتباعش عمیقاً ناقص خواهد بود.

حمایت اجتماعی میتواند به چندین شکل باشد که شامل پروگرام های کارایی، معاشات تقاعد، بیمه و سببایدی ها در عرصه زراعت میباشد.^{۱۳۶} کاهش خطر از طریق حمایت اجتماعی و تقویت سرمایه گذاری با هم مرتبط بوده و فرصت هائیرا برای عملکرد مشترک فراهم می سازند.^{۱۳۷} در عین زمان این خطر وجود دارد که حمایت اجتماعی ممکن است بر میکانیزم های غیر رسمی بیمه اجتماعی فشار وارد نماید،^{۱۳۸} و این مسئله ای است که باید در افغانستان در مورد آن علاقمندی خاصی وجود داشته باشد، زیرا میکانیزم های غیر رسمی درین کشور فوق العاده مقاوم بوده و نقش نهائی و ظرفیت حکومت مرکزی خیلی نامعین میباشد.

وزارت احیاء و انکشاف دهات در سال ۲۰۰۲ یک سند پالیسی را تحت عنوان ”از کمک بشری به حمایت اجتماعی“ منتشر نمود. نظریاتی که درین سند طرح گردیده اند دارای پیامد های مهم برای این مسئله است که حکومت و جامعه بین المللی چگونه باید جهت تأمین مصوونیت معیشت های دهاتی تلاش نمایند. چنین تغییر از مدل های بشری به مدل های ثابت مستلزم آنست که اولاً مسئولیت از جامعه بین المللی به حکومت انتقال یابد. اینکار همچنان مستلزم آنست تا از ارائه کمک به گروپ های آسیب پذیر و قربانیان مصیبت ها که بصورت غیر دقیق تعیین گردیده اند، به شیوه های دقیق تشخیص مستحقین میباشد که این امر یک نگرانی عمده در طرح میکانیزم های حمایت اجتماعی میباشد.^{۱۳۹} در حالیکه بصورت کلی جمع آوری اطلاعات در رابطه با آسیب پذیری یقیناً بسرعت بهبود می یابد، ظرفیت حکومت در قسمت تعیین اهداف در ساحه و ارائه کمک شفاف به جمعیت های مختلف محلی که جنبه سیاسی نداشته باشد، محدود میباشد.

۱۳۵ دی ویجر، صفحه ۹.

۱۳۶ فارینکتون، جی، ساکسینا، ان سی، بارتون، تی و نایاک، آر. ”پسته خانه ها، پول مستمری و کمپیوتر ها: شیوه های جدید تلفیق رشد و حمایت اجتماعی در ساحت دور افتاده.“ انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، دورنما های منابع طبیعی، شماره ۸۷. جون ۲۰۰۳.

۱۳۷ هولنگرین، ایم. نظری بر ساختار های تأمیناتی اجتماعی در شرایط اضطرار ها و فرصت ها برای مداخله سازمان غذا و زراعت. (FAO). ۳۰۰۲.

۱۳۸ فارینکتون، جی، سالتر، آر و هولمز، آر. عملکرد مشترک میان حمایت اجتماعی و انکشاف: قضیه زراعت. لندن: انستیتوت انکشاف خارجی. ۲۰۰۳.

۱۳۹ دی وی روکس، ایس. حمایت اجتماعی برای فقرا: درس های تجربه های اخیر بین المللی. انستیتوت مطالعات انکشاف (IDS)، رساله کاری شماره ۱۴۲. سه سیکس: انستیتوت مطالعات انکشاف (IDS). ۲۰۰۲.

بطور مثال، وزارت احیاء و انکشاف دهات در حال حاضر در نظر دارد تا چگونه پروگرام ملی کاریبایی را به وجه احسن تطبیق نماید که این پروگرام دارای فند عظیم بوده و هسته پیشنهاد در رابطه با گذار از کمک های بشری به حمایت اجتماعی را تشکیل میدهد. موانع اساسی اینکه در گذار ملایم از پروگرام فعلی غذا در مقابل کار که توسط پروگرام غذائی جهان (WFP) پیش برده میشود، به پروگرام ملی کاریبایی وجود دارند اینست که منابع بشری و لوژیستیکی این مودل های ظاهراً با هم مشابه از همدیگر اختلاف فاحش دارند. پروگرام غذائی جهان (WFP) بدون شک از نگاه توانمندی کاری اش در دهات مجهز ترین مؤسسه در افغانستان میباشد. آرزومندی نیک در مورد اینکه ساختار های اداری پروگرام ملی کاریبایی کوچک و ثابت باقی می ماند، به این مفهوم است که آنها صرف یک بخش کوچک منابع پروگرام غذائی جهان (WFP) را برای طرح، تعیین اهداف، مدیریت و نظارت بر فعالیت های پروگرام ملی کاریبایی در ساحه در اختیار دارند. دلایلی برای این نگرانی وجود دارند که نواقصی که در قسمت کیفیت بسیاری پروژه های غذا در مقابل کار وجود دارند، در پروگرام ملی کاریبایی خیلی بیشتر خواهند بود. توقع میرود که پروگرام ملی کاریبایی با عقد قراردادها با سکتور خصوصی این خلأها را بر طرف خواهد نمود، ولی ظرفیت حکومت منحیث خریدار هوشیار چنین خدمات مورد سوال قرار دارد. انتصاب کارمندان نظارتی خارج ارگان میتواند با حکومت در قسمت مسئولیت آن کمک نماید، ولی آنرا ازین مسئولیت برائت داده نمیتواند.

در حالیکه بدون شک این آرزومندی وجود دارد که ساختار های حمایت اجتماعی موجب انکشاف در عرصه زراعت گردند، ضعف هائی در قسمت دریافت سترا تیژی ها جهت انکشاف چنان ظرفیت های ساختاری وجود دارند که این دو را باهم اتصال میدهند. فقدان ظرفیت ارزیابی عملی بودن پروژه ها بدین مفهوم است که پروژه های ایجاد درآمد در مرحله اول پروگرام همبستگی ملی تا حدود زیادی کنار گذاشته شده اند. در مورد نقش زراعت در حمایت اجتماعی و توأم با آن گذار ممکنه از پروگرام های احیای زراعت به مودل های حمایت اجتماعی مباحثاتی صورت نگرفته اند، زیرا این مسایل در حیطه صلاحیت وزارت احیاء و انکشاف دهات میباشد، نه وزارت زراعت و مالداری.

مصارف معاملات و اولویت های دهاقین

بی امنیتی، بلا تکلیفی، ساختار های ضعیف رسمی و ویرانی رونیای فزیکتی همه موجب گردیده است که دهاقین افغان، تجار و حتی مؤسسات امدادی مصارف فوق العاده گران را متحمل گردند. در واقع، آزردهگی و خشم مردم از مصارف بلند و غیر قابل قبول که از جانب قوماندانان محلی وضع گردیده اند، موجب گردید که در سال ۱۹۹۴ طالبان باهم متحد گردند و به قدرت برسند. ۱۴۲

سمیت مصارف معاملات را که دهاقین و تجاران با آن مواجه اند، بصورت ذیل خلاصه می نماید:

- مصارف جستجو: مصارف جستجوی فروشندگان و یا خریداران در یک مارکیته خاص (برای مواد مورد استفاده در زراعت، محصولات و یا کریدت).

شهر ها روی می آورند، اهمیت اساسی دارد. ولی معلوم نیست که آیا جامعه امداد میتواند که بصورت مستقیم در قسمت تأثیراتیکه مهاجرت ها بر معیشت های دهاتی دارند، کمک نماید و یا خیر. در کشور های دیگر شعبات پست یک وسیله مهم تحکیم نقش مهاجرت در تأمینات اجتماعی در دهات میباشد، زیرا طریق مطمئن دریافت وجوه را از خارج فراهم می سازند، ۱۴۱ ولی گمان نمیرود که در افغانستان میکانیزم های رسمی ارسال پول از خارج جای سیستم حواله را بگیرد. ممکن است درین زمینه راه های حل بر مبنای کمک های مالی وجود نداشته باشند تا بصورت اساسی درین مسئله ممد واقع گردند که خود مردم در دهات چگونه مهاجرت را برای کاهش خطر مورد استفاده قرار میدهند. ممکن است کافی باشد که در پروگرام ها نقش اساسی ای را که مهاجرت در شیوه های معیشت ایفا می نمایند، در نظر گرفته شود و بدین ترتیب از سرمایه گذاری بی لزوم در مودل های "دهقان کم زمین" احتراز صورت گیرد، زیرا افغانها درک می نمایند که این مودل ها دارای ظرفیت اندکی برای معیشت های مصئون و دایمی میباشدند.

۱۴۰ وزارت احیاء و انکشاف دهات.

۱۴۱

۱۴۲ پین و کودهند.

نشان میدهند که فراخوان پلان انکشاف ملی جهت تأسیس یک دولت تسهیل کننده و تنظیم کننده بصورت دقیق نمایانگر امید ها و آلام دهاقین و ارائه کنندگان خدمات در دهات میباشد. این نقیصه ها همچنان نمایانگر ابهاماتی اند که در واقع دولت چگونه میتواند که این مصارف را کاهش بخشد. مهم است تا تأکید گردد که با برخی استثناً های مهم، معمولاً نحوه از خدمات در دسترس میباشد تا تقاضاهای دهاقین را مرفوع سازند. پرابلم ها اکثراً وابسته با اعتماد، کیفیت، قابلیت اطمینان و مؤثریت میباشد.

تهیه مواد مورد استفاده زراعتی شاید بارز ترین عرصه نگرانی برای دهاقین باشد. کود های کیمیایی، ادویه های ضد آفات زراعتی، تخم های بذری و ادویه جات و ترنری بصورت گسترده در بازار ها در دسترس اند. دهاقین در ساحات منزوی مصارف زیادی را بخاطر انتقال مواد مورد استفاده زراعتی متحمل میگردند. دیگران در قدم اول نگران این امر اند که کیفیت موادی را که خریداری می نمایند، نازل بوده و حینیکه آنها دریابند که این مواد تقلبی اند، نمی توانند که ادعای جبران خساره نمایند. شکایات مشابه در مورد کیفیت ضعیف تخم بذری ایکه توسط مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) تأمین میگردند، ابراز گردیده اند، خصوصاً توزیع عاجل تخم بذری در حالات اضطراری. علاقمندی زارعین در اصلاح و بهبود زراعت قسماً ازین امر ناشی میگردد که آنها در انتخاب مواد از بازار به کمک ضرورت دارند و همچنان آنها امیدوارند که دولت نقش خویشرا در تأمین مواد استاندارد و سببایدی شده از سر خواهد گرفت. چنین تصور میگردد که حکومت هیچگاه به زارعین حسابده نبوده است، ولی حد اقل حکومت بلای کوچکتی در میان دو بلا پنداشته میشود. کارکنان ادارات زراعت در ولایات و ولسوالی ها اهمیت نظارت و تنظیم سکتور خصوصی و تأمین مواد را از جانب مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) را درک می نمایند، ولی آنها قطعاً این ظرفیت را ندارند تا چنین وظایف را انجام دهند.

مسایل مالی و کریدت یکی از خدماتی است که معاملات آن مصارف هنگفتی را ایجاب می نماید و پروگرام های امداد کوشش می نمایند که جایگزین خدمات سکتور غیر رسمی درین عرصه گردند که به زعم آنها استثماری و بی کفایت اند. از آنجائیکه ربح در اسلام بصورت رسمی ممنوع است، قرضه غیر رسمی یک موضوع حساس است.

- مصارف تفکیک: مصارف حصول اطمینان از اعتبار و صداقت جوانب بالقوه معامله، خصوصاً صداقت و امانت داری قرض گیرنده.
- مصارف مذاکرات: مصارف چانه زدن با معامله داران تجارتي و یا مقامات رسمی تنظیم امور تجارت.
- مصارف اندازه گیری: مصارف اندازه گیری مشخصاتی از قبیل کیفیت و کمیت مواد مورد استفاده در زراعت و یا خدماتی که خریداری و یا تبادل میگردند.
- مصارف انتقال: شامل مصارف ترانسپورت، پروسس، بسته بندی و ترتیب اسناد مالکیت.
- مصارف نظارت: مصارف نظارت بر اینکه آیا شرایط و مواد مورد استفاده در زراعت که بر آن توافق صورت گرفته است، رعایت میگردند و یا خیر.
- مصارف تعمیل و انفاذ: مصارف اجرای موافقت نامه ها، ادعای جبران خسارت در صورت عدم رعایت موافقت نامه و یا مصارفی که از ناحیه عدم اجرای قرارداد صورت میگیرند.^{۱۴۳}

در نهایت امر دهاقین فشار این مصارف را متحمل میگردند، هم از طریق قیمت های بلند و کیفیت نازل خدماتیکه به آنها عرضه میگردد و هم از طریق سازش با فقدان عملی برخی خدمات. به اثر پیامد های جنگ، نامنی های جاری و یا جریان نا مطمئن کمک ها، اعتماد ضعیف گردیده و این امر از ظهور شمار کافی چنان مراجع خدماتی جلوگیری می نماید که برای دهاقین انتخاب های بیشتری را فراهم می نمایند. بنا بر همین علت، بنظر نمی رسد که نیرو های مارکیت چنان فشار های رقابتي ابرا ایجاد نمایند که این مصارف را پائین آورند. ساختار های ضعیف سکتور دولتی و قدرتمندی قوماندانان محلی استفاده از میکانیسم های قانونی را جهت در خواست حسابدهی از ارائه کنندگان خدمات تقریباً ناممکن می سازد. اراضی کوهستانی افغانستان، سطح پائین سواد و فقدان رونای مخابراتی از پخش اطلاعات ممانعت می نماید، در حالیکه این امر برای دهاقین خیلی مهم میباشد تا مصارف را مقایسه نموده و بر قیمت های تولید نظارت نمایند. مصاحبه ها با دهاقین نشان میدهد که آنها بخاطر ناتوانی شان در قسمت شناسائی مواد قابل اطمینان زراعتی، که از سکتور خصوصی و مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) بدست می آورند، خشمگین اند. ناتوانی سکتور خصوصی در قسمت سرمایه گذاری پر ارزش در دوران کالا ناشی از مصارف بلند معاملات میباشد. چنین مثال ها

فابریکات پروسس و دیگر مؤسسات خدماتی را که در انکشاف تولیدات تجارتي ذیدخل اند گرد هم می آورد. با نظر اندازی بر تمام این زنجیر در رابطه با یک کالای مشخص، امید می رود که موانعی که موجب مصارف بیش از حد میگردند، تشخیص شده و برای شان راه حل جستجو گردد. یکی از اولین موانع که باید در چنین روش بر طرف گردد، اینست که طرق ایجاد اعتماد بیشتر میان این مراجع دریافت گردد. تجربه بین المللی در رابطه با سرمایه گذاری در زنجیر های کالائی جهت نیل به انکشاف اقتصادی خیلی مؤفقیته آمیز بوده است، ولی در بسیاری موارد عدم توانمندی زارعین فقیر تر را در جهت دستیابی به معیار های بلند کیفی و کمی و همچنان تولید بوقت و زمان را که مارکیت های تجارتي مقتضی آند، نشان داده است. عاملین زنجیر کالائی باید اعتماد داشته باشند که سایر همکاران شان تعهدات خویشرا انجام خواهند داد و آنها اکثراً در مورد ظرفیت زارعین فقیر درین خصوص تردید دارند.

مناسبات ملاک و دهقان و قرار داد های زراعتی

دهاقین فقیر در تمام جهان بصورت عموم درک می نمایند که بهترین فرصت دسترسی به خدمات مطمئن اینست که با ملاکی کار نمایند که این خدمات را مستقیماً ارائه نموده بتوانند و یا اینکه دارای چنان ارتباطات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد که بتواند این خدمات را از طریق دیگران فراهم نماید. شرایط چنین مناسبات ممکن است گران و حتی استثماری باشد، ولی یک دهقان تهیدست معمولاً در قدم اول این نکته را در نظر میگیرد که آیا چیزی برای امرار معاش خانواده اش دارد و یا خیر و پس از آن در مورد شرایط مناسبات فکر می نماید. ۱۴۴ مطالعات زیادی خاطر نشان ساخته اند که دسترسی به قرضه تا حد زیادی وابستگی با ارتباطات با ملاکان دارد. ۱۴۵ در مواردیکه ارتباطات قوی با ملاک وجود دارد، حتی دسترسی به خدمات دیگری مانند قلیه، ۱۴۶ نیز آسان تر است. در میان جامعه امداد چنین گرایشی وجود دارد که دهقانی مبتنی بر سهم در حاصل و دیگر مناسبات ملاک و دهقان را کاملاً استثماری تلقی نمایند و یقیناً چنین نیز هست. یکی از مطالعات خاطر نشان می سازد که حتی از یک ملاک نیز مهربان، سخاوتمند و عادل توصیف نگردیده است و دهاقین نیز توقع ندارند که آنها چنین باشند. ۱۴۷

کیفیت خدماتیکه بصورت غیر رسمی ارائه میگردند، از همدیگر زیاد متفاوت بوده و با مناسبات وسیع میان ملاک و زارع با هم گره خورده اند. صرف نظر ازینکه ربح گرفته شود و یا نشود، ملاکین از جنبه های دیگر مناسبات با زارعین منفعت کمائی می نمایند، مانند پرداخت پول در مقابل محصولات زراعتی. تلاش ها جهت ایجاد سیستم قرضه های کوچک مالی بسرعت توسعه می یابند، که علت آن قسملاً آرزومندی جهت تأمین یک الترناتیف یا بدیل در مقابل سیستم های سنتی قرضه دهی میباشد که در آن زارعین بمنظور دسترسی به قرضه مجبور به تولید کوکنار میگردند. پروگرام های امداد درین زمینه متفاوت بوده و از اعطای کریدت های سهل در سطح مزارع (که اکثراً شکل دیگر توزیعات مجانی بوده و صرفاً نام آن کریدت میباشد) توسط مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) گرفته، الی صدور مجوز برای نخستین بانک میکروکریدت یا قرضه های کوچک که توسط فند آغا خان برای انکشاف اقتصادی حمایت میگردد، همه را در بر میگیرد. در طول المدت، میکروکریدت ها تأثیرات قابل ملاحظه خواهند داشت. در قصبیرالمدت، گمان نمی رود که در دهات افغانستان یک انقلاب میکروکریدت بوقوع پیوندد، زیرا تأسیس روبنا های ساختاری در قرأ و قصبات مصارف هنگفتی را ایجاب می نماید.

ساختار های مؤفق ارائه خدمات دارای مشخصه توأمیت میباشدند. زارعین متمول ممکن است قادر باشند که مارکیت را مطالعه نمایند و خدمات مختلفی را که آنها ترجیح میدهند، انتخاب نمایند و نظر به قدرت خرید خویش حتی ممکن است قادر باشند تا ارائه کنندگان خدمات را مورد بازپرس قرار دهند. زارعین فقیر تر فاقد چنین ارتباطات، زمان و سرمایه جهت جلب خدمات میباشدند. بناً در چنین معاملات آنان متحمل مصارف بیشتری میگردند. این یکی از عللی است که آنها چرا بسوی سیستم های بهم پیوست غیر رسمی پروگرام های انکشاف زراعت، تمویل، بازار یابی و تأمین مواد مورد استفاده زراعتی جلب میگردند، که اکثراً از جانب تاجران برای تولید کوکنار در اختیار شان گذاشته می شود.

اکثریت جامعه امداد در قسمت ارائه خدمات تا هنوز هم از روش اندک- اندک استفاده می نمایند، ولی استثنائات مهمی وجود دارند. اداره ایالات متحده امریکا برای انکشاف بین المللی (USAID) و برخی مؤسسات دیگر به کار سرمایه گذاری در یک سلسله پروژه های ارزشمند و یا پروژه های کالائی آغاز نموده اند که مؤلدین، تجار،

۱۴۴ سكات، جی، سی. اقتصاد اخلاقی دهاقین: اغتشاشات و امرار معاش در آسیای جنوب شرق. نیو هاورین: مطبعه پوهنتون ایل. ۱۹۷۶.

۱۴۵ مانسفیلد، ۲۰۰۱؛ ویلی.

۱۴۶ الن.

۱۴۷ الن ویلی، صفحه ۶۷.

استثمارگر نسبت به وابستگی بر یک مؤسسه غیر حکومتی (NGO) با شش ماه قرارداد و یا یک حکومتی که هیچگونه ظرفیتی برای پوشش مصارف جاری خویش ندارد، مزیت آشکاری دارد. تعویض یک سیستم استثماری ولی فعال اجتماعی با یک سیستمی که متکی بر ساختار هائی است که تا هنوز ایجاد نگردیده اند، یک شیوه پر مخاطره بوده و این اهالی دهات اند که باید چنین خطر را متقبل گردند.

این امر الزاماً بدین مفهوم نیست که وضعیت فعلی باید قبول و یا نافذ گردد. ممکن است چنان فرصت هائی وجود داشته باشند که تعادل قدرت حد اقل قسماً تغییر یابد. در سطح بین المللی دهقانی قراردادی بصورت فزاینده منحیث یک شیوه کاهش خطر و حالت ابهام شناخته می شود که خطر را میان دهقانی که خطرات تولید را متقبل میگردد و سرمایه گذاری که خطرات بازار بایی را متقبل گردیده و مواد مورد استفاده زراعتی را تأمین می نماید، بصورت شفاف تقسیم می نماید. ۱۴۸ شیوه های تجارتی قرار داد زراعتی در افغانستان خیلی نادر بوده و یکی از استثناات پروگرام گروپ انکشاف آسیای میانه در مورد آغاز صادرات کشمش میباشد. ۱۴۹

سازمان غذا و زراعت (FAO) در قسمت دهقانی قراردادی در افغانستان از طریق پروگرام های تولید تخم زراعتی تجربه وسیع دارد، هر چند این پروگرام ها دارای سببایدی های قابل ملاحظه میباشند. چنین معلوم می شود که آموزش ازین تجربه وسیله ای است برای کاهش تصاعدی مصارف معاملات و انکشاف یک سیستم نسبتاً عادلانه و شفاف مناسبات ملاک و دهقان. علاوه بر آن، سیستم قرار دادی با روش های مبتنی بر کالا که در فوق تذکار یافت بخوبی تطابق می نماید و یک مسیری را برای سرمایه گذاری خصوصی فراهم نمود تا از آن در پروگرام های انکشاف زراعت و دیگر خدماتیکه کیفیت، کمیت و مبرمیت تولیدات زراعتی را تضمین می نماید، استفاده صورت گیرد، زیرا این امر برای افغانستان ضروری است تا بتواند بخش قابل ملاحظه مارکیت های صادراتی قبلی را دوباره تسخیر

منافع سرشاری که از پیوند دادن خدمات با تولید تریاک بدست می آیند، برجسته ترین مثال این مسئله است که چگونه دهاقین فقیر در اسارت قروض فزاینده و تهیدستی گرفتار میگردند.

با وجودیکه مناسبات ملاک و دهقان یقیناً اکثراً طاقت فرسا میباشند، در حال حاضر برای بسیاری دهاقین عملی ترین شیوه ای است که از طریق آن می خواهند مصارف خویشرا در معاملات کاهش و یا حد اقل تعادل بخشند. این مناسبات بزرگترین مصیبتی نیست که دهاقین فقیر با آن مواجه اند. در ساحاتیکه از نگاه تجارتی باهم در توأمیت قرار داشته و جهت جلب دهاقین رقابت وجود دارد، عقد قرار داد های تأمین خدمات دارای این ظرفیت بالقوه است که ممکن است منجر به کاهش مصارف دهاقین در معاملات گردد.

بگونه مثال، این مسئله به نفع ملاک است تا یقین حاصل نماید که مواد مورد استفاده در کشت دارای کیفیت بلند بوده و اینکه

قیمت های محصولات مزارع بلند بوده و منافع با زارعین سهم گیر تقسیم می شود. ملاکان در مقابل دهاقینی که در زمین شان کار می نمایند از نگاه کیفیت تخم بذری بیشتر از مؤسسات امدادی مسئولیت دارند، زیرا حضور این مؤسسات وابسته با قرار داد های قصیرالمدت میباشند. رقابت میان ملاکان و مسئولیت آنها ممکن است در حال افزایش باشد، زیرا با درنظرداشت اجوره های بیشتر، فرصت های کار برای کارگران ناقل یک شیوه جالب تر معیشت نسبت به کارزراعتی مبتنی بر سهم در حاصل میباشند.

هدف از اصلاحات انقلابی ایکه در سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ وضع گردیدند، امحای مناسبات ملاک و دهقان و تعویض آن با خدمات مدرن تر زراعتی بود. نتیجه این اصلاحات فاجعه بار بود. مناسبات ساختاری قبلی مختل گردیدند و ساختار های جدید نتوانستند که خلای بوجود آمده را پر نمایند. با در نظرداشت اینکه حیطه پروگرام های فعلی احیا و انکشاف زراعت محدود است، تلاش ها جهت تعویض این مناسبات با آزادی بیشتر برای دهاقین ممکن است در شرایط حاضر ممکن و حتی مطلوب نباشد. وابستگی بر یک ملاک

۱۴۸ باومان، پی. تساوی و کفایت در شیوه های کشاورزی قراردادی: تجربه محصولات ساقه دار زراعتی. استیثوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۱۳۹. لندن، ۲۰۰۲. ODI
 سیمنس، پی. اجمال قرار داد های کشاورزی در زمینداری های کوچک در کشور های رو به انکشاف. سازمان غذا و زراعت (FAO)، ۲۰۰۲.
 ۱۴۹ گروپ انکشاف آسیای میانه (CADG)، گروپ انکشاف آسیای میانه: اجمال در مورد افغانستان. سنکاپور ۲۰۰۲. CADG.

نماید. ولی این امر مهم خواهد بود تا دورنماهای انفکاک سیستم قرار دادی زراعتی از تأمینات سبب‌ساییدی شده و تضمین شده دقیقاً ارزیابی گردد. تجربه سازمان غذا و زراعت (FAO) نشان داده است که چنین سبب‌ساییدی‌ها در ایجاد طرح‌های قرار دادی مؤثر اند، ولی تلاش‌ها جهت حرکت بسوی ایجاد یک صنعت با ثبات تخم‌بذری صرف درین اواخر آغاز گردیده اند. یقین وجود ندارد که این تلاش‌ها پیروز خواهند گردید.

باید تأکید نمود که هر چند دهقانی قراردادی ممکن است مصارف دهاقین را در معاملات کاهش دهد تا برخی مؤل‌دین کوچک قادر گردند که نقش خویشرا در صنعت آینده تخم‌بذری نگهدارند، اکثر مؤل‌دین خیلی کوچک و کم سرمایه قادر به رقابت نخواهند بود. طوریکه در فوق در مورد زنجیرهای کالا اشاره صورت گرفت، تقویت اعتماد و مناسبات مبتنی بر مارکیت احتمالاً منجر به ورشکستگی برخی از مؤل‌دین خیلی آسیب‌پذیر خواهند گردید.

۵. گسترش انتخاب ها در معیشت



تصویر از کرسچولیس

میباشند، هر گاه قرار باشد که مودل های پروژه ها پیوند بهتری با انتخاب های معمول معیشت ها داشته باشند، ریالیزم و ثبات نگرش حایز اهمیت اساسی اند.

گذار به تکنالوژی جدید: سوابق تاریخی و عملکرد جاری

به استثنای رژیم طالبان، عصری سازی از طریق ترویج تکنالوژی جدید از زمان گرفتن زمام قدرت توسط نادرشاه در سال ۱۹۲۹ در کابل اساس قانونیت حکومت مرکزی بوده است. ۱۵۰ اداره حکومتی و دیگر اشخاص تحصیلکرده در سازمان های امداد که خدمات زراعتی را تأمین می نمایند، انتقال تکنالوژی جدید را به اطراف و محلات یک

در حالیکه فصل گذشته بصورت مشخص این مسئله را مورد غور قرار داد که خطر، ایجاد تنوع در معیشت ها و مصارف معاملات چه تأثیراتی را بر پروگرام های معیشت وارد می نمایند، این فصل بررسی می نماید که تلاش ها و خدمات ترویج و تأمین تکنالوژی جدید چگونه موجب بسط و گسترش انتخاب ها در معیشت میگردند. اگر قرار باشد که زارعین بر خدماتیکه آنها بدست می آورند، کنترل بیشتری داشته باشند، مهم است تا مسیر های تاریخی اقدامات عصری سازی دولت افغانستان در نظر گرفته شوند و اینکه این تلاش ها بر هویت مامورین پروگرام های انکشاف زراعت و کارکنان محلی چه اثری داشته اند. این امر با تعریف های بین المللی اصلاحات در پالیسی در تباین قرار دارد، زیرا این تعریف ها بر نقش سکتور خصوصی و جامعه مدنی تأکید می نمایند. در حالیکه این عاملین غیر دولتی در واقع عناصر اساسی هر ساختار پیشرفته جهت ایجاد تحولات تکنالوژیک و انکشاف دهات

از دست دادن دارند. در واقع پذیرفته شده است که بگونه مثال بیوه ها و زنان کهن سال تهیدست میتوانند مستقیماً در فعالیت های زراعتی مصروف گردند، زیرا آنها انتخاب دیگری ندارند. آنها ممکن است آماده باشند تا تکنالوژی های جدید را آزمایش نمایند که زنانیکه زندگی شان بیشتر تأمین است، اینکار را انجام خواهند داد.

توزیع تخم بذری منحيث يك وسيله انتقال تكنالوژی

در افغانستان عرصه اساسی ایکه تلاش های انتقال تکنالوژی در آن جریان دارد مسئله همیشگی توزیع تخم بذری میباشد. علاوه بر تأمین سببایدی، در واقع هدف از تمام پروگرام های توزیع تخم بذری این بوده است تا دسترسی زارعین به تخم های اصلاح شده و تجدید نسل تخم بذری افزایش یابد. موفقیت درین هدف استثنائی بوده است. در برخی ساحات کارکنان مؤسسات با افتخار اعلام می نمایند که جنس های محلی بکلی ناپدید گردیده اند و این گرایش برای آنانیکه به تنوع فوق العاده و نادر نسل نباتات در افغانستان ارزش قایل اند، قابل تشویش میباشد.

موفقیت انتقال تکنالوژی از طریق توزیع تخم های بذری بصورت اتوماتیک به این مفهوم نمیباشد که توزیع تخم بذری مناسبترین پاسخ میباشد. حتی در حالاتیکه در سروی ها و مطالعه امکانات، ضروریات خیلی وسیعتر دیگر تشخیص گردیده اند، تخم بذری عمده ترین چیزی است که زارعین آنرا بدست می آورند. اینکار میراث پروگرام های بشری و همچنان پروگرام های ابتدائی احیای مجدد میباشد که در آنها تخم بذری یگانه شکل ممکنه کمک به زارعین پنداشته میشود. اینکار همچنان عکس العملی است به ضعف های ساختاری که اشکال دیگر فعالیت ها را مشکل ساخته است. اینکار همچنان ممکن است نتیجه عطالت و یکنواختی در پروگرام های تخم بذری و وسایل و آلات زراعتی باشد،^{۱۵۲} زیرا جامعه امداد عادت نموده است تا صرفاً منحيث یک پاسخ به حالت اضطراری در رابطه با زراعت در

اصل بنیادی می شمارند. آنها بمنظور ایجاد کادر های عرصه زراعت تربیه گردیدند تا جهت تحقق انقلاب سبز کار نموده، نباتات خیلی مثمر را ترویج و استفاده بیشتر از تخم های بذری تجارتي، ادویه ضد آفات زراعتی و کود کیمیاوی را اشاعه بخشند. در افغانستان همانند بسیاری کشور های دیگر، اصول عصری سازی بر مبنای این ضرورت استوار اند که شیوه زراعتی سنتی که مایل به پذیرش خطر نمیباشد تشویق و یا حتی وادار ساخته شود تا از تکنالوژی های جدید، مؤثر و منفعت آور استفاده نمایند.

طوریکه در فوق ذکر گردید، توضیحات در مورد اینکه دهاقین در افغانستان مایل به قبول خطر نیستند، نادرست میباشد. تحرک در قسمت تجدید و نو آوری ها در عرصه زراعت طی یک دهه گذشته (یعنی در جریان جنگ و بحران) شامل تغییر گسترده در جهت رو آوری دهاقین به کشت خزانی، استفاده وسیع از جنس های جدید نباتات، افزایش سریع در تولید کچالو (که کشت متناوب آن با گندم شیوع امراض نباتی را کاهش میدهد) و گسترش سریع تولید تریاک به ساحات جدید میباشد. زارعین افغان خود تلاش می نمایند تا به تکنالوژی های جدید دسترس داشته باشند. سوالات کلیدی در مورد این پروسه اینست که آنها تحت چه شرایطی از منابع اطلاعات جدید مستفید گردیده و به مواد و لوازم مورد ضرورت دسترسی پیدا مینمایند.

صرف نظر از میزان بلند خطر، آمادگی جهت پذیرش تکنالوژی جدید الزاماً مرتبط به جستجوی شیوه منفعت بار تولید نمی باشد. حالت پریشان اقتصادی برخی دهاقین آسیب پذیر را وادار می سازد تا تغییراتی را در تکنالوژی مورد استفاده وارد نمایند. مطالعات مختلف بین المللی خاطر نشان ساخته اند که در اکثر حالات انگیزه های ایجاد تنوع در معیشت ها درک این امر میباشد که شیوه ها و تکنالوژی های قبلی معیشت بیشتر ازین بقای حیات را تضمین نمی نماید.^{۱۵۱} هرگاه یک جنس کم حاصل گندم به مفهوم قحطی باشد، پس خطر آزمایش جنس جدید که تا کنون ثابت نگردیده است، قابل قبول میباشد. اولین تجربه کنندگان که معمولاً پروگرام های انکشاف زراعت در پی آنان میباشد، در افغانستان ممکن است آنانی باشند که چیز اندکی برای

۱۵۱ فارینکتون، بریسیسون.

۱۵۲ ریمینکتون، تی، والش، ایس، چارلز، ای، ماروکو، جی و اومانکا، پی؛ "بیرون رفت از پروگرام های یکنواخت و عاطل تخم بذری و وسایل و آلات با کویون ها و نمایشگاه های مرکز مطالعات دهات. (CRS) ناکامی ها. ۲۰۰۲. (۴) ۲۶: صفحات ۳۱۶-۳۲۸.

را تعقیب می نمایند که بر اعظمی ساختن حاصلات نه بلکه بر اولویت های دیگری تأکید می نمایند، مثلاً ترجیح می دهند تا بعضی استفاده از نیروی بیشتر کار در تولیدات زراعتی، اطفال شان را به مکتب بفرستند. ۱۵۳

یکی از نکات بالقوه انتقال تکنالوژی که به آن کمتر توجه گردیده است تربیه و پرورش مواشی میباشد. تولیدات زراعتی خیلی مقاوم و با ثبات اند و این امر نشان می دهد که ممکن است مؤلدين جهت دسترسی به تخم بذری و احیای مجدد روبنای سیستم آبیاری به کمک اندکی ضرورت داشته باشند. از جانب دیگر رفع تأثیرات خشکسالی بر مواشی احتمالاً زمان بیشتری را در بر خواهد گرفت، ۱۵۴ و حالت خیلی خراب بسیاری زمین های علفچر حاکی از آنست که بازگشت به سیستم های گسترده سنتی ممکن است از ثبات و تداوم لازم برخوردار نباشد. پروگرام های تربیه و پرورش مواشی (بدون خدمات وترنری) نامنظم بوده و در برخی حالات صرفاً جنبه سمبولیک داشته اند. ۱۵۵

حسابدهی در انتقال تکنالوژی

آزمایش جنس های نباتات و نمایش آنها در افغانستان کم بوده و به ندرت صورت می گیرند. علت این امر سقوط ظرفیت های تحقیقاتی ملی و گرایش در جهت قایل گردیدن اولویت به توزیع مواد میباشد، نسبت به اینکه اطمینان حاصل گردد که تخم های بذری برای شرایط محلی مناسب میباشند. بسیاری پیشنهادات و پلان ها خواهان استفاده وسیع از آزمایشات وابسته با فعالیت های آموزشی میباشند، ولی هرگاه این آزمایشات با تأمینات عظیم لوازم و مواد مقایسه گردند، شواهد اندکی وجود دارند که نشان دهند که متناسب به آن چنان فعالیت های آموزشی در ساحه انجام می یابند که به زارعین کمک می نمایند تا در مورد جنس های جدیدی که آنها بدست می آورند معلومات

دهات، در پی توزیع تخم های بذری باشد. هیچ یک از پروگرام های توزیع تخم های بذری ارزیابی شده بر مبنای کمبود تخم های بذری مؤجه نبوده است. کمبود تخم های بذری فرضیه خیلی معمول است که در صدر بسیاری پروگرام های بین المللی در رابطه با احیای زراعت قرار دارد.

توزیع تخم بذری تا حد زیادی منحصی یکی از طرق ترویج تکنالوژی های جدید برای زارعین نادان؟ پنداشته می شود. برخی مؤسسات بصورت مشخص دهاقینی را هدف قرار می دهند که تعهد می نمایند تا هدایات پروگرام های انکشاف زراعت را عملی نمایند. اینکار طبعاً زارعینی را کنار میگذارد که فاقد امکانات جهت عملی نمودن هدایات پروگرام های انکشاف زراعت اند و یا اینکه باور ندارند که مشوره های پروگرام های آموزشی متناسب با حالت ایشان است. آزمایشات در مورد نحوه آشنائی با تکنالوژی جدید و تطبیق میتود های آموزش (مانند کورس ها برای زارعین در ساحه) به ندرت صورت میگیرند. مامورین زراعت بسیاری مؤسسات که با آنها مصاحبه صورت گرفت بر اهمیت اساسی تغییر نحوه برخورد اهالی در قریه ها تأکید مینمایند. بدینترتیب چنان پنداشته می شود که رویه اهالی قریه ها موجب ایجاد محدودیت در معیشت ها میگردد، نه شرايطی که در آن زندگی می نمایند. یکی از مؤسسات از استفاده از روش "تفاوت در حاصل" گزارش می دهند، یعنی اینکه آنها در جستجوی طریقی اند که زارعین بتوانند تفاوت میان حاصلدهی یک جنس مشخص را در مزرعه و در مرکز آزمایشی کاهش دهند. چنین روش ها در سطح بین المللی تا حد زیادی اعتبار خوبشرا از دست داده اند، زیرا این روش ها نتوانسته اند که واقعیت های مزارع را در نظر گیرند و این مسئله را درک نمایند که ممکن است حاصلات اعظمی برای مؤلدين منفعت مطلوب را ببار نیاورد، زیرا آنها چانس کمتری دارند تا شرایط محیطی معادل به مرکز آزمایشی را ایجاد نمایند. بسیاری خانوار ها چنان شیوه های معیشت

۱۵۳ یکی از ارزیابی ها چنین میگوید: " این برداشت قوی وجود دارد که عناصر تخنیکي سكتور زراعت بر عناصر اجتماعی و یا سهمگیری عمومی تقدم دارد. بسیاری از پروگرام های انکشاف زراعت بحیث مسایل تأمینات تخنیکي پنداشته می شوند، نه يك پروسه انکشاف دانش و هدفمندی زارعین. پروگرام تخم بذری بصورت مشخص زارعین به اصطلاح "مترقی" و یا "پیشاهنگ" را هدف قرار داده است. آزمایشات در مزارع در ستراتیژی بحیث پروسه های اشتراکی انکشاف تکنالوژی توضیح گردیده اند، ولی چنین بنظر میرسد که آنها صرف بصورت سیستماتیک حاصلات بیولوژیکی را ثبت و گزارش می دهند. اسناد خیلی محدودی وجود دارند که معیار هائی را نشان دهند که ممکن است زارعین جهت ارزیابی آزمایشات مورد استفاده قرار دهند. اکثر آزمایشات در مزارع یا بر معرفی جنس های جدید و یا بر مسایل کلاسیک تنظیم و اداره زراعت (میزان تخم بذری، سطح حاصلدهی) متمرکز اند. هیچ شواهدی از تحلیل سیستماتیک عملکرد های زارعین و یا تصمیم گیری در بخش تنظیم و اداره بنظر نرسیدند. پروگرام انکشاف زراعت دارای تمام علایمی میباشد که نشان میدهد که توسط کارکنان انکشاف زراعت طرح گردیده است و آنچه را ارائه می نماید که بنگر آنها زارعین باید بیاموزند." (کامپینار، صفحه ۱۷)

۱۵۴ سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO). احصائیه کوری ملی مواشی در سال ۲۰۰۳ توسط سازمان غذا و زراعت (FAO)، گزارش مؤقت. ۲۰۰۳.

۱۵۵ یکی از مشاوران مایوس می نویسد: " نمایش میتود های چرانیدن مواشی در يك محوطه دیواری کوچک (چند متر مربع) که به سه قطعه تقسیم گردیده، ترتیب گردیده است. اینکار کاملاً دور از واقعیت بوده و پروژه را مضحک جلوه میدهد. در اثر سالیب نیز چنین نمایش مشابه به استهزا گرفته شده است. متأسفانه مشکل خواهد بود که چنین نمایشات بدون احساس خجالت از محل برداشته شوند." (سوتی، صفحه ۱۱)

چوکات شماره ۷: ارزش بلند- حجم پائین محصولات زراعتی

در افغانستان چالش های بزرگ لوژستیک در قسمت انتقال محصولات زراعتی به مارکیت و منفعت پائین غله جات، بسیاری را تشویق نموده است تا توجه خویشرا بر "ارزش بلند- حجم پائین" متمرکز سازند و این چنان هدفی است که حتی در پلان ملی انکشاف تسجیل یافته است. علت این علاقمندی اینست که با انگیزه های تولید تریاک منحصبت یک محصول ارزش بلند- حجم پائین رقابت نماید. موفقیت در انکشاف چنین محصولات تاکنون نسبتاً محدود بوده است. با آنهم علاقمندی زیادی به محصولات ارزش بلند- حجم پائین وجود دارد، خصوصاً که سرمایه گذاری در بهبود کفایت سیستم های موجود آبیاری صرف نتایج مثبت در قبال خواهد داشت، در صورتیکه قیمت آب آبیاری تا چنان حدی افزایش یابد که محصولات ارزش پائین (خصوصاً گندم) توسط تولیدات باغداری ارزش بلند تعویض گردند.^{۱۵۶}

تلاش ها در قدم اول بر احیای تولیدات جاری باغداری متمرکز گردید. پسته افغانستان دارای مارکیت بزرگ و مطمئن در هند میباشد که طی سالهای جنگ حفظ گردیده است، با وجودیکه تولیدات پسته بعلت تخریب درختان و تأثیرات خشکسالی تقلیل یافته است. محصولات سنتی ارزش بلند و حجم پائین که در مارکیت وسیع بین المللی فروخته می شدند مشتمل اند بر کشمش، زردآلوی خشک، خرما، انجیر و بادام. محصولات کوچکتر دیگر عبارت از زیره سیاه، تخم تربوز و ریشه شیرین بویه میباشد.^{۱۵۷} همراه با پروگرام وسیع تخم بذری، سازمان غذا و زراعت (FAO) توريد تخم کرم ابریشم دورگه را از کشورهای مختلف تنظیم نموده است تا صنعت سنتی ابریشم در غرب و شمال افغانستان احیا گردد.^{۱۵۸} همچنان پیشنهاد گردیده است که تولید زیتون نیز از طریق تقویت و ادامه کشت موفقانه آن در سابق، احیا شده میتواند.^{۱۵۹} تقاضای قابل ملاحظه داخلی برای زیتون (جهت دواسازی و لوازم آرایش) و ابریشم وجود دارد که برآورده نشده است.

تا کنون عده قلیل محصولات کاملاً جدید آزمایش و تر ویج گردیده اند. یکی از راه هایی که مطرح گردیده است اینست که با استفاده از زمستان های نسبتاً سرد و تابستان های گرم، یک صنعت تولید تخم های بذری که با این شرایط سازگار باشد ایجاد گردد. البته اینکار احتمالاً پس از ایجاد یک صنعت نیرومند تخم بذری که پاسخگوی ضروریات داخلی باشد، صورت خواهد گرفت. زعفران یک نبات جدیدی است که در قدم اول برای مؤلدين زن در هرات معرفی میگردد.^{۱۶۰} این نبات نه تنها دارای ارزش بلند و حجم کم است، بلکه مستلزم کار و زحمت زیاد میباشد و بدینترتیب میتواند که با کوکنار رقابت نماید. مسئله دیگری که به آن توجه لازم صورت نگرفته است، امکانات تولید محصولات باغداری میباشد تا تقاضای مارکیت های غیر موسمی را بر آورده ساخته و بدینترتیب قیمت های بلند تر را بخود جلب نمایند. جهت جلب منافع بهتر در صورت امکان از کشت در تحت تونل های پلاستیکی استفاده شده میتواند،^{۱۶۱} و استفاده از این شیوه در ولایات بلخ و لوگر^{۱۶۲} و مزارع اطراف شهر کابل آغاز گردیده است.

میتوان چنان پنداشت که جستجو برای نباتات ارزش بلند و حجم پائین قسماً از این آرزومندی نشئت می نماید تا راهی متبادل در مقابل مشکل وسیع روبنای ضعیف حاصلات زراعتی و بازار یابی دریافت گردد. تنظیم امور پس از حاصلبرداری محصولات سردرختی در حال حاضر مانع اساسی در جهت احیای مجدد تولیدات تجارتي باغداری میباشد.^{۱۶۳} یکی از ارزیابی ها میگوید: "بسیاری زارعین اکثراً متوجه میگرددند که آنها پس از حاصلبرداری با مشکلات بزرگتری نسبت به قبل از حاصلبرداری مواجه میگرددند."^{۱۶۴} بدون بهبود قابل ملاحظه کیفیت محصولات، افغانستان در دستیابی به بسیاری مارکیت های قبلی میوه خشک و دیگر محصولات خویش چانس اندکی دارد. بهبود تنظیم امور پس از حاصلبرداری و همچنان بهبود پروسس محصولات حایز اهمیت اساسی میباشد.

حاصل نموده و آنرا ارزیابی نمایند. تمرکز توجه به توزیع مواد و لوازم حاصل نموده و آنرا ارزیابی نمایند. تمرکز توجه به فعالیت های انکشاف زراعت رسیده است تا نیروی بشری محدود به فعالیت های انکشاف زراعت رسیده کرده نتوانند.^{۱۶۵} این تغییرات در سیستم های زراعتی موجب خطر بیشتر میگرددند،

۱۵۶ بانک انکشاف آسیایی .

۱۵۷ الن .

۱۵۸ تنوار، ان، ایس. گزارش ختم ماموریت. کابل: سازمان غذا و زراعت، ۳۰۰۲. (FAO).

۱۵۹ الن .

۱۶۰ بارانده، جی، "تهیه امکانات برای زنان، مبارزه با کوکنار: نموی طلای سرخ." سازمان نظارت فراموزی افغانستان. ۱۵ جولای ۲۰۰۳. ۱۱ - ۱۰ : ۱ .

۱۶۱ الن .

۱۶۲ سازمان غذا و زراعت (FAO)، افغانستان: سروی سکتور باغداری.

۱۶۳ ایپید.

۱۶۴ کمیته دنامارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACCAR) مطالعه امکانات- سکتور تنظیم و اداره زراعت و منابع طبیعی: ساحه پروژه IAD در خواجه عمری، مارچ ۲۰۰۲. پشاور: کمیته دنامارک

برای کمک به مهاجرین افغان ۲۰۰۲. (DACCAR).

۱۶۵ سولیداریتی، ۲۰۰۳ .

نمیدهند تا معلوم گردد که زارعین تا کدام حد قادر اند که در مورد ارزش تخم های بذری ایکه بدست می آورند، تصمیم عاقلانه بگیرند. این بدان مفهوم نیست که ناکامی از نظر پوشیده می ماند. نتایج مصیبت بار تخم های بذری گندم که کاملاً بیحاصل ثابت گردیدند و یا تخم های بذری تورییدی که در شرایط افغانستان قابل استفاده نبودند، با خشم و غصه زارعین، مقامات محلی و سازمان غذا و زراعت (FAO) مواجه گردیده اند. مثال های کمتر دراماتیک عدم موجودیت حسابدهی در رابطه با تخم های نامناسب ترکاری باب و گندم که به مشکل حاصل اندکی دادند، نیز زیاد اند، ولی این موارد منحیث بخشی از خطر آزمایش جنس های جدید از جانب زارعین بیشتر مورد قبول اند.

در صورتیکه هدف از پروگرام های وسیع تخم های بذری در سراسر افغانستان تا حد زیادی ترویج و تشویق تکنولوژی جدید باشد، این بدان مفهوم خواهد بود که مشوره های آموزشی در ارتباط با استفاده از کود کیمیاوی، سازگاری با خاک های مختلف و غیره صرفاً یک انضمام مفید در امور توزیع نبوده بلکه حایز اهمیت بیشتری میباشد. مشوره ها در مورد انکشاف زراعت مسئولیت آن مؤسساتی است که تخم بذری را توزیع می نمایند، زیرا جنس های جدید اکثراً مستلزم تغییرات در عمق کشت، شرایط آبیاری و استفاده از کود کیمیاوی میباشد. عدم پیشبرد پروگرام های انکشاف زراعت میتواند به آسانی موجب ناکامی حاصلدهی، ناکامی انتقال تکنولوژی و ناکامی معیشت ها گردد. یک نکته قابل توجه در رابطه با حسابدهی در مورد انتقال تکنولوژی اینست که اگر قرار باشد که خدمات "عادی" انکشاف زراعت به اهداف خویش در آینده دست یابد، باید اعتماد مشتریان خویشرا دوباره حاصل نماید. این خدمات نباید با توصیه نمودن مواد و لوازم نامناسب و ترک محل مشتریان خویشرا کاملاً از دست دهند. مؤسسات امدادی در ماهیت خویش از حسابدهی نزد آنانیکه این مؤسسات ظاهراً برای شان خدمت می نماید، نسبتاً آزاد هستند. ۱۶۸ علاوه بر آن، تلفیق انتقال تکنولوژی با سرمایه گذاری در روبنای جمعیت های محلی به این مفهوم است که زارعین احساس می نمایند که آنها تحت فشار قرار دارند تا نارضایتی خویشرا در مورد تکنولوژی ایکه به آنها انتقال داده

خصوصاً در حالاتیکه مشوره های جامع درین رابطه در مناطقی صورت گیرد که اقلیم آن متشکل از اقلیم های کوچک و مختلف باشد. زارعین نمیدانند که تخم بذری چگونه و یا در کجا آزمایش گردیده است. سروی ها نشان داده اند که زارعین ضرورت کیفیت بلند تخم بذری و دسترسی به جنس های جدید را درک می نمایند. ۱۶۶ در حالاتیکه جنس های نامناسب تخم بذری توزیع گردیده باشد و یا اینکه مؤسسات در قسمت سازگاری تخم بذری با شرایط اقلیم های متعدد و مختلف در یک منطقه از خود ظرفیت و تعهد لازم نشان نداده باشند، زارعین خشم خویشرا با صدای بلند ابراز می نمایند.

از طرف دیگر، چندین مؤسسه که با آنها مصاحبه صورت گرفته است در حالیکه به ناکامی جنس های معین تخم بذری توزیع شده اعتراف می نمایند، به این نظر اند که مؤلدیت تخم های بذری زارعین تا این حد نزول نموده است که در واقع هر اقدام در زمینه بهبود اوضاع شمرده خواهد شد. این امر خصوصاً در دره های منزوی مهم تلقی میگردد، زیرا در چنین محلات صرف تخم های محلی پرورش داده میشوند و دسترسی به تخم های بذری تجارتنی نسبتاً محدود میباشد. اینکها تا چه حدی کیفیت تخم های بذری خراب گردیده است، اختلاف نظر وجود دارد. سروی های وسیع سازمان غذا و زراعت (FAO) به این نتیجه رسیده اند که ۵۴ فیصد گندم از تخم هائی تولید میگردد که سازمان غذا و زراعت (FAO) طی ۱۰ سال گذشته عرضه نموده است. ۱۶۷

برخی مؤسسات در اشکال خیلی سریع توزیع تخم بذری مصروف گردیده اند. آنها به یک ساحه می آیند، تخم بذری را بصورت مجانی توزیع نموده و دوباره عودت می نمایند. این روش کاملاً غیر مسئولانه بر مبنای شیوه انتقال تکنولوژی استوار میباشد. هر گاه قبول گردد که دانشمندان از همه بهتر میدانند، اطلاع گیری مکرر و حسابدهی از بالا به پائین به زارعین لازمی شمرده نمی شود. حتی در پروگرام های بهتر، دادن فرصت محدود برای زارعین جهت مشاهده و ملاحظه مناسب بودن تکنولوژی ها قبل از کشت، حسابدهی محدود آنانی را که در زمینه مساعدت می نمایند، تبارز میدهد. اکثر مؤسسات تعمیل کننده در واقع هیچگونه فند هائیرا برای انجام تحقیق اختصاص

۱۶۶ سازمان غذا و زراعت (FAO)، "نتایج ارزیابی پروگرام اضطراری توزیع مواد و لوازم زراعتی در خزان ۲۰۰۲".

۱۶۷ بطور مقایسه در پنجاب هند میزان سالانه تعویض تخم بذری ۸ - ۱۰ فیصد است و این بدان مفهوم است که افغانستان درین زمینه از یکی از سیستم های خیلی تجارتنی در آسیا بصورت دراماتیک عقب نمانده است.

۱۶۸ مارتینس، بی؛ ممیرت، یو؛ مریل، پی و سی برایت، پی، اقتصاد ساختاری کمک خارجی. کامبریج: مطبعه پوهنتون کامبریج، ۲۰۰۲.

واضح نیستند، ولی بر ترکیب مسایل ذیل متمرکز میباشند:

- افزایش مصئونیت غذائی از طریق حاصلات بیشتر غله جات؛
- افزایش عواید از طریق بهبود کیفیت و تولید کمی محصولات تجارتي بوقت و زمان آن؛
- کاهش تولید تریاک از طریق آگاهی بیشتر زارعین از تولیدات متبادل و کفایت آنها؛
- سرمایه گذاری در اقتصاد قانونی ملی از طریق افزایش عواید مالیات بر صادرات زراعتی و یا اتکای ملی به خویش؛
- افزایش تساوی از طریق حمایت از زنان، طبقه فقیر و گروه های آسیب پذیر جهت بهبود عواید و استقلال اقتصادی آنها.

اولویت های سرمایه گذاری باید در مقایسه با این اهداف مختلف ارزیابی گردد. نظر به انتخاب مدل ها، برخی از این اهداف حصول خواهد گردید، ولی نه همه آنها. بنا بر همین علت این امر مهم است تا از ترکیب و تلفیق این اهداف مختلف اجتناب گردد و درک گردد که باید یکی را بحساب دیگری معاوضه نمود. معاوضه در اهداف انکشاف زراعت عموماً شفاف نیست و علت آن عدم اعتراف به این امر است که ساختار هائی که ایجاد گردیده اند دارای پیامد های مهم و متوالی ناشی از مصارف گزاف میباشند. بگونه مثال، انکشاف زراعت توسط منجمنت و اداره جدید دولتی که دارای ساختار های کوچک، مؤثر و مبتنی بر مارکیت میباشند و در پلان انکشاف ملی پیشنهاد گردیده اند، ممکن است در نهایت امر منتج به چنان سیستمی گردد که در جهت رشد ملی تسهیلات فراهم نماید. ولی این ساختار ها خود را مکلف به انکشاف مساوات نمیدانند، زیرا انکشاف زراعت برای مؤلدين منزوی و دور افتاده و زنان ایجاب کارکنان بیشتری را می نماید و در بسیاری موارد تأثیر بزرگ بر مصارف خانوار ها خواهد داشت، نه بر جلب و شمولیت آنها در مارکیت. تمرکز توجه بر زنان و یا طبقه فقیر در دهات اهداف مهم اجتماعی را تحقق خواهد بخشید، ولی احتمالاً بصورت مستقیم نتیجه مثبت بر سرمایه گذاری نخواهد داشت. پلان ها و گزارشات مشتمل بر نکاتی در مورد هدف گیری افراد آسیب پذیر و ضرورت کار با زارعین "مترقی" میباشند که زمین، نیروی کار و سرمایه جهت سرمایه گذاری در تکنالوژی های جدید را در اختیار دارند. گروه

شده است پنهان نگهدارند تا مؤسسات امدادی حامی خویشرا از خود آزوده ن سازند و دسترسی به سرمایه گذاری های بزرگ در دیگر سکتور ها را با خطر مواجه ن سازند. در اکثر پروگرام های امدادی جاری حسابدهی اساسی مامورین انکشاف زراعت ضعیف است.

این انتقادات صرف مربوط به طرز انتقال تکنالوژی است، نه مربوط به ضرورت وسیعتر انکشاف یک سیستم دینامیک که توسط آن زارعین میتوانند با تکنالوژی های جدید معرفت و دسترسی حاصل نمایند. تکنالوژی های موجود جهت بقای ابرومندانانه اهالی کافی نیستند (حتی در صورتیکه شیوه های دیگر معیشت با آن متمم گردد). چنان پروگرام های ترویج تکنالوژی جدید وجود دارند که بگمان اغلب راه طولیی را در پیشرو دارند تا نحوه امرار معاش زارعین را تقویت نموده و به آنها کمک نماید تا از فرصت های مارکیت بهره گیرند. سوال اینست که چگونه میتوان انتقال تکنالوژی را به شیوه اخلاقی انکشاف داد که در آن حقوق زارعین در نظر گرفته شوند و حین ارائه تکنالوژی انکشاف یافته آنها بدانند که در چه چیزی ذیدخل میگردند.

تحقیقات و انکشاف بیشتر " ما را بکدام جهت هدایت می نماید؟

اکثراً گفته می شود که افغانستان به " تحقیقات و انکشاف بیشتر" ضرورت دارد. در یکی از مطالعات معیشت ها، مردم قریه از فارم های مختلف آموزشی منحصی سه اولویت نخست در پروگرام های انکشافی زراعت نام بردند. ۱۶۹ گزارش های دیگر نیز بر ضرورت توسعه فعالیت های آموزشی تأکید می نمایند. ۱۷۰ صرف نظر از این فراخوان ها برای آموزش بیشتر، در برخی حالات واضح نیست که اهداف نهائی فعالیت های تحقیق و آموزش چه خواهند بود و یا اینکه مدل های مختلف ارائه شده چگونه در جهت دستیابی به این اهداف ممد واقع خواهند گردید. تحقیق و آموزش بذات خود هدف شمرده نمی شوند. ارزش تحقیق و آموزش صرف در ارتباط با آن اهداف نهائی ارزیابی گردیده می تواند که تحقیق و آموزش در جهت تحقق شان مساعدت می نماید. اهداف تحقیق و آموزش بیشتر اکثراً در پروگرام های جاری

۱۶۹ سیمپل.

۱۷۰ کمیته دنامارک برای کمک به مهاجرین افغان. (DACCAR)

چوکات شماره ۸ : آیا احیای زراعت مطابق پلان نیست؟

“پروژه های فورمولبندی پالیسی و آجندای بازسازی در تمام سطوح تا حد زیادی بر مبنای گزارشات در مورد افغانستان صورت میگیرند و این گزارشات ضرورت به تدقیق ندارند، زیرا واضح است که جامعه و روینا ویران گردیده اند. آنها تنوع منطوقی را در افغانستان، خصلت دینامیک اقتصاد جنگی، شیوه های مورد استفاده خانوار ها و تداوم عناصر اساسی جنگ را در نظر نمی گیرند. احیای احتمالی تولیدات زراعتی در سال جاری به سطح تخمینی ۷۵ فیصد احتیاجات ملی غله، فرضیه هائی را که در مورد روینای ویران در دهات، سقوط مارکیت ها، فقدان تخم بذری، عدم دسترسی به وسایل زراعتی و غیره صورت گرفته اند مورد چالش قرار میدهد. در حالیکه پروگرام های بشری سهم خویشرا ایفا نموده اند، خانوار ها بدون حمایت پروگرام های امداد دست آورد های زیادی داشته اند.”^{۱۷۱}

یک عنوان معمول گزارشات در اوایل سال ۲۰۰۲ چنین است: “بکمک گروپ (کنسورتیوم علمی) کشور میتواند در ظرف ۵ سال ضروریات اساسی مواد غذایی را تأمین نماید.”^{۱۷۲} یک ماموریت مهم نمایندگان مراجع کمک دهنده در سال ۲۰۰۲ پیشنهاد نمود که “یک شاخص میان مدت این خواهد بود که در مدت پنج سال به سطح تولیدات سال ۱۹۹۲ بازگشت صورت گیرد...^{۱۷۳} چنین عناوین منعکس کننده تداوم بحرانی است که در تفکرات انکشاف زراعت پس از سال ۲۰۰۱ وجود داشته است. تخمین میگردید که تولیدات غله در افغانستان در سال ۲۰۰۳ بزرگترین رقم درج شده باشد.^{۱۷۴} حتی محصولات دیگر مانند کچالو و خربوزه فوق العاده موفق بوده اند. زراعت افغانستان به چنان زودی بهبود یافت که حد اقل بدون کمک های عظیم خارجی توقع آن نمیرفت. اهمیتی که به پروگرام های امداد داده شد تحرک استعداد فوق العاده در میان دهاقین افغان را نادیده گرفت (که شرایط مطلوب اقلیمی نیز با آن همراه است).

مهم است تا تذکر گردد که جهندگی زارعین افغان چیزی است که قبلاً درین اواخر مشاهده شده بود (ولی ظاهراً بزودی فراموش گردید). بهبود قابل ملاحظه تولیدات در اواخر سالهای ۱۹۹۰ در دوران طالبان صورت گرفت، ولی خشکسالی به آن مجال نداد. مطالعات نشان میدهند که حتی باغهای میوه و چارمغز که تصور عامه چنین است که در سالهای جنگ به تدریج ویران گردیده اند، در واقع نسبتاً جوان هستند که ۵۸ فیصد آنها طی ده سال گذشته غرس گردیده اند.^{۱۷۵} واضح ترین نتیجه گیری این تجربه اینست که ما از جهندگی زراعت در افغانستان واقف نیستیم. پیشبینی خسارات آسان تر است نسبت به درک اینکه چگونه مردم باهم یکجا مناطق خویشرا ترک میگویند و دارائی های مختلف خویشرا انتقال میدهند تا پس از بحران دوباره زندگی شانرا رونق بخشند.

های مورد هدف در رابطه با ضروریات شان و یا در رابطه با ظرفیت های شان بندرت مشخص میگردند.

انکشافی.^{۱۷۶} ساختار های عمودی تا کنون نیز رسماً وجود دارند که نظر به آن تمام حسابدهی پروگرام های انکشاف زراعت به بالا به کابل صورت میگیرد. بصورت غیر رسمی، احتمال دارد که کارکنان ریاست های زراعت در ولسوالی ها و ولایات در عمل اکثراً متوجه نگرانی ها و فرصت های محلی باشند تا فند های پروژه ها را بدست آورند. از نگاه رسمی اینکار ترغیب نمیکرد.

در گذشته و تا حدی حتی امروز، چنان تصور میگردید که در صورتی میتوان به بهترین وجه به این اهداف دست یافت که تصمیم گرفته شود که چه کار هائی را باید انجام داد و به مامورین انکشاف زراعت چه هدایاتی داده شوند. سیستم انکشاف زراعت قبل از جنگ بشکل عمودی عمل میکرد و هیچگونه چینل هائی برای انتقال نظریات دهاقین در مورد تکنالوژی های جدید به مقر مرکزی در کابل وجود نداشت. اکثراً به کارکنان وظایف غیر مشورتی داده می شد مانند فروش و یا توزیع مواد و وسایل و تطبیق پروژه های امدادی و

ناظرین خارج از حکومت بصورت عموم فکر می نمایند که کارکنان حکومتی انکشاف زراعت غیر فعال اند. مامورین انکشاف زراعت خود اکثراً اعتراف می نمایند که بنا بر عدم موجودیت منابع و امکانات، آنها کار اندکی را انجام داده اند. در حال حاضر، در واقع تمام پروژه های

۱۷۱ کامپینار، صفحه ۶.

۱۷۲ حاصلات آینده. “کنسورتیوم علمی جهت احیای زراعت افغانستان.” درین آدرس قابل دریافت است. ۲۰۰۲. www.futureharvest.org/news/afghanistan.shtml. عدم باور به جهندگی زراعت در افغانستان همکالی نبود. تنوار می نویسد که “افغانستان میتواند از لحاظ تولید غله بزودی خودکفا گردد.... ما نباید در مورد سرعتی که کشور به مصنویت غذایی دست یابد يك روش نامعلوم اختیار نمایم.” (تنوار، ۲۰۰۲).

۱۷۳ بانک انکشاف آسیائی.

۱۷۴ فاور، مساعدت به کمک غذایی. FEWS Net

۱۷۵ سازمان غذا و زراعت (FAO)، افغانستان: سروی سکتور باعداری.

۱۷۶ خان.

انکشاف زراعت توسط کارکنان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) پیشبرده می شوند. انکشاف زراعت شامل انواع وسیع فعالیت ها میگردد. یک مؤسسه دارای کارکنانی است که مواد کیمیاوی زراعتی را مستقیماً در مزارع دهاقین بکار می برند.^{۱۷۷} برخی تلاش های انکشاف زراعت دارای جنبه های خیلی محدود انکشاف میباشند. در یکی از پروگرام های طویل المدت که از آن بازدید بعمل آمد، چندین فارم چشمگیر نمایشی با مصارف گزاف تأسیس گردیده بودند. طی سالها اقدامات اندکی صورت گرفته بود تا زارعین ازین فارم ها بازدید نمایند و از آنها بیاموزند. بر پذیرش و گسترش تکنالوژی هائیکه برای زارعین داده شده اند به ندرت نظارت صورت میگیرد. به استثنای یک سروی اساسی سازمان غذا و زراعت (FAO)،^{۱۷۸} سرمایه گذاری اندکی صورت گرفته است تا عکس العمل های زارعین به تکنالوژی های جدید ارزیابی گردد و درک گردد که آیا این تکنالوژی ها مناسب ثابت گردیده اند و یا خیر.

روابط میان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) و خدمات دولتی انکشاف زراعت را میتوان به سه بخش طبقه بندی نمود:

- روابط همگرایی: معمولاً در حالاتی میباشد که کارکنان حکومتی از طریق تأمینات ترانسپورتی، جیب خرچ های کار در ساحه، معاشات و غیره در کار های مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) تا چنان حد ذیدخل باشند که در واقع بتوان آنانرا درین پروسه کاملاً مدغم دانست.^{۱۸۱}



تصویران کرسپاتو

صرف نظر ازینکه در پلان انکشاف ملی چنان حکومت در نظر گرفته شده است که تا حد امکان ارائه مستقیم خدمات را بعهدہ نگیرد، با آنهم خصوصی سازی خدمات انکشاف زراعت از جانب حکومت و یا مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) مورد غور قرار نگرفته است. انتخاب استفاده از منابع امدادی جهت استخدام مشاورین قراردادی انکشاف زراعت^{۱۸۱} مورد غور قرار نگرفته است. تا زمانیکه سطح بلند فند های مراجع کمک دهنده در دسترس اند، این گرایش وجود دارد که مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) خود شان کارکنان بیشتر انکشاف زراعت را استخدام نمایند، بدون این ملاحظات که چگونه سیستم دانش و اطلاعات باید انکشاف داده شود. انکشاف زراعت در افغانستان معمولاً از طریق قرار داد خدمات با مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) صورت میگیرد، ولی این مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) علاقمند نیستند تا در جهت ظهور چنان سیستم رقابتی کار نمایند که در آن زمینه برای شفافیت، نظارت، مقایسه مصارف و کنترل کیفیت وجود داشته باشد. این بدان مفهوم نیست که تجارتی ساختن و

۱۷۷ سولیداریتی، ۲۰۰۳.

۱۷۸ سازمان غذا و زراعت (FAO)، "نتایج ارزیابی پروگرام توزیع اضطراری مواد و وسایل زراعتی سازمان غذا و زراعت (FAO) در خزان سال ۲۰۰۲."

۱۷۹ بسیاری مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) که خدمات انکشاف زراعت را ارائه می نمایند، میتوانند منحیث بیزنیس های خصوصی تلقی کردند.

۱۸۰ بطور مثال به گروه نیو چاتل مراجعه گردد. پلان مشترک در مورد تمویل انکشاف زراعت و دهات، که درین آدرس قابل دریافت است. ۲۰۰۲. www.neuchatelinitiative.net

چگونه میتوانند ادامه یابند. برخی گزارشات ایجاد میتود های بدیع ولی نسبتاً متراکم و پر مصرف را توصیه می نمایند مانند کورس های آموزشی برای زارعین در مزارع، ۱۸۲ بدون تذکر اینکه مصارف متوالی آن چگونه تمویل خواهند شد.

با در نظر داشت عمومیت پروگرام های توزیع تخم بذری، جای تعجب نیست که انکشاف زراعت تا حد زیادی چنان فعالیتی است که ناخواسته به پروگرام های تخم بذری کشانیده میشود. برخی مؤسسات توزیع تخم بذری سببایدی شده را منحصیث یک انگیزه تلقی می نمایند تا زارعین تشویق گردند که از مشوره های پروگرام های انکشاف زراعت پیروی نمایند. زارعین بخاطر این مشوره ها پول نمی پردازند، ولی لازم است تا انگیزه های مشوق برایشان مهیا گردد تا آنان مشوره را

بپذیرند. فرضیه اساسی حمایت اینست که انکشاف زراعت بیشتر در مورد ارتقای سطح آگاهی میباشد، نسبت به اینکه به زارعین

خدمتگذاری صورت گیرد. تا زمانی که خدمات انکشاف زراعت خود را خدمتگذار زراعین تلقی می نماید، گمان نمیرود که روش های مبتنی بر تقاضا که زارعین را منحصیث مشتریان می شمردند میان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) و یا حکومت متداول گردند.

با در نظر داشت ضرورت اشاعه، نظارت و تفتیش هر نوع پروگرام های ترویج تکنالوژی جدید و انکشاف باکیفیت زراعت باید پیوند نیرومند با تحقیق داشته باشد. در اکثر بخش ها مسئله ارتباط تحقیق با انکشاف زراعت در افغانستان صرف یک اندیشه بوده و در بسیاری موارد بکلی نادیده گرفته شده است. هر چند برخی تجربه های قابل توجه و مثبت وجود دارند. افغانستان از طریق کار کنسورتیوم حاصلات آینده و سازمان غذا و زراعت (FAO) یک مودل سرمایه گذاری اولیه در ایجاد مجدد روبنای تحقیقاتی با استفاده از فند های اضطراری بود. با همکاری مرکز بین المللی برای تحقیقات زراعتی در ساحات خشک (ICARDA) منحصیث سازمان همکار اساسی، مؤسسات

• تلاش برای همکاری ولی عدم حصول موافقت: بنا بر تفاوت ها در اولویت ها، حسادت بر سطح منابع و امکانات و علل دیگر.

• عدم همکاری: بنا بر اولویت پائین که از جانب مؤسسه غیر حکومتی (NGO) به انکشاف ساختاری حکومتی داده شده است و همچنان عدم موجودیت کامل کارکنان حکومتی انکشاف زراعت در ساحات عملیات و یا بنا بر علل دیگر، هیچ تلاشی جهت کار با ساختار های حکومتی صورت نگرفته است.

ثبات مالی خدمات حکومتی انکشاف زراعت موضوعی برای مباحثات فعال نیست. حکومت درک می نماید که قبلاً بهترین کارکنان را بعلت معاشات کم به مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) از دست داده است، ولی یگانه راه حل اینست که پول بیشتر از کابل دریافت گردد تا معاشات بلند تر پرداخت گردیده و کارکنان بیشتر استخدام گردند. مودل های انکشاف زراعت که توسط مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) پیشبرده می شوند، پر مصرف بوده و در واقع هیچ توجه به پلانگذاری این مسئله صورت نگرفته است که چینی که تمویل آنها توسط پروگرام های امدادی کاهش یابد، چنین عملیات

۱۸۱ تجربه تطبیق مودل های منجمت و اداره جدید دولتی در خدمات انکشاف زراعت اکثرآ نشان داده است که هر چند هدف اولیه این بوده است تا ارائه این خدمات قرارداد کردند، ولی سکتور قبلی اداره دولتی هنوز موجود میباشد (هر چند که دارای بودجه برای فعالیت نمیشد). بدین ترتیب سکتور خصوصی با کارکنان ورزیده نمی تواند که بصورت اتوماتیک از فرصت های تجاری میسر استفاده نماید. در عوض، مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) در اکثر موارد قرارداد های خدمات انکشاف زراعت را بدست می آورند و آنها به نوبه خویش این خدمات را با کارکنان حکومتی انکشاف زراعت در ساحه قرارداد می نمایند. این امر میتواند در مقیاس محدود در ابتکار مؤفقانه همکاری میان حکومت و مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) در افغانستان مشاهده کرد که در آن مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) به کارکنان حکومتی انکشاف زراعت که در ارائه خدمات انکشاف زراعت سهم میگیرند معاش تشویقی می پردازند.

۱۸۲ سازمان غذا و زراعت (FAO)، افغانستان: سروی سکتور باغداری.

کارکنان آینده انکشاف زراعت مرتبط نگردیده اند. در سطح بین المللی دست اندرکاران انکشاف بصورت فزاینده درک می نمایند که کدام مدل واحد و درست برای تحقیق و انکشاف زراعت وجود ندارد. در عوض، این درک وجود دارد که ممکن است یک روش دوجانبه لازم باشد تا این امکان میسر گردد که در محلاتیکه به مارکیت ها دسترسی دارند انتخاب های متعلق به پوتانسیل های بلند برای رشد تعقیب کردند و در ساحاتیکه در حاشیه قرار گرفته اند به کمک های دارای خطر کمتر در سطح حد اقل گذران اولویت داده شود. این طبقه بندی هم برای تحقیق^{۱۸۴} و هم برای انکشاف زراعت^{۱۸۵} مدار اعتبار میبشد. نتیجه گیری مرکزی ارزیابی های بین المللی اینست که سکتور ادارات دولتی به تنهایی نمیتواند که خدمات انکشاف زراعت را آطوریکه لازم است تمویل نماید، چه رسد به انجام این خدمات. در بسیاری کشور ها، خدمات انکشاف زراعت در ساحاتیکه به مارکیت ها دسترسی دارند خصوصی میگردد. اینکار ممکن است موجب انتقال منابع به ساحات دور افتاده گردد که اکثریت فقرای دهاتی در آن بسر میبرند. برخی کشور ها اعتراف نموده اند که سبسایدی ها بشکل انکشاف زراعت از جانب دولت و دیگر کمک ها به تولیدات زراعتی درین ساحات دور افتاده قابل توجهی اند تا از بدبختی ها و آشوب های اجتماعی جلوگیری گردد که در نهایت امر دارای عواقب گران تر مالی و بشری نسبت به مصارف خدمات ارائه شده میباشند. ساحات منزوی تر دارای روبنای فقیر بوده (که مشخصه بخش بزرگ افغانستان است) دسترسی اندکی به مارکیت های تجارتی دارند و همچنان بعلت مصارف گزاف انتقال مواد غذائی وارداتی به مستهلکین محلی، از استفاده از واردات ارزان محروم اند. عرضه خدمات برای ساحات منزوی ممکن است مستلزم تأکید بر سطح حد اقل گذران باشد و آجندای رشد به نفع فقراً به ساحات دارای امکانات بهتر دسترسی به مارکیت واگذاشته شود. فعال ساختن چنین ساختار دوجانبه تحقیق و انکشاف زراعت بر نگرش وسیع بر نقش دولت در انکشاف زراعت استوار میبشد که این نقش تنوع ضرورت ها و منابع موجود در هر کشور را در نظر میگیرد. این امر همچنان مستلزم پذیرش عملی ضرورت تعیین اولویت ها در مورد استفاده از منابع محدود میبشد، حتی اگر چنین اولویت ها شامل انتخاب طرق دردناک نیز باشد.

تحقیقاتی دولتی بسرعت احیاً گردیدند و یک ساختار کوچک ولی مهم ایجاد گردید تا توجه را بسوی ضرورت تفتیش آزمایشات و دیگر تحقیقات مربوط به معرفی جنس های جدید نباتات جلب نماید. این تلاش ها کافی نبودند تا بصورت کامل از توریید و توزیع تخم های بذری نامناسب جلوگیری نمایند، ولی این زمینه را میسر نمودند که ضرورت تحقیق و تفتیش کاملاً از آجندا حذف نگردد.

تجربه توریید تخم های بذری نامناسب در سالهای اخیر نشان داده است که افغانستان واضحاً به چنان ظرفیت ضرورت دارد که جنس های جدید تخم های بذری را تصنیف نماید و برای اینکار یک اداره وجود دارد که تخصص آن در انکشاف چنین ظرفیت تصنیف شهرت دارد (مرکز بین المللی برای تحقیقات زراعتی در ساحات خشک) (ICARDA)، ولی پس از کمک اولیه به تحقیقات در اعطای فند برای فعالیت های اصلی تحقیق و تفتیش رکود واقع گردید. فقدان هممنظری میان کمک دهندگان و حکومت در رابطه با ساختار سیستم آینده تحقیق و انکشاف زراعت و فشار جهت حصول نتایج سریع موجب گردید که کمک مرکز بین المللی برای تحقیقات زراعتی در ساحات خشک (ICARDA) بتدریج بسوی نمایشات و تأسیس واحد های تولید تخم بذری میلان یابد. در جستجو برای همکاران اجرای پروژه ها، برتری مقایسوی مرکز بین المللی برای تحقیقات زراعتی در ساحات خشک (ICARDA) منحصراً یک نهاد تحقیقاتی از نظر انداخته شد. نگرانی دیگر در "عاریت گیری" ظرفیت های محدود تحقیقاتی جهت کمک به پروگرام های توزیع تخم های بذری اینست که اینکار میتواند موجب گردد که به ضرورت توجهی تحقیقات بسوی محصولات دارای پوتانسیل خوب اقتصادی توجه لازم صورت نگیرد. بطور مثال، با وجودیکه گمان نمیرود که تولیدات غله جات در زمینداری های کوچک در طویل المدت قابلیت رقابت را داشته باشند، ۷۱ فیصد فارم های تحقیقاتی برای غله جات و در وهله اول برای گندم مورد استفاده قرار دارند.^{۱۸۳}

در مجموع، تلاش های انکشاف زراعت در حال حاضر بحد کافی با تلاش ها در جهت درک معیشت های زارعین و یا حتی معیشت های

۱۸۳ ایبید.

۱۸۴ بیبرلی و الکس.

۱۸۵ کریستوپولوس، آی، پلان مشترک برای حمایت از انکشاف زراعت به نفع فقراً. لینداو: کروب نیوجاتل، ۲۰۰۲. LBL درین آدرس قابل دریافت است. www.neuchatelinitiative.net

الترناتیف های سکتور خصوصی در تناسب با سکتور دولتی تأمین خدمات

خدمات ترانسپورتی را بفروش برسانند.^{۱۸۷} علایم اندکی وجود دارند که نشان دهند که حکومت و یا اکثر مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) نظریات خویشرا در مورد زارعین تغییر داده باشند و آنان را نه منحیت کسانیکه از خدمات زراعتی بهره میبرند، بلکه منحیت مشتریان بالقوه تلقی نمایند.

در نظر است تا از طریق پروگرام احیای مارکیت های زراعتی در افغانستان (RAMP) کمک هائی به دستگاه های پروسس مواد غذایی مبذول گردند تا از تشبثات نو بنیاد حمایت صورت گیرد. بزرگترین معاملات با سکتور خصوصی در بخش تولید تخم های بذری است که در آن علیرغم برخی موانع در جهت جستجوی روابط باثبات مارکیتی در مرحله اضطراری، دو باره به مسئله معامله با زارعین نه منحیت بهره گیرندگان بلکه مشتریان، توجه جدی بعمل می آید. طرز تفکر در میان سازمان غذا و زراعت (FAO) نشان میدهد که یک سیستم باثبات تجارتي تخم های بذری مستلزم توجه خیلی بیشتر به این مسئله خواهد بود که چگونه میتوان محصولات را بصورت فعالانه عرضه نمود و همچنان مستلزم این درک خواهد بود که بنا بر تفاوت کوچک میان قیمت های تخم بذری و غله جات، گمان نمیرود که تخم بذری گندم اساس با ثبات تجارتي را برای تشبثات تخم های بذری فراهم نماید. محصولات دارای ارزش بلند تر مانند تخم های بذری سبزیجات باید بخشی از یک شیوه نهائی بازار یابی باشد. ولی باید تأکید نمود که هر چند سازمان غذا و زراعت (FAO) این نظریات را با همردیفان خویش در وزارت زراعت و مالداري در سطح مرکزی مورد بحث قرار میدهند، تشبثات تخم بذری و مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) مطابق به شاخص های حکومت و وعده های کمک دهندگان در مورد خرید آن، به تعیین شاخص های تولید تخم بذری ادامه میدهند و به این امر توجه کمتری دارند که آیا زارعین میخواهند که تخم های بذری تولید شده را بخرند و یا خیر. نتیجه این بوده است که صرف نصف تخم های بذری ایکه توسط مؤسسات اجراکننده و همکار سازمان غذا و زراعت (FAO) تولید شده است به زارعین بفروش رسانیده شده است. تغییر در تیوری یقیناً ضروری است، ولی ظرفیت سازمان غذا و زراعت (FAO) جهت ارتقای سطح آگاهی مؤسسات اجراکننده همکار در مورد واقعیت های مارکیت رو به تقلیل میروند، زیرا ظرفیت خود سازمان غذا و زراعت در جهت کار در سطح مزارع کاهش می یابد.^{۱۸۸}

حتی در ساحات غیر از انکشاف زراعت، حمایت از انکشاف سکتور خصوصی منحیت یک الترناتیف به عرضه خدمات توسط دولت در مرحله ابتدائی قرار دارد. طرز تفکر مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) که در فعالیت های زراعتی مسلط است خیلی مشابه به تیوری دولت میباشد. هر دو طرز تفکر معطوف بر فعالیت های تأمیناتی میباشد، نه جلب مشتریان. آنها فاقد میکانیزم های حسابدھی و یا عناصر رقابت میباشد. تعیین ارزش، ارزیابی ها و پلان های اندکی وجود دارند تا نتایج پروگرام ها بر انکشاف سکتور خصوصی ارزیابی گردد.^{۱۸۶} در گذشته، خصلت کمک های بشری از چندین نگاه چنین روش را مؤجه میساخت. امروز این اختلاف تیوریک در تباین شدید با اهداف اعلام شده پلان انکشاف ملی قرار دارد. خطر پروگرام های مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) که عرضه کنندگان خدمات خصوصی را از عرصه بیرون نگهداشته اند و یا خطر کمک های بیش از حد سخاوتمندانه به مؤسسات اجراکننده معین بصورت عام نادیده گرفته شده است، حالانکه چنین وضع موجب اختلال در ایجاد زمینه های مساوی فعالیت برای تشبثات تجارتي میگردد. حتی در حالتیکه به سکتور خصوصی اولویت داده شده است، تمایل بسوی تبارز نتایج سریع موجب میگردد تا قرضه های گزاف با شرایط خیلی سهل به متشبینی داده شود که مسئولین امداد را در حلقات روابط خویش داخل نموده اند.

عدم اعتماد در رابطه با سکتور خصوصی ازین عقیده نشئت مینماید که زراعت بنیاد معیشت های دهاتی میباشد و همچنان ازین نگرانی (که از چندین نگاه مؤجه میباشد) نشئت مینماید که مسئولیت به چنان بازیگران خصوصی واگذار میگردد که در مورد شان آگاهی اندکی وجود دارد و بنا بر آن اعمال شان قابل پیشبینی نیست. نیرومندی سکتور خصوصی در کاهش فقر از طریق تجارتي ساختن و خدمات پروسس باید ازین نقطه نظر منشأ گیرد که فقرا منحیت مشتریان فعالیت های تجارتي تلقی گردند، زیرا این فعالیت ها کوشش می نمایند که خدماتی از قبیل سیستم های آبریز آبیاری، انبار های نگهداری حاصلات و

۱۸۶ يك از استثنائات مهم کامپینار، ۲۰۰۲ میباشد.

۱۸۷ هیبرلی، یو، کاهش فقر منحیت يك فعالیت تجارتي: روش ایجاد مارکیت جهت انکشاف. بن: اداره سویس برای انکشاف و همکاري. ۲۰۰۰.

۱۸۸ سازمان غذا و زراعت (FAO) دارای يك سیستم دفاتر در سطح مزرعه میباشد، ولی تقریباً همه آنها با فند های اضطراری نگهداشته میشوند. موجودیت آنها اکنون بعلت قطع فند های اضطراری با تهدید مسدود شدن مواجه است.

حاکمیت متفاوت قانون در ساحات دهاتی، تجار پشتون در حال حاضر خود را مصئون احساس نمی‌نمایند.^{۱۹۰} آنها مصارف ناشی از عدم مصئونیت خویشرا بر معاملات می افزایند و بدین ترتیب در خدمات دهاتی در بسیاری ساحات منزوی خلأ ایجاد می‌گردد. تا زمانیکه قوماندانان محلی و منطقوی^{۱۹۱} قادر باشند که از قدرت خویش به نفع قبیله، خانواده و وابستگان خویش استفاده نمایند، سرمایه گذاری های مجدد توسط شمار بزرگ پشتون های متمدن ساکن خارج مقدور نیست.

تجدید نظر بر نقش دولت

پلان انکشاف ملی بصورت عموم و پالیسی زراعتی بصورت خاص مشخص نمی نمایند که دولت در کدام حالت و چگونه باید در تأمین خدمات عام المنفعه دخالت نماید. تأکید هر روش اداره جدید عامه بر اهمیت این نکته است که مشخص گردد که بازار آزاد در کدام موارد سرمایه گذاری نینماید و چگونه میتوان تضمین نمود که منابع (عمدتاً وجوه مالی نسبتاً سخاوتمندانه امداد) برای این کار های عام المنفعه در دسترس اند. کید و دوروارد خاطر نشان میسازند که توافق نظر در واشنگتن^{۱۹۲} که موجب ایجاد پالیسی های منجمت و اداره جدید دولتی در تمام جهان گردیده است نتوانسته است که یک اساس منطقی را جهت تعیین این امر مهیا نمایند که چگونه سرمایه گذاری ها را در امور عام المنفعه زراعتی اولویت دهند.^{۱۹۲}

ساحات مشخصی خصوصاً در رابطه با تربیه مواشی وجود دارند که در آن نمیتوان بعوض دولت جایگزین دیگری وجود ندارد. بسیاری اشکال خدمات وترنری بصورت بالقوه قابلیت خصوصی شدن را دارند (به چوکات شماره ۹ مراجعه گردد)، ولی کنترل امراض وبائی و تضمین کیفیت ادویه و واکسین ها، قرنطین، کنترل سرحدات و معیار های بهداشتی وابسته با گیاهان (phytosanitary standards) همه امور عام المنفعه و مربوط به دولت اند. سقوط چنین خدمات قبلاً در افغانستان محسوس گردیده است. توریید گاو های آبی از پاکستان موجب شیوع مرض گاو مرگی شده است.

مباحثات غیر رسمی چنان گرایش را در میان بسیاری ناظرین نشان میدهد که چنان فرض نمایند که جهت گیری بسوی مارکیست ناچاراً سکتور خصوصی را در جهت تولید تریاک رهنمون خواهد ساخت، زیرا تولید تریاک منفعت بار ترین فرصت فعالیت تجارته است. جستجو برای دریافت الترناتیف ها برای اقتصاد تریاک ممکن است موجب عدم توجه به این واقعیت گردد که بخش عمده وجوه مالی در زراعت به نحوی از انحاء با تجارت تریاک مرتبط میباشد. بناً ممکن است این مسئله در انکشاف سکتور خصوصی مستلزم دریافت طرقی باشد که تنوع را در سرمایه گذاری مجدد منافع تریاک در مشاغل دیگر تشویق نمایند، نه اینکه انکشاف سکتور خصوصی یک عرصه مشخص را پیشنهاد نماید. علایمی وجود دارند که ثروت حاصله از کوکنار تنوع را انکشاف میدهد. در ولایت هلمند که بزرگترین مقدار تریاک در آن تولید میگردد، کشت کوکنار عمدتاً در ولسوالی هائی متمرکز گردیده است که مقدار زمینداری در آنها کوچک و پراکنده بوده و دسترسی به آب تضمین نگردیده است.^{۱۸۹} زارعینی که دارای زمین های بهتری اند اولویت های دیگری جهت سرمایه گذاری دارند. نگرانی ها در خصوص انزوای کشور در فراشیب دولت مافیا با درک اقتصاد سیاسی مطابقت ندارد، خصوصاً در ارتباط با اینکه مافیا چگونه اولویت های سرمایه گذاری را انتخاب مینماید. با تحکیم دولت در افغانستان خطر برای این مافیا افزایش می یابد، بنا بر آن مافیا و زارعینی که برای شان تریاک تأمین می نمایند بگمان اغلب سریعاً سرمایه گذاری هایشان را به مشاغل دیگر انتقال خواهند داد. سوال اساسی که به آن جواب داده نشده اینست که آیا امداد میتواند این پروسه را تسریع بخشد و موجب گردد که آنها تصمیم گیرند که راه های دیگری را در مقابل تولید پر از مخاطره مواد مخدره جستجو نمایند و یا خیر.

علاوه بر آنایکه در اقتصاد تریاک دست دارند، تجار پشتون یک گروه دیگری است که از زمان های سابق نقش عمده ایرا در بازار یابی محصولات زراعتی در سراسر افغانستان ایفا نموده اند. تحکیم و رسمیت دادن به سکتور خصوصی بصورت بنیادی وابسته به اینست که این متشبهین در مورد سطح موجود امنیت برای خود شان و برای سرمایه گذاری های شان چگونه قضاوت مینمایند. بعلت ترس از انتقام و

۱۸۹ مانسفیلد، ۲۰۰۱.

۱۹۰ کروب بین المللی بحران (ICG) افغانستان: مشکل خصومت با پشتون ها. گزارش شماره ۶۲ از آسیا، کروب بین المللی بحران (ICG) اکت ۲۰۰۳.

۱۹۱ ایبید، کروب بین المللی بحران (ICG) خاطر نشان می سازد که تجار پشتون خصوصاً در هرات خود را نامصئون احساس مینمایند، زیرا در آنجا اسمعیل خان علیه پشتون ها از تبعیض کار گرفته و تجارت را شدیداً در انحصار خویش قرار داده است.

۱۹۲ کید، جی و دوروارد، ای، "توافق نظر جدید واشنگتن در مورد زراعت در کشور های فقیر: تحلیل، توصیه ها و خلأ ها: با توجه خاص به پروسه جهانشمول سازی و تمویل مواد و لوازم موسمی برای زراعت." ارزیابی پالیسی انکشاف، ۲۰۰۱: ۱۹ (۴): صفحات ۴۶۷-۴۷۸.

چوکات شماره ۹: خدمات وترنری و ابهام در مورد تأمین خدمات خصوصی

خدمات وترنری در سطح بین المللی مسئله مرکزی در مباحثه در مورد مناسبت و عملی بودن روش های اداره جدید عامه در قسمت تجدید نظر بر نقش حکومت در خدمات زراعتی میباشد. در بخش ایجاد خدمات خصوصی وترنری (خصوصاً برای مواشی بزرگ) موفقیت نسبتاً خوب حاصل گردیده است. مسئله خصوصی ساختن و تجارتي ساختن انکشاف زراعت مشکل تر است. مالداران چنان قشری است که از خشکسالی و جنگ خیلی صدمه دیده است و بنا بر آن به کمک های سبسایدی شده اشد ضرورت دارند. حتی آن خدمات وترنری که وضع کار شان خوب بوده و از نگاه تجارتي دارای ثبات اند، از حالات اضطراری خیلی صدمه دیده اند. در گذشته، خدمات وترنری در افغانستان توسط کارکنان دولت بصورت مجانی تأمین میگرددند. در عمل، پرداخت پول در مقابل ادویه همیشه معمول بوده است.^{۱۹۳} حمایت از خدمات وترنری در مرحله جنگ در تناسب با آجندهای بشري و معیشت، بیشتر با یک آجندهای سیاسی آغاز گردید. این حمایت در ابتدا بر ارائه خدمات برای مرکب های مجاهدین معطوف بود. از آنزمان به بعد مؤسسات مختلف و در قدم اول سازمان غذا و زراعت (FAO) و کمیته هالند برای افغانستان از خدمات وترنری حمایت بعمل آوردند. الی سال ۱۹۹۹ بتدریج ساحه پوشش این پروگرام های مختلف وسیعتر از آنچه گردید که در سال ۱۹۷۹ وجود داشت.^{۱۹۴} درین اواخر فند و همراه با آن سطح پوشش کاهش یافته است. در عین زمان شمار عاملین افزایش یافته است که در آن کمک های قصیرالمدت از جانب مؤسسات غیر حکومتی (NGOs)، نیرو های بین المللی کمک به امنیت و مؤسسات دیگر شامل اند.^{۱۹۵} قوانین درین زمینه واضح نیست و پیشنهادات برای طرح های جدید قانونی همانگونه که در خصوص سایر خدمات زراعتی معمول بوده است، به اثر مباحثات بر سر این مسئله که خدمات وترنری خصلت دولتی داشته باشند و یا اینکه مطابق مودل اداره جدید عامه باشند، با شک و شبهه کمک دهندگان مواجه گردیده اند.

در گذشته توقع میرفت که تجارتي ساختن موجب ثبات شمار زیاد واحد های وترنری در ساحه خواهد گردید.^{۱۹۶} ولی ثابت گردید که این خوشبینی بيمورد بود. مهم است تا تحلیل گردد که چرا این خدمات که دهقین آشکاراً به آن ارزش میدهند در ایجاد سطح بلند تر خود کفائی مشکل داشته اند. کارکنان بخشی از مؤسسات در مقابل پلان های افزایش استقلال واحد های وترنری با سرسختی مقاومت نموده اند.^{۱۹۷} یکی از عوامل اساسی ایکه پروسه تجارتي ساختن را پیچیده میسازد اینست که مؤسسات مختلف که در عرصه وترنری کار مینمایند دارای پالیسی های مختلف در رابطه با سبسایدی ها، معاشات و فیس ها میباشند. شیوه خوب اعطای کمک ها که موجب جلوگیری از چنین گرایشات میگردد، به ندرت به ملاحظه میرسد.^{۱۹۸} ممکن است که معیاری ساختن منحیث قدم اول امر ضروری باشد تا زمینه مساعد جهت ایجاد خدمات وترنری خود کفا در آینده فراهم گردد. ولی این امر کافی نیست. به نظر دهقین، کارمندان عرصه زراعت و جامعه امداد، کنترل کیفیت ارائه خدمات، خصوصاً ادویه جات و واکسین ها پیش شرط انکشاف اعتماد میان مالکین مواشی و وترنر های خصوصی میباشد.^{۱۹۹} هرگاه قرار باشد که سکتور خصوصی درین عرصه رونق یابد، باید ظرفیت دولت در قسمت بعهده گرفتن مسؤلیت هایش مبنی بر تنظیم این خدمات انکشاف داده شود.

های متفاوت از حقوق علفچر و مالکیت بر این ساحات للمی همیشه معمول بوده اند. تشنج میان رمه داران کوچی و مردمان محل موجب انتقام جوئی های خشونت بار گردیده و باعث سهل انگاری در تنظیم و اداره منابع طبیعی گردیده است و این بذات خود انحطاط محیط زیست را ببار آورده است.^{۲۰۰}

همچنان مسایل اساسی در ارتباط با محیط زیست و اداره و منجمنت منابع طبیعی وجود دارند که ممکن است مستلزم دخالت دولت باشند. یکی ازین مسایل حل و فصل اختلافات در مورد استفاده از زمین های چراه گاه برای کشت و یا مالداري میباشد. ساحات وسیع زمین ها طی سالهای متممادی بحیث چراه گاه مورد استفاده بوده اند، ولی هرگاه باران کافی ببارد، ممکن است این زمین ها برای کشت قلبه گردند. تعبیر

۱۹۳ بارکر، تی، جی و مهربان، ای، بی. انکشاف خدمات وترنری در افغانستان ۱۹۸۶-۲۰۰۰. رساله کاری شماره ۲۰۰۰/۱. اسلام آباد: پروگرام انکشافی ملل متحد، ۲۰۰۰. ایبید.
 ۱۹۴ ایبتلتریند.
 ۱۹۵ استورم، کی. خود کفائی واحد های ساحوی: پروگرام واحد مواشی. مطالعه مشورتي برای سازمان غذا و زراعت (FAO). ۷۹۹۱.
 ۱۹۶ ریديک.
 ۱۹۷ به جلسه بین المللی در مورد شیوه خوب اعطای کمک های بشري مراجعه کرد. نتیجه کبری های جلسه: جلسه بین المللی در مورد شیوه خوب اعطای کمک های بشري، ۱۶-۱۷ جون، ۲۰۰۳، ستاکهولم، ۲۰۰۳.
 ۱۹۸ ایبتلتریند، اوستروم.
 ۲۰۰ جانسن، ۲۰۰۰؛ ویلی؛ سوتی؛ سیمپل؛ کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR).

ایکه با منازعه متداوم و فقر توأم میباشد نشان داده است که معجزه اقتصاد مارکیتی بندرت به سراغ طبقه فقیر می آید. علاوه بر آن، زارعین انفرادی ایکه به مشکل میتوانند چند کیلو تخم بذری و یا چند خریطه کود کیمیاوی خریداری نمایند، در معاملات شان چنان مصارفی را متحمل میگردند که نمیتوان آنرا با افزایش سودمندی ممکنه از طریق مارکیت های مؤثر تر جبران نمود. بر عکس، این درک افزایش می یابد که انگیزه تقاضا باید سرمایه گذاری در جامعه مدنی و سازمان های دهقانی باشد. دهاقین صرف از طریق اقدامات مشترک میتوانند که امیدوار باشند که بر ناتوانی شان غلبه نموده و از مزیت تشکل جمعی جهت دسترسی به خدمات بهره گیرند.

روش جامعه امداد در افغانستان در قسمت سرمایه گذاری در جهت افزایش تقاضا به خدمات مبهم میباشد. در واقع هیچ مؤسسه ضرورت ایجاد انگیزه برای تقاضا را مورد سوال قرار نداده است و همچنان سرمایه گذاری های قابل ملاحظه در تقویت ظرفیت سازمان هائیکه ادعای نمایندگی از جمعیت های محلی و زارعین را دارند، صورت گرفته اند. در عین زمان، خصلت تأمیناتی جریان امداد موجب گردیده است که تلاش ها جهت ایجاد ظرفیت در مقایسه با تقاضا نمودن امداد، بیشتر بر ایجاد ظرفیت های جذب امداد متمرکز گردیده اند.

آیا شوراها میتوانند موجب نجات گردند؟

به نظر جامعه امداد (و تا حدی نیز حکومت)، شورا ها ستون اساسی روینای تشکیلاتی جهت حمایت از انکشاف آینده زراعت و دهات میباشند. شورا بمثابه بنیاد احیاً مجدد آنچه که بنظر همگانی سرمایه تخریب شده اجتماعی میباشد، شمرده میشود. هرگاه قرار باشد که از شورا ها بحیث یک راه حل استفاده صورت گیرد، در قدم نخست مهم است تا بصورت انتقادانه تحلیل گردد که در واقع پرابلم های سرمایه اجتماعی و حکومت داری در سطح جمعیت های محلی چه میباشند و آیا اعضای شورا خود به حل این پرابلم ها علاقمند اند و یا خیر. این امر نیز مهم است تا بررسی گردد که آیا حتی آنها خود میتوانند بخشی از پرابلم باشند و یا خیر.

وزارت زراعت و مالداري جدی بودن این مسئله را درک مینماید،^{۲۰۱} ولی تا هنوز شیوه واضح درین زمینه وجود ندارد. اکثر تدابیر توصیه شده جهت بهبود تنظیم و اداره مالداري و زمین های علفچر (بطور مثال از طریق ایجاد شیوه تناوب در استفاده از علفچر ها، میتود های تغذیه مواشی در آخور ها و تبدیل کشت سالانه به زرع درختان) مستلزم همنظری و وضاحت در مورد حقوق دسترسی به زمین خواهند بود. روش های اشتراکی و محلی تنظیم و اداره تقسیمات آب ممکن است نقشی را در حصول توافق بر شیوه استفاده مشترک از منابع ایفا نمایند،^{۲۰۲} ولی با در نظر داشت سطح موجود بی اعتمادی یقیناً تدابیر رسمی تنظیم کننده نیز ضروری خواهند بود.^{۲۰۳} تجربه کشور های همجوار میتواند مثال های مثبت و منفی را در مورد این مسئله ارائه نماید که چگونه میتوان با این مسایل پیچیده معامله نمود.^{۲۰۴}

نقش جامعه مدنی و تقاضای آن برای انکشاف زراعت

افغانستان تا کنون به چنان سطح خدمات دست نیافته است که هدف آن تأمینات نباشد و در آن حکومت و مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) جهت دسترسی به منابع کمکی رقابت نمایند. علت اساسی این امر اینست که زارعین تا کنون فاقد این قدرت اند که خدمات بهتری را تقاضا نمایند. آنها احساس مینمایند که آنان در چنان موقف ضعیفی قرار دارند که بمنظور حصول چیزی از ارائه کنندگان خدمات مجبورند تا راه سازگاری و همکاری با آنان را در پیش گیرند. آنها در مورد اینکه در تأمین خدمات برای شان باید حسابدهی وجود داشته باشد، تجربه ندارند.

تا این اواخر، روش ها در جهت تقویت خدمات زراعتی بر مبنای تقاضا اکثراً بر این تصور استوار بودند که بازار آزاد میتواند تضمین نماید که زارعین آنچه را که میخواهند، بدست می آورند. هرگاه به زارعین انفرادی فرصت داده شود تا این خدمات را انتخاب و خریداری نمایند، در آنصورت مسئله تقاضا حل خواهد گردید. تحلیل حالت بیچارگی

۲۰۱ وزارت زراعت و مالداري. یادداشت های جلسه سوم کروب مشورتی تنظیم و اداره سکوتور منابع طبیعی. کابل: وزارت زراعت و مالداري. ۶ می ۲۰۰۳.

۲۰۲ ویلی.

۲۰۳ بطور مثال، به کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان (DACAAR) مراجعه کرد.

۲۰۴ کریوتزین.

دهه از آن میگذرد، ارزیابی یک پروگرام عمده انکشاف دهات با نگرانی خاطر نشان می سازد که حتی یک شورا هم در امر حمایت از پروگرام موفق نبوده است. ۲۰۹ کریس جانسن مینویسد که "واضح نیست که جامعه مدنی در شرایط افغانستان چه مفهوم دارد." ۲۱۰ در یک مطالعه قبلی وی به این نتیجه رسیده است که مصاحبه شوندگان در هزاره جات اعتماد به ساختارهای محلی خویشرا از دست داده اند، هرچند که آنها خواهان یک رهبری جدید بودند، مردم از اینکه این رهبری از میان جمعیت محلی تبارز خواهد نمود، اظهار ناامیدی مینمودند. بر عکس آنها به این نظر امید بسته بودند که چنین رهبری ممکن است از بیرون جمعیت محلی بیاید. ۲۱۱ وی خاطر نشان می سازد که حاکمیت قانونی تا حد زیادی در "سطح محلی قریه" وجود داشت، ولی بر عدم اعتماد در مقابل اشخاص دارای قدرت و تفنگ را نمایان میساخت. ویلی نیز نتیجه گیری های مشابهی را دریافت نموده است. ۲۱۲

به نظر اکثریت جامعه امداد ممکن است که بخشی از سرمایه اجتماعی یک روابط اجتماعی افغانستان را باهم بافت میدهد متشکل از "سرمایه غیر اجتماعی" یا مناسبات نامطلوب مارکیت باشد که بر مبنای تریاک و سو استفاده از قدرت استوار اند. ۲۱۳ ارتباط متقابل سرمایه های اجتماعی و غیر اجتماعی برای افغانها در دهات زمینه انتخاب معیشت های متعددی را فراهم میسازد. پین و لاوتز مینویسند که "برخلاف عقیده عمومی، دولت ها در زمان منازعه متداوم و بی ثباتی سیاسی ناکام نمیگردند، بلکه به آسانی از هم فروپاشیده و مملو از شبکه های متعدد و پیچیده میگردند که از جنگ سالاران محلی الی مقر شرکت های بین المللی گسترش یافته اند." ۲۱۴ سرمایه های اجتماعی و غیر اجتماعی چنان پیوندی را ایجاد مینماید که این شبکه های وسیع اقتصادی و سیاسی را باهم یکجا نگه میدارد.

درک فعلی از ساختارهای سنتی ایکه تلاش های اشتراکی انکشافی را رهنمائی می نمایند ۲۰۵ و همچنان تلاش های بشری و بازسازی در جریان منازعه متداوم ۲۰۶ در مورد این تصور باید محتاط بود که ساختارهایی مانند شوراها عین اهداف جامعه امداد را دنبال مینمایند. این مطالعات مختلف نشان داده اند که هممنظری هائیکه از طریق میتودهای اشتراکی بمیان آمده اند بندرت نگرانی های فقرا و افراد محروم را تبارز میدهند. حتی ارزیابی های تمجید آمیز نقش شوراها اعتراف مینمایند که آنچه که مؤسسه از شورا منحث اتحادیه انکشافی قریه توقع دارد خیلی متفاوت با آنچه است که شورا معمولاً انجام میدهد و یا برای انجام آن در نظر گرفته شده است و یا هم جمعیت محلی از آن توقع انجام آنرا دارند. ۲۰۷ علاوه بر آن، بسیاری مؤسسات در اسناد پروگرام های خویش بصورت پراکنده ترکیبی از اهداف اداره و مدیریت و اهداف تحولات اجتماعی را درج مینمایند. یکی از ارزیابی ها مینویسد:

"اهداف تأسیس شورا های سطح قریه خیلی زیاد و متنوع اند، زیرا آنها شامل اهداف محدود در ارتباط با فعالیت های پروگرام و همچنان اهداف وسیع در مورد اعطای قدرت به جمعیت های محلی میباشند.... مشکل است که فهمیده شود که آیا (DACAAR) شورا های قریه را منحث مرجع ارتباطی میان خود و قریه ها می شمرد و یا آنرا ساختار های جدیدی تلقی مینماید که منابع سنتی قدرت را به چالش میگیرند." ۲۰۸

بنا بر تمام این عوامل، ثبات انکشاف جمعیت های محلی بر مبنی شورا باید مورد سوال قرار داده شود. صرف نظر از تلاش های هماهنگ در جهت اعطای قدرت به شورا های قریه که بیش از یک

۲۰۵ کوک، بی و کوتاری، یو. سهمگیری: استبداد جدید. لندن: زید، ۲۰۰۱.

۲۰۶ کریون والد، ایف. مطالعه جهانی: ALNAP قضیه افغانستان. لندن: انستیتوت انکشاف خارجی؛ ۳۰۰۲. (IDS) هاروی، بی. احیای مجدد در حالات پیچیده اضطراری سیاسی: آیا پاسخ به آن ایجاد مجدد جامعه مدنی است؟ رساله کاری انستیتوت انکشاف خارجی. (IDS) سه سیکس، انگلستان: انستیتوت مطالعات انکشافی. ۱۹۹۷؛ کین، دی. مزایای قحطی: اقتصاد سیاسی قحطی و امداد در جنوب غربی سودان ۱۹۸۳-۱۹۸۹. پوهنتون پرینستون، این جی: مطبعه پوهنتون پرینستون. ۱۹۹۴.

۲۰۷ هارپ ویکن، کی، بی؛ سولیمان، ایم و تکسدا، ایم. تقویت خود کفائی جمعیت های عودت کننده: پروگرام انکشافی ولسوالی انجیل در ولایت هرات افغانستان. گزارش ارزیابی مستقل میان مدت برای اوکیندین وینچر. می ۲۰۰۱.

۲۰۸ کامپینار، صفحات ۱۵-۱۶.

۲۰۹ ریدیک.

۲۱۰ جانسن، ۲۰۰۳.

۲۱۱ جانسن، ۲۰۰۰، صفحه ۷.

۲۱۲ ویلی.

۲۱۳ کانپور، آر، مارکیت های نامطلوب. رساله کاری ۰۸-۲۰۰۱. ایپاکا، نیویارک: دیپارتمنت اقتصاد و اداره عملی، پوهنتون کورنیل. جولای ۲۰۰۱.

۲۱۴ پین و لاوتز، صفحه ۱۸.

دهقانی تلقی کردند و یا به آن مبدل گردند یا خیر. برخی مؤسسات معتقد اند که درین مسئله بذات خویش کدام مشکلی وجود ندارد و چنین میپندارند که شوراها در ماهیت خویش این قابلیت را دارند که از دهاقین نمایندگی نمایند و در فعالیت های مختلف مربوط به بازار یابی، انتقال تکنالوژی و غیره دخیل گردند. عده دیگر مؤسسات در ایجاد ظرفیت های شوراها سرمایه گذاری مینمایند تا آنها بتوانند که بمثابة سازمان های دهاقین عمل نمایند. برخی گزارشات نقش شوراها را با زراعت مرتبط ندانسته و بر فقدان کامل سازمان های دهقانی ای که بتوانند در بازار یابی و سایر فعالیت های تجاری دخیل گردند، ابراز تأسف مینمایند.^{۲۱۷}

امکانات انکشاف شوراها به سازمان های واقعی تولیدی در مرکز این مسئله قرار دارد، که درینصورت شورا نزد اعضای خویش مسئولیت خواهد داشت (نسبت به اینکه به تمام جمعیت محلی مسئولیت داشته باشد) و قادر خواهد بود تا معاملات اقتصادی را در یک اقتصاد رقابتی مارکیت انجام دهد. تحقق این مأمول در مودل های جاری امداد محتمل بنظر نمیرسد. برای اینکار دو دلیل وجود دارند. اول اینکه تا زمانیکه پروژه های امداد منحصی خریدار عمده محصولات عمل مینمایند (همانند اکثر موارد تولید تخم بذری) دورنمای خود کفائی ضعیف است. بسیاری پلان های پروژهها درین مورد صراحت ندارند که مؤسسه کمک دهنده بالاخره به چه شکلی از صحنه خارج خواهد گردید تا باشد که یا مناسبات مارکیتی با تاجران تجاری و فابریکه داران جایگزین آن گردند و یا چنان سازمان های دهقانی دارای سطح بلند تشکل جایگزین آن گردند که بتوانند مسئولیت بازار یابی و سایر وظایف را بعهده گیرند. تلاش هائی صورت گرفته اند تا کارها با شورا های سطح متوسط پیش برده شوند، ولی بصورت عموم علایم اندکی وجود دارند که نشان دهند که این سازمانها واقعاً آرزومند اشتراک در فعالیت های مشترک اقتصادی اند. علاوه بر آن، میکانیزمها جهت تضمین حسابدھی مالی به اعضا انکشاف داده نشده اند. این امر مایه تعجب نیست. بالاخره شوراها سازمان های اقتصادی نیستند، بلکه بیشتر ارگان های سیاسی اند.

تحقیقات اخیر در مورد نقش ساختارهای سنتی و سرمایه اجتماعی نشان میدهند که در حالیکه این ساختارها اولین (و مطمئن ترین) منبع حمایت از تهیدستان و آنانی میباشد که از ناحیه معیشت متحمل صدمات گردیده اند، آنها در عین زمان میکانیزم هائی اند که موجب افزایش ضعف ساختاری میگردند. کوتاری و هیولم مینویسند:

“حینیکه افراد فقیر در بنگله دیش با مشکل مواجه میگردند نخستین مرجع تقاضای حمایت اجتماعی برای شان همین ساختارهای محلی و غیر رسمی میباشد، نه مؤسسات مسلکی مبارزه با فقر. بناً این ضرورت وجود دارد که جامعه مدنی در پالیسی انکشافی معاصر مورد تمجید خوش باورانه قرار نگیرد، بلکه درک گردد که سرمایه اجتماعی همیشه و حتماً سرمایه مثبت نمیباشد، بلکه بعضاً چنان سرمایه ای میباشد که میتواند افراد فقیر را فقیر نگهدارد.”^{۲۱۵}

این امر خصوصاً باید در مواردی صدق داشته باشد که در آن همانند افغانستان جامعه مدنی دارای قدرت مجازی باشد. ولی در رابطه با قدرت جامعه مدنی در پروگرام های انکشاف دهات در افغانستان در مورد چنین ابهام اعتراف کمتری صورت میگیرد. یک سند معمولی پروگرام اشعار میدارد: “تصمیم گیری اشتراکی میتواند موجب توانمندی افراد محروم گردیده و ظرفیت جمعیت های محلی را انکشاف دهد تا این جمعیتها بتوانند که محیط زیست خویشرا تحلیل نموده، پرابلم های آنها تشخیص و حل نمایند و مسئولیت انکشاف را بعهده گیرند.”^{۲۱۶} علیرغم شواهد و تجربه های تکان دهنده سؤ استفاده از قدرت توسط جنگ سالاران، قوماندانان و بزرگان قریه، هنوز هم تخیل معین در مورد مساوات بشری در جامعه مدنی افغانستان وجود دارد.

در جستجوی سازمان های دهقانی

یک مسئله مرکزی در ارتباط با نقش شوراها در حمایت از انکشاف زراعت این مسئله است که آیا آنها میتوانند که منحصی سازمان های

۲۱۵ کوتاری، یو و هیولم، دی، توضیحات، حکایات و کفنیها: درک دینامیزم فقر از طریق سرگذشت های زندگی. مانچستر: انستیتوت پالیسی و اداره انکشاف. ۲۰۰۳، صفحه ۱۳.
 ۲۱۶ سازمان غذا و زراعت سازمان ملل متحد (FAO) د انکشاف معیشت های با ثبات زراعتی در شرق هزاره جات. سند پروژه، ۲۰۰۲. UK / AFG / ۹۲۰ / GCP صفحه ۱۳.
 ۲۱۷ بطور مثال، سازمان غذا و زراعت (FAO) دیده شود، افغانستان: سروی سکتور باغداری.

مشکل دوم در تلقی نمودن شوراها بحیث سازمانهای دهقانی اینست که چنان گرایشی وجود دارد که تلاشهای انکشاف جمعیت‌های محلی که هدف اساسی آن انکشاف اجتماعی میباشد با مسئله تشکل مؤلدين تلفیق گردد، حالاً نکه تشکل مؤلدين باید بر مبنای امتیازات تجارتي و مارکيتي صورت گیرد که متمرکز بر منافع هر خانوار میباشد. تلاش‌های انکشاف زراعت که از طریق شورا پیش برده میشوند ممکن است در قسمت امور عام المنفعه مؤثر باشد مانند کنترل ملخ، ولی گمان نمیرود که این تلاش‌ها به چنان ساختارهایی انکشاف یابند که برای منافع خصوصی ضروری اند.

الترناتيف آن طبعاً اینست که در تلاش‌ها بمنظور تقویت سازمان‌های دهقانی شوراها نادیده گرفته شوند. درین قسمت تلاش‌هایی صورت گرفته اند که گفته میشود خیلی موفقانه بوده اند، بگونه مثال کمک سازمان غذا و زراعت (FAO) به جمع‌آوری لبنیات در مزار شریف.^{۲۱۸} ساختارهای دیگر با هدف اساسی ایجاد پیوند با گروه‌های دهاقین جهت تأمین خدمات میکروکریدیت با آنان در حالت تشکل اند، بگونه مثال، پروگرامیکه توسط CFA در کندز رویدست گرفته شده است که در آن جنگجویان قبلی برای اینکار سازماندهی گردیده اند. طوریکه قبلاً تذکار یافت حکومت امیدوار است تا چنین علاقمندی‌ها در جهت ایجاد کوپراتیف‌های اعمار مجدد سمت دهی گردند. کمک دهندگان (و ممکن دهاقین نیز) درین مورد زیاد اعتماد ندارند و نگران اند که چنین کوپراتیف‌ها نسبت به اعضای خویش بیشتر به حکومت مسؤلیت خواهند داشت. تمایل جهت استفاده ازین کوپراتیف‌ها منجیت وسیله ارائه خدمات سبسایدی شده (همانگونه که در گذشته‌ها معمول بود) نشان میدهد که این نگرانی‌ها بیمورد نیستند.

بصورت اخص این امر واضح نیست که چگونه میتوان مسایلی را که در بر گیرنده اداره و تنظیم امور عام المنفعه و منافع خصوصی هر دو میباشد، مانند سیستم‌های آبیاری، بشکل مؤثر حل نمود. یک

مأموریت متشکل از نمایندگان مراجع کمک دهنده توصیه نمود که ذخایر آبی دریاها و دریاچه‌ها منجیت واحد‌های اساسی پلا نگذاری و منجمنت مورد استفاده قرار گیرند.^{۲۱۹} ولی با در نظر داشت ساختارهای قدرت که اکثراً درین ساحات تسلط دارند، تا هنوز معلوم نیست که چنین روش مبتنی بر منابع آبی عملی و مناسب میباشد و یا خیر. بر عکس، ساختارهای ضعیف و یا نامساویانه تقسیمات منابع آبی میتوانند موجب دامن زدن به خصومت‌های موجود در رابطه با ساحات فوقانی و یا تحتانی رودخانه‌ها گردند. این عقیده وسیعاً وجود دارد که ساختارهای سنتی تقسیمات آب (میرآب) میتوانند که منازعات بالقوه را در نوسازی سیستم فعلی آبیاری حل نمایند، ولی درین مورد درک اندکی وجود دارد که سالهای جنگ چه تأثیری بر این نظم سنتی بجا گذاشته است. برای قوماندانان نادیده گرفتن حقوق آبیاری اهالی ساحات تحتانی دریاها نسبتاً آسان است.^{۲۲۰} فقدان ظرفیت مؤسسات جهت نظارت بر این مسایل مایه نگرانی میباشد. علیرغم این خطرات عدم سرمایه‌گذاری در جامعه مدنی، بدون کار با ساختارهای محلی دیگر کدام الترناطيف عملی وجود ندارد. هرگاه قرار باشد که با جامعه مدنی مناسبات مناسب برقرار گردند، اینکار صرف زمانی صورت خواهد گرفت که مؤسسات بخشی از صلاحیت‌های خویشرا به همکاران شان در محل انتقال دهند. در میان مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) در مورد این ضرورت که آنان به جامعه مدنی محلی پاسخگو باشند بصورت آشکار مباحثات اندکی صورت میگیرند. این مؤسسات که روش تعمیم و ترویج تکنالوژی را در پیش گرفته اند بصورت عموم خود را نیکوکاران تلقی مینمایند. تلاش‌هایی در جریان اند تا حسابدهی مالی تقویت یابد، ولی نتیجه پایدار صرف زمانی بدست خواهد آمد که میان وظایف مختلف جامعه مدنی تمایز واضح صورت گیرد که آیا جامعه مدنی شکل سازمان و یا کوپراتیف دهقانی را دارد که برای اعضای خویش خدمات را ارائه مینماید، ساختار همکار در سرمایه‌گذاری در امور عام المنفعه (خصوصاً در روبنا) میباشد و یا اینکه مسؤلیت مدنی را در عرصه سیاسی بعهده دارد.

۲۱۸ ایتالتریند.

۲۱۹ بانک انکشاف آسیایی.

۲۲۰ پین، ای، دیده شود. معیشت‌ها در ولایت فاریاب دچار مضیقته اند، شمال افغانستان، فرصت‌ها برای کمک. گزارش برای مؤسسه حمایت از اطفال (ایالات متحده امریکا) دفتر ساحوی در افغانستان.

۲۰۰۱.

۶. نتیجه گیری ها و توصیه ها

تغییر در تعاریفات در حالت ابهام

آجندای انکشاف دهات در افغانستان بر این مسئله متمرکز است که در حالت ابهام در مورد نقش جامعه مدنی، بی اعتمادی بر سکتور خصوصی و عدم توافق بر نقش دولت چه راهی را میتوان در پیش گرفت. افغانها درک روشنی از این امر ندارند که چگونه به پیش بروند. آنها در مورد این امر توافق ندارند که آیا بهتر است که منابع از طریق دولت توزیع گردد تا قانونیت و ظرفیت آن تحکیم یابد و یا اینکه به تسلط متداوم مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) و ملل متحد ترجیح داده میشود و آنهم به نسبت بی اعتمادی بر تعهد سیاستمداران و کارکنان عرصه ملکی به رفاه عامه و ثبات وجود دارد.^{۲۲۱} جامعه امداد نیز درین عرصه خیلی متردد بوده است و در جهت پابندی به بیانات در خصوص قرار دادن حکومت در رأس امور امداد تلاش های پیگیر بخرچ نداده است. جامعه امداد تا هنوز هم در خط مقدم انکشاف زراعت قرار دارد.

برای تردد مردم و جامعه امداد درین مورد توجیهات اساسی وجود دارند. با یک نظر نسبتاً خوشبینانه افغانستان میتواند منحصیث کشوری تلقی گردد که از اوضاع منازعه متداوم (بعلت جنگ) به اوضاع خشونت و ناامنی متداوم گذار مینماید.^{۲۲۲} این کشور از وضعیت نقض حقوق بشر که مستقیماً با جنگ مرتبط بوده است، وارد وضعیتی میگردد که در آن نقض متداوم حقوق مربوط به دسترسی به زمین، آب و مارکیت ها توسط تفنگداران وسیعاً جریان دارد. بنا برین، قطع اکثر منازعات مسلحانه علنی الزاماً موجب تغییر وضعیت برای اکثر افغانها در دهات نگردیده است.

سطح توانائی مردم در دهات در خصوص ایجاد معیشت های عملی در چوکات ساختار های موجود، قسماً وابسته به این امر است که پالیسی ها و پروگرام های زراعتی تا کدام حد با تحلیل واقعی، اصولی و عملی

اوضاع بصورت کل مطابقت مینمایند. در افغانستان مانند همه کشور های دیگر، پالیسی ها جهت تضمین این امر که تلاش های انکشاف دهات، فقر و یا رنج مردم را کاهش دهد، متکی بر سه عامل است:

- * توانائی مامورین زراعت (حکومتی، مؤسسات غیر حکومتی و یا سکتور خصوصی) جهت پیشبرد مؤثر پروگرام های شان؛
- * توانائی در مورد تضمین اینکه استفاده کنندگان مورد نظر از کمک ها مستفید میگردند؛
- * توانائی در تحت سوال قرار دادن منافع که در امور اجتماعی سرمایه گذاری شده اند و هدف از آن غصب مجدد مزایائی اند که برای مستحقین در نظر گرفته شده اند.^{۲۲۳}

در دو مسئله اول تا حدی پیشرفت صورت گرفته است. در مورد انتخاب و کفایت شیوه ها جهت حل مسئله سوم سوالاتی وجود دارند. بسیاری مؤسسات دارای ارگان های نیرومند دانش ضمنی میباشند و آنچه را که ممکن است روش اصولی و عملی برای دستیابی به این اهداف باشد، درک مینمایند. چیزی را که آنان در اکثر موارد فاقد آند، چنان پلان فعالیت میباشد که بر استفاده ازین دانش در طرح و تطبیق پروگرام ها تأکید نموده و از آن حمایت بعمل آورد. تمایل در جهت "تطبیق مؤفّقانه پروژه" اکثراً بر تأمل در قسمت معقولیت پروژه تفوق حاصل مینماید.

با در نظر داشت میراث حکومت ضعیف در تمام سطوح، این امر صرف یک مجموعه پرابلم های مؤقتی نمیباشد. تردد ساختار ها در تصمیم گیری و پروگرام های امداد باید منحصیث بخشی از مجموعه روابط و ساختار هائی شمرده شوند که در آینده نزدیک شیوه های معیشت را در دهات شکل خواهند داد. سوال "دولت ضعیف" صرف یک مسئله مجزا برای دانشمندان سیاسی نمیباشد. منازعه و عدم اطمینان بخشی ازین مسئله اند که چگونه یک دهقان تصمیم میگیرد که یک محصول معین را کشت نماید و یا خیر و آیا مالک زمین تصمیم

HRRAC ۲۲۱

۲۲۲ بین و کودهند (۲۰۰۲) بدین نظر اند که ممکن است افغانستان به سمت مشابهی به کواتیمالای پس از جنگ حرکت نماید که پس از قطع رسمی مخاصمات، ناظر افزایش خشونت در دهات بود.

۲۲۳ جانسن، سی و سنارت، دی. حقوق، ادعا و تصرف: درک سیاست پالیسی مبنی بر منافع فقرا. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI) رساله کاری شماره ۱۴۵. لندن. ۱۰۰۲. ODI :

بهبود حالت فقراً و افراد بی زمین گردد و چه چیزی ممکن است موجب جزیه گیری و تصرف غیر قانونی زمین گردد. برخی ناظرین نگران اند که "دره های غنی موجب قدرت طلبی های سیاسی میگردند." ۲۲۴ عده دیگری به این نتیجه رسیده اند که دره های غنی قادر بوده اند تا قوماندانان محلی را تطمیع سازند و بدین ترتیب از عواقب ناگوار منازعه جلوگیری نمایند. ۲۲۵ پلا تفورم های اشتراکی ممکن است یکی از راه های حل اختلافات بر مالکیت منابع باشد. از جانب دیگر آنها میتوانند صرف تشنج های موجود را میان رمه داران کوچی و مردم ساکن در محل و میان مالکین زمین و متصرفین آن تشدید سازد، زیرا بر جمعیت های محلی فشار وارد خواهد گردید تا بمنظور دستیابی به کمک ها، آنان باید در مورد اولویت های انکشاف به توافق برسند. یک روش درست درین راستا ممکن است بما کمک نماید تا در مورد اینکه کی قدرت دارد و چگونه از آن استفاده مینماید، بیشتر بیاموزیم، ولی این امر ممکن است در مورد اینکه درین زمینه چه باید کرد، ما را راهنمایی کامل ننماید. تعریف دقیق حقوق ممکن است در توضیح مسئولیت های حکومت مفید واقع گردد، ولی ممکن است درین مورد روشنی کمتری اندازد که چگونه میتوان انسان های محتاج و ظرفیت های مالی را جهت ادای این مسئولیت ها بسیج نمود. ۲۲۶ علاوه بر آن، یک روش مبتنی بر تأمین حقوق ممکن است در قسمت جستجوی حد متوسط میان فرضیه ها در مورد نقش و مسئولیت های دولت و

میگیرد که در حفظ حاصلخیزی زمین سرمایه گذاری نماید و یا خیر، آیا یک تاجر کوشش مینماید که به مارکیت های جدید و بالقوه منفعت بار وارد گردد و یا خیر و آیا ناقلین و مهاجرینی که احتمال بازگشت شان وجود دارد، آرزو دارند تا پیشه زراعت را جهت بقای حیات خویش دنبال نمایند و یا خیر. این عوامل همچنان بر نحوه تصمیم گیری مراجع کمک دهنده اثر میگذارند، زیرا آنان باید انتخاب نمایند که آیا سرمایه گذاری در سازمان های ناقص زراعتی دولتی مؤجه است و یا خیر، در حالیکه تا کنون موقف آجندای اصلاحات در سطح مرکزی تضمین نبوده و در خارج از کابل حتی مطرح نیز نگردیده است.

اصول و اصالت عمل

علیرغم تمام اینها، رشد فوق العاده در تولیدات زراعتی طی دو سال قبل نشان میدهد که جریانات مثبتی در دهات افغانستان وجود دارند. علایم پراکنده و مضطرب کننده مبنی بر اینکه این رشد بهبود خیلی اندکی در معیشت اکثریت مردم در دهات وارد نموده است، موجب نگرانی شدید میباشد. اگر ساده تر گفته شود، ما در مورد آنچه که در ارتباط با شرط سوم اتفاق می افتد، اطلاعات کافی نداریم، یعنی در مورد تحول پروژه های حمایت از فقرا به پروژه های انکشاف دهات به نفع فقرا. ترس از سوء استفاده خشن و گسترده از قدرت در جریانات محلی در ارتباط با دهقانی، بر این ضرورت اشاره مینماید که پروگرام های زراعتی در توأمیت با آجندای حمایت از حقوق طرح گردیده و از آن نظارت بعمل آید. سوال اینست که چگونه میتوان اینکار را انجام داد.

در وهله نخست، مهم است تا اعتراف گردد که ما نمیدانیم که در افغانستان کدام عوامل افراد فقیر را قادر میسازند تا از رشد بهره برند و کدام عوامل آنان را قادر به اینکار نمیسازد. درین زمینه تصویر روشنی وجود ندارد که چه چیزی ممکن است موجب ایجاد یک محیط مساعد برای



تصویر از کابل

۲۲۴ سولیداریتی، ۲۰۰۱، صفحه ۱۰.

۲۲۵ ویلی.

۲۲۶ کن وی، تی، موسیر، سی، نورتون، ای، و فارینکتون، جی. "روش های حقوق و معیشت ها: بررسی ابعاد پالیسی". انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، دورنما های منابع طبیعی، ۷۸، مارچ ۲۰۰۲.

نمیگیرد. ۲۲۷ هر دو روش به این مسئله توجه کافی نمی‌نمایند که مردم در دهات اعم از زارعین، کارگران و تاجران تا کنون چگونه زندگی خویش را ادامه داده اند. نه پروگرام های مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) و نه حکومت با ظرفیت های لازم مهارت های سیاسی و اقتصادی مجهز نمیگردند تا با آجدای احیای مجدد که مردم خود طی تمام این سالها تعقیب نموده اند، مطابقت نمایند. قدرت رأی و اراده دهاقین در صورتی ظهور خواهد نمود که پروگرام ها بر مبنای درک الزامی اساسات سیاسی، اقتصادی و ساختاری شیوه های جاری معیشت آنان استوار باشد. تجربه جمعی از پروگرام ها درین سکتور طی چند دهه گذشته میتواند اساسی را برای انکشاف چنین درک مهیا سازد. تلاش های مختلف جهت ایجاد فند های دورانی و پروسه های دیگر بر مبنای عرضه مواد و لوازم سببایدی شده زراعتی میتواند اطلاعات با ارزشی را درین رابطه میسر سازد که آیا این اشکال امداد در واقع به ظهور ساختار های با ثبات و مساویانه مساعدت مینمایند و یا خیر و چگونه مساعدت مینمایند. تحلیل ها ممکن است نشان دهند که آیا پروگرام ها با تقویت این نظر که جامعه امداد و دولت تصمیم دارند که به تأمین کمک های سخاوتمندانه ولی پراکنده و اتفاقی ادامه دهند، در واقع موجب صدمه بیشتر میگردند و یا خیر. اینکار مستلزم تعهد جدی به آموزش و یک پروسه تفکر و اندیشه عمیق در مورد اساساتی میباشد که این نوع پروگرام ها بر آن متکی اند.

باید اعتراف نمود که امکانات خدمات حکومتی و امدادی در بلند بردن تأثیر زراعت بر معیشت ها محدود میباشد. همچنان در موارد ممکنه، باید قدرت مراجع ذیعلاقه محلی را در رهبری انکشاف در نظر داشت. در برخی پروگرام ها مانند تقویت الترناتیف ها برای تولید تریاک و تلاش ها جهت دادن نقش بیشتر به زنان، تا حدی به واقعیت ها پی برده شده است. در پروگرام های دیگر، خوشبینی بیش از حد در مورد اساسات "گذار کامل" از جنگ به انکشاف هنوز هم نفوذ واضح دارد. توصیه های ذیل منحیث یک چهار چوب برای روش های عمل گرا و اصولی جهت افزایش تأثیر تلاش های

نظریات در مورد اداره جدید عامه پلان انکشاف ملی دارای کفایت اندکی باشد، که اکثر کارکنان دولتی افغانستان خواهان تعقیب آن اند.

تناقض اساسی در تلاش های انکشاف دهات اینست که از یکطرف تعریف بحران از نظر جامعه امداد اذعان میدارد که تلاش های انکشافی میتواند از یک لوح سفید آغاز گردد. از جانب دیگر نظریه حکومت داری بر مبنای اصل دولت ارائه کننده خدمات، پروسه های جاری محلی و گرایشات بین المللی مارکیت را از نظر می اندازد، زیرا درین نظریه طرز تفکر گذشته تاهنوز معتبر و قابل تعمیل شمرده میشود. هر دو نظریه بر مبنای این عقیده استوار اند که پروگرام های انکشاف میتوانند چنان سرمایه اجتماعی را ایجاد نمایند که پروسه های انکشاف دهات را باهم مرتبط خواهد ساخت. هیچ یک ازین نظریات آنچه را که در واقع در قرأ افغانستان در جریان است و همچنان مارکیت ها و شبکه هائی را که با زندگی قریه ها بافت خورده اند، مورد بررسی قرار نمیدهد.

به چالش های شامل ساختن دورنما های انکشاف محلی در آجندا صرف زمانی پاسخ گفته شده میتواند که بخش قابل ملاحظه مردم در دهات، خصوصاً زارعین خود را سازماندهی نمایند و ظرفیت های سیاسی خویش را برای عمل مشترک انکشاف دهند. این امر مستلزم دانش و مهارت ساختاری در تنظیم و اداره مسایل مالی میباشد. ظهور برخی اشکال سازمان های قبلی ناگذیر خواهد بود. در پروگرام های اکثر مؤسسات غیر حکومتی (NGOs) در جهت انکشاف جمعیت های محلی این نظر وجود دارد که آنها میتوانند خلأ های احتمالی را از طریق ملاقات ها با شورا ها پر نمایند. در تلاش های وزارت زراعت و مالداری در جهت تقویت کوپراتیف ها این نظر وجود دارد که افغانستان میتواند فقط آنچه را که در سالهای ۱۹۷۰ از دست داده بود، بدست آورد. هدف از هر دو روش سازماندهی مستقیم فقراً میباشد. هیچ یک ازین روش ها مسایل مهمتری را در رابطه با اینکه چه انگیزه هائی در سطح محلی فقراً را وادار به تشکل و ایجاد سازمان هایشان میسازد، با جدیت در نظر

۲۲۷ جوشی، ای و مور، ایم دیده شود. توانمندی پروگرام های مجادله با فقر در سازماندهی. رساله مباحثاتی شماره ۳۷۴ انستیتوت مطالعات انکشاف (IDS). سه سیکس: انستیتوت مطالعات انکشاف (IDS). ۲۰۰۰.

طبعاً از نظر عموم راه حل برای این معضله اعطای امداد میباشد. از جامعه بین المللی توقع می‌رود که تا زمانیکه منابع مالی و بشری حکومت نیروی لازم کسب مینمایند، این خلأها را پر نماید. ولی آیا پیگیری فند ها و تعهد سیاسی طی چند سال آینده که اهمیت حیاتی دارند، حفظ خواهد گردید؟ این رساله انتقاد از وعده های عملی ناشده و سخن پردازی های ضد و نقیض را از جامعه کمک دهنده بازتاب میدهد که در چه کار هائی با دولت افغانستان کمک خواهد شد و در چه کار هائی با آن کمک صورت نخواهد گرفت. ولی با آنهم از نگاه عملی بیشتر مناسب خواهد بود تا روش هائی طرح گردند که عدم قاطعیت و ترددی را در نظر گیرند که جامعه امداد در تمویل پروگرام های احیا و بازسازی پس از جنگ بصورت متواتر نشان داده اند و همچنان حافظه ضعیفی را در نظر گیرند که وقتاً فوقتاً در افغانستان نشان داده شده است. لازم است تا از پالیسی های مورد نظر حمایت بعمل آید و از واقعیت گرائی بیشتری کار گرفته شود. توصیه های ذیل با در نظر داشت چنان روحیه پیشکش میگردند.

توصیه ها

همنظری در رابطه با اهداف و مفهوم دولت تسهیل کننده و تنظیم کننده در انکشاف زراعت آموخته شده و ایجاد گردد

تلاش های فعلی در جهت طرح پالیسی ضرورت های ایجاد کفایت از طریق روش های اداره جدید عامه را با تقویت اصل مساوات باهم تلفیق میدهند تا جلو گرایشاتی گرفته شود که طی دهه های گذشته موجب جنگ گردیده اند. تجربه بین المللی نشان داده است که کفایت و تساوی را میتوان باهم تلفیق نمود، ولی این دو عنصر ذاتاً یکی مستلزم دیگری نیست. این ضرورت موجود است که با درنظر داشت شواهد بسوی چنان پالیسی ها حرکت صورت گیرد که تعهدات اصولی به کفایت و تساوی را با درک عملی تعویض یکی با دیگری تلفیق دهند و اینکار نظر به واقعیت های موجود در ساحه و تأثیرات مهم ولی محدودی صورت میگیرد که فعالیت های امدادی بر مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند.

انکشاف زراعت بر معیشت های افغانستان طرح گردیده اند. این پیشنهادات قدرتی را که تاریخ و مناسبات جاری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در رهبری پروسه های محلی انکشافی و در حفظ اساسات پالیسی ملی دارند، در نظر میگیرند. این توصیه ها همچنان پیشنهاد مینمایند که اگر قرار باشد که پلان های انکشافی به شیوه ای ادامه یابند که معین نمایند که در شرایط فعلی چه کار هائی انجام شده میتواند و چی کار ها باید انجام گردند، پس باید این اساسات در نظر گرفته شوند.

چالش اساسی در ارتباط با مودل کوچک اداره جدید عامه و نگرش سابقه در مورد یک دولت نیرومند اینست که افغانستان توانائی ایجاد هیچ یک از آنها را ندارد. از نگاه مالی، کشور سرمایه لازم را جهت ایجاد اداره نیرومند عامه و پیشبرد پلان های حمایت و ارائه خدمات جهت انکشاف تولید کالا هائی مانند پنبه کندز را ندارد تا با تولیدات کشور های همجوار رقابت نماید. بنیاد نهایت ضعیف مالیاتی و فقدان تحرک در سکتور اداره عامه نشان میدهند که منابع لازم جهت ایجاد یک دولت نیرومند در آینده نزدیک اصلاً وجود ندارند.

در عین زمان، از نگاه اجتماعی و سیاسی دولت افغانستان نمیتواند با انکشاف دهات با سهل انگاری برخورد نماید که این امر ناگذیر با یک ساختار کوچک دولتی توأم خواهد بود. افغانستان نباید اجازه دهد که احیای بالقوه زراعت بعلت رقابت غیر عادلانه واردات تضعیف گردد. این کشور نباید اجازه دهد که اقتصاد تریاک به تسلط خویش در انکشاف تجارتی ادامه دهد و نباید با کوتاهی در تأمین خدمات و عدم ایجاد چنان ساختار های مشهود که قدرت قوماندانان را در ساحات دهاتی خنثی سازد، قانونیت دولتی را قربانی دهد. عدم توجه به این چالش ها بگمان اغلب موجب بازگشت گرایش فرار از مرکز میگردد که در گذشته کشور را چندین بار پارچه پارچه ساخته اند. جامعه مدنی و سکتور خصوصی میتوانند بخشی از خلأها را در تأمین خدمات زراعتی پر نمایند و باید هم پر نمایند، ولی ظرفیت و اراده آنها در قسمت بعهده گرفتن مسئولیت بیشتر، مشروط به ثبات است که میتواند صرف از طریق دولت داری قوی در ساحات دهاتی حصول گردد.

- انسجام بهتر هم پیش شرط و هم محصول آموزش در میان ادارات میباشد. تشریح آموزش بنیاد مناسب جهت تأمین توافق بیشتر در رابطه با این مسئله دارد که زارعین به چه نوع کمک ضرورت دارند و کدام مراجع برای بذل این کمک مناسب اند.
 - بهبود در طرح پروگرام ها بر تحلیل واضح این عوامل متکی است (a): توانمندی عرضه کنندگان مختلف خدمات در جهت دسترسی به گروپ های مختلفی که هدف قرار داده شده اند (b)؛ کفایت و مؤثریت در مصارفی در استفاده از میتود های مختلف صورت میگیرند (c)؛ ثبات و تداوم بالقوه ساختار های مختلف خدمات.
 - این تحلیل ها احتمالاً ضرورت برخورد دو جانبه را به انکشاف دهات (خصوصاً تحقیق و انکشاف زراعت) خاطر نشان خواهند ساخت که در چوکات آن در ساحات دارای پوتانسیل بلند و قابل دسترس مانند ولایت کندز تلاش های اساسی در جهت رشد و خصوصی ساختن صورت گیرد و در ساحات دارای امکانات ضعیف مانند هزاره جات به مسئولیت غذایی و تأمینات اجتماعی توجه صورت گیرد.
 - این ضرورت وجود دارد تا اهداف پلان انکشاف ملی مشخص گردند و معین گردد که زارعین باید توقع چه نوع کمکی را داشته باشند و با اولویت دادن به استفاده از منابع دولتی اطمینان حاصل گردد که به مسئله تقویت رشد و تساوی هر دو بشکل شفاف توجه صورت گرفته است.
 - با در نظر داشت سطح نهایت پائین تهیدستی و آسیب پذیری در دهات، چنین هم نظری میتواند بنیادی را برای این مسئله میسر نماید که پروگرام های تأمینات بهتر اجتماعی چگونه میتوانند که هم بقای ابتدائی مردم دهات را تأمین نمایند و هم منابع متداوم را جهت سرمایه گذاری آنها در تولیدات فراهم نمایند.
- مسئولیت پذیری سکتور خصوصی و جامعه مدنی در انکشاف زراعت مجدداً ارزیابی و تقویت گردد**
- جهت معین نمودن بهتر نقش دولت، نظرات و اهداف اصولی در رابطه با سکتور خصوصی و جامعه ملکی باید وابسته به این درک باشد که این مجموعه های نهاد های ناهمگون واقعاً چه اند. کافی نیست که
 - سکتور خصوصی و یا جامعه ملکی منحیث راه حل قلمداد گردند. ضرورت یک ارزیابی واضح وجود دارد که آنها کدام خدمات زراعتی را تأمین مینمایند و چرا آنها برای گروپ های مختلف زارعین خدمات را عرضه مینمایند (و یا عرضه نموده نمیتوانند). فاصله میان ساحات دارای پوتانسیل بلند و ساحات دارای پوتانسیل پائین و فاصله میان زارعین ثروتمند و فقیر پیش شرط این مسئله است که پیشبینی گردد که شیوه های مختلف در کجا موفق بوده میتوانند و کی احتمالاً از آن نفع خواهد برد.
 - ضرورت ارزیابی واضح و مستقل تلاش های جاری وجود دارد تا مسئولیت ها به شورا ها، کوپراتیف ها و سایر نهاد های جامعه مدنی سپرده شوند و تأثیرات تلاش ها در جهت تغییر شکل این نهاد ها به سازمان های دموکراتیک با سمت گیری تجارتی ارزیابی گردند.
 - سرمایه گذاری در ارتقای ظرفیت های جامعه مدنی جهت اختصاص دادن منابع امدادی به انکشاف زراعت باید با توجه مشخص به این مسئله توأم گردد که چگونه میتوان این نهاد ها را به جمعیت های محلی شان بیشتر مسئولیت پذیر ساخت.
 - باید از جامعه مدنی حمایت صورت گیرد تا ظرفیت زارعین در جهت تقاضای خدمات تقویت گردد، بعوض اینکه صرف به شورا ها در قسمت تنظیم و اداره منابع اعطاً شده آموزش داده شود. به این هدف در برخی سکتور ها توجه صورت گرفته است، ولی در عرصه زراعت هنوز هم ضعیف است.
 - تلاش های اولیه بمنظور تشویق سکتور خصوصی جهت عرضه خدمات زراعتی دلگرم کننده اند، ولی تا هنوز بعلت گرایشات متداوم مؤسسات امدادی در جهت محدود نمودن حیطة مارکیت بر روی ارائه کنندگان خصوصی خدمات، این تلاش ها نتیجه مطلوب نداده اند و یا اینکه بعلت تمایلات در اعطای سبسایدی های عظیم به عده محدودی از متشبثین مورد نظر، تحریف گردیده اند. باید این نقیصه از طریق انسجام دقیق تر و خصوصاً از طریق تأمل بیشتر مراجع کمک دهنده، اصلاح گردد.
 - بزرگترین نگرانی زارعین اینست که مراجع خصوصی ایکه مواد و لوازم زراعتی را اکمال مینمایند، مسئولیت خدماتی را که آنها فراهم

- به ارتقای ظرفیت توجه خاص صورت گیرد تا دورنما های متبادل آنچه که در انکشاف تجارتي امکان پذیر و مطلوب است ایجاد گردد. اینکار بمتابه طرزالعملی خواهد بود که در تأمین خدمات زراعتی تحلیل های حمایت از مارکیت (بازار) را انکشاف خواهد داد.
- هرگاه پروگرام های انکشاف مارکیت ها در حمایت از فقراً باشد، در آنصورت اولویت های سرمایه گذاری امداد باید طرقي را در نظر گیرد که در آن دورنماهای جدید مارکیت (بازار) ممکن است به بهترین وجه فرصت های اشتغال را در خارج از مزرعه، در خارج از عرصه زراعت و همچنان در مزارع بزرگ ایجاد نماید.
- پس از مؤفقیتهای اخیر در افزایش تولید، باید توجه به ارتباطات میان تولید زراعتی و تقاضا در مارکیت معطوف گردد. مهمترین عامل درین خصوص نگهداری در گدام ها و پروسس میباشد.
- در مورد این ضرورت توجه جدی صورت گیرد که نظریه "حمایت" در قسمت ارزیابی تأثیرات احتمالی پروگرام های زراعتی خصوصاً در بخش آبیاری، هم در خارج از حیطه جمعیت محلی و هم در داخل جمعیت محلی مورد استفاده قرار گیرد. اینکار باید بر مبنی این درک صورت گیرد که زارعین، بزرگان محل و قوماندانان در شرایط جنگ چگونه از پیامد های آن در شیوه های معیشت بهره برداری نموده اند.

مجادله با خطر

با درنظر داشت پیامد های جنگ و مصیبت های طبیعی، افغانها ناچار خواهند بود تا در قدم اول بر اساس ارزیابی خطر، تصمیم گیرند که چگونه زراعت را با معیشت هایشان تلفیق دهند. نگرانی از جنگ های تازه و خطرات طبیعی اساس انتخاب معیشت را توسط تجار، زارعین و کارگران دهاتی تشکیل میدهد. عملکرد دولت و جامعه امداد بصورت مستقیم پارامتر های این ارزیابی خطر را متأثر میسازد. بناً هر گاه در طرح پالیسی به خطر اهمیت زیاد داده شود، مناسبت و مؤثریت پروگرام های زراعتی خیلی افزایش خواهند یافت. آگاهی از خطر بعوض اینکه بمتابه یک عامل دلهره برای کمک دهندگان تلقی گردد، باید جهت برجسته ساختن اولویت های حفظ معیشت های دهاتی مورد استفاده قرار گیرد.

- در حالیکه مهم است تا در مؤثریت نهاد ها و میکانیزم های سنتی و یا غیر رسمی کاهش خطر مبالغه صورت نگیرد، پلانگذاری باید این نکته در نظر گیرد که آنها اولین خط دفاعی در مجادله با خطرات طبیعی و جنگ میباشد، و اینکه نهاد های رسمی تنظیم و اداره خطر (مانند بیمه، حفاظت ملکی، ساختار های دولتی پلانگذاری استفاده از زمین و غیره) در آینده نزدیک ظهور نخواهند نمود.

مارکیت وارد آجندا گردد

متأسفانه به استثنای این پنداشت فرضی که گویا سود تولید تریاک تحت حمله قرار گرفته نمیتواند، کدام طرز تفکر سازنده در مورد اقتصاد زراعتی و مارکیت که محصول تجربه ها باشد در پالیسی و پروگرام ها موفق مرکزی نیافته است. حتی آنانیکه اهمیت ایجاد تنوع و تمایل بسوی مارکیت را درک نموده اند، در مورد تشخیص این امر که باید در کجا و چگونه اقدام نمود، دچار تردید و مشکل شده اند. دریافت تصویر درست از نیروهای مارکیت در کشوری که بخش اعظم مارکیت در آن غیر قانونی است، چالش عظیمی است، ولی خطر ناشی از ادامه چشم پوشی ازین عوامل بزرگتر ازین چالش است. مارکیت یگانه راه انکشاف متوازن دهات نمیشد، ولی درک اهمیت آن قدم مهمی است در تطابق پروگرام ها با شیوه های مسلط معیشت مردم دهاتی با واقعیت های اقتصادی ایکه آنها حین فروش حاصلات زراعتی با آن مواجه میگردد.

- در تلاش ها جهت انکشاف زراعت صادراتی باید بازار های منطقوی و بین المللی در نظر گرفته شوند تا زارعین بسوی کوشش های بدون منفعت و ناپایدار هدایت نگردد.

- میکانیزم های سنتی نمیتوانند که در مقابل حالت نامطمئن مارکیت (بازار) زمینه حفاظت کافی را تأمین نمایند. جهت تخفیف این خطرات مهم است تا آگاهی از گرایشات مارکیت های منطقوی و بین المللی در میان کارکنان مؤسسات و حکومت افزایش یابد.
- اولویت در کمک به زارعین در قسمت مجادله با خطر باید اطلاعات را در مورد مارکیت (بازار) و شرایط اقلیمی تهیه نماید. خدمات اطلاعات مارکیت (بازار) و اطلاعات هواشناسی بشمول سروی برف ها به زارعین کمک خواهد نمود تا پیشبینی نمایند که کدام کشت منفعت بهار خواهد آورد و چه مقدار آب جهت آبیاری آن در دسترس خواهد بود.
- تنوع در معیشت های سنتی و ماورای آن از طریق مهاجرت، تجارتي ساختن و دیگر شیوه ها از مدت های طولانی بدینسو مهمترین مجموعه شیوه های کاهش خطر در دهات افغانستان میباشد. امداد ممکن است نقش مستقیم اندکی در ارتقای این شیوه ها داشته باشد، ولی پروگرام های معطوف بر معیشت باید وابسته با آگاهی از اهمیت آنها باشد.
- تلاش ها جهت مبارزه با اقتصاد تریاک بر افزایش خطر برای تولید کوکنار در مقایسه با معیشت های دیگر متمرکز گردیده است. این جنبه مشخص افزایش خطر دارای اهمیت بزرگ میباشد.

مآخذ

- شبکه آموزش فعال برای مسئولیت پذیری و عملکرد (ALNAP). "اقدامات بشری: بهبود نظارت جهت ارتقای مسئولیت پذیری و آموزش". اجمال سالانه ۲۰۰۳. ALNAP ۲۰۰۳.
- واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) و بانک جهانی. رهنمودی در مورد حکومت در افغانستان. اسلام آباد. ۲۰۰۴.
- الن. مطالعه امکانات جنبه های اجتماعی و اقتصادی تولیدات زراعتی. کابل: کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان. ۱۹۹۹.
- اشلی و ماکسویل. "تجدید نظر بر انکشاف دهات." ارزیابی مجدد پالیسی انکشافی. ۲۰۰۱. ۱۱۱۹ (۴): ۳۹۵-۴۲۵.
- بانک انکشاف آسیائی. "پلان انکشاف میان مدت منابع طبیعی و سکتور زراعت، مرحله دوم ماموریت مراجع کمک دهنده. اپریل ۲۰۰۲".
- بارفیلد. "حلقات ضعیف یک زنجیر فرسوده: ضعف ساختاری در ادارات حکومتی ولایات افغانستان." شاران و کانفیلد مصححین. انقلاب ها و اغتشاشات در افغانستان: دورنما های انتروپولوژیک. بارکلی، کالیفورنیا: مطبعه پوهنتون کالیفورنیا. ۱۹۸۴.
- بارکر و مهربان. انکشاف خدمات وترنری در افغانستان ۱۹۸۶-۲۰۰۰. رساله کاری شماره ۸/۲۰۰۰. اسلام آباد: پروگرام انکشافی ملل متحد. ۲۰۰۰.
- باراند. "توانمند سازی زنان، مبارزه با کوکنار: نموی طلای سرخ." سازمان نظارت فرامرزی افغانستان. ۱۵ جولای ۲۰۰۳. ۱۱-۱۰: ۱.
- باومن. تساووی و کفایت در پروگرام های زراعتی قرار دادی: تجربه محصولات درختان زراعتی. رساله کاری شماره ۱۳۹ انسیتوت انکشاف خارجی (ODI). لندن ۲۰۰۲. ODI.
- ببینگتون. "سرمایه ها و توانمندی ها: پلان تحلیل امکانات دهاقین، معیشت های دهاتی و فقر." انکشاف جهان. ۱۹۹۹. ۲۰۴۴-۲۰۲۱: ۲۷(۱۲).
- بیرد، هیولم، مور و شیفیرد. فقر مزمن در ساحات دور افتاده دهاتی CPRC. رساله کاری شماره ۱۳. برمنگهم و مانچستر: مرکز تحقیقات در مورد فقر مزمن. ۲۰۰۲.
- بوین و هارت. "رهبری مردم در زمان بحران: آیا این ماموریت امکان ناپذیر است؟" ارزیابی مجدد اداره عامه. سپتمبر ۲۰۰۳. ۵۵۳-۵۴۴ (۴): ۶۳.
- برایسیسون. "دهات افریقا در نقطه عطف: عملکرد ها و پالیسی های معیشت." دورنما های منابع طبیعی ۵۲. لندن: انسیتوت انکشاف خارجی. ۲۰۰۰.
- گروپ انکشاف آسیای میانه (CADG). گروپ انکشاف آسیای میانه: اجمالی بر افغانستان. سنگاپور ۲۰۰۲. CADG.
- گروپ انکشاف آسیای میانه (CADG). شرکت سپین زر: تحلیل اقتصادی فابریکه پنبه در ولایت کندز، افغانستان. سنگاپور ۲۰۰۲. CADG.
- کریستیان اید. "در مخالفت با غله جات." در آدرس www.reliefweb.int قابل دسترس است. ۱۵ سپتمبر ۲۰۰۳.
- کریستوپلوس. پلان معمول برای حمایت از انکشاف زراعت به نفع فقرا. لینداو: گروپ نیوچاتل، ۲۰۰۳. LBL در آدرس www.neuchatelinitiative.net قابل دسترس است.
- کریستوپلوس. گزارش ارزیابی: آزمایش دوم پروژه مسئولیت پذیری بشری در افغانستان، می-جولای ۲۰۰۲. ۲۰۰۲.

- کریستوپولوس. "مصائب طبیعی، حالات اضطراری پیچیده و خدمات عامه: تعدیل تعریف ها پس از وقوع طوفان." کولینس (مصحح). استفاده از اداره عامه در انکشاف: رهنمود ها بسوی آینده. چیچیستر، جان ویلی و پسران. ۲۰۰۰.
- کریستوپولوس، فارینگتون و کید. انکشاف زراعت، فقر و آسیب پذیری: گزارش ابتدائی انجام مطالعات برای پروگرام نیوچاتل. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۱۴۴. لندن ODI: ۲۰۰۱.
- کریستوپولوس. لانگلی و سلی میکر. نقش متغیر احیای مجدد زراعت: مرتبط ساختن کمک های بشری، انکشاف و حمایت با معیشت های دهاتی. رساله کاری مشترک برای انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، گروپ پالیسی بشری و. ICRIAT لندن ۲۰۰۴.
- کونوی، موسر، نورتون و فارینگتون. "روش های حقوق و معیشت ها: پژوهش در ابعاد پالیسی." انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، دورنماهای منابع طبیعی ۷۸. مارچ ۲۰۰۲.
- کوک و کوتاری (مصححین). اشتراک همگانی: استبداد جدید. لندن: زید. ۲۰۰۱.
- کولاتر. "اعمار بند ها در افغانستان: عصری سازی در یک کشور حایل." مجله تاریخ امریکا. سپتمبر ۲۰۰۲. ۵۳۷-۵۱۲.
- کمیته دانمارک برای کمک به مهاجرین افغان. (DACAAR) مطالعه امکانات- سکتور تنظیم و اداره زراعت و منابع طبیعی: پروژه IAD ساحه خواجه عمری، مارچ ۲۰۰۲. پشاور ۲۰۰۲. DACAAR
- دی گودی "مباحثات بر سیستم حواله و مبارزه علیه منابع تمویل تروریزم، محیط و پلانگذاری." جامعه و آزادی. ۲۰۰۳. ۵۲۳-۵۱۳: ۲۱.
- دی ویجر. مطالعه آسیب پذیری مالداري. کابل AFSU: و واحد ارزیابی و نقشه برداری آسیب پذیری پروگرام غذایی جهان. ۲۰۰۲.
- دیپارتمنت انکشاف بین المللی (DFID)، پلان انتقالی معاونت به افغانستان ۲۰۰۳-۲۰۰۴. لندن: دیپارتمنت آسیای غربی، DFID اگست ۲۰۰۳.
- دیوی روکس. حمایت اجتماعی از فقراً: درس ها از تجربه های اخیر بین المللی. رساله کاری شماره IDS ۱۴۲، سه سیکس: انستیتوت مطالعات انکشافی. ۲۰۰۲.
- ده فیلد، گوسمن و لیدر. ارزیابی مجدد پلان ستراتیژیک برای افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. ۲۰۰۲.
- مجله ایکونومیست. "سرگذشت بزرگ." مجله ایکونومیست. ۱۸ دسمبر ۲۰۰۳. ۷۱-۷۵.
- ایلیس و بیگس. "موضوعات رو به تکامل در انکشاف دهات در سالهای ۱۹۵۰-۲۰۰۰." ارزیابی مجدد پالیسی انکشاف. ۲۰۰۱. ۴۳۷-۴۴۸: ۱۹(۴).
- فارینگتون، کریستوپولوس، کید و بیکن. انکشاف زراعت، فقر و آسیب پذیری: امکانات اصلاحات در پالیسی- گزارش نهائی. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۱۵۵. لندن ODI: ۲۰۰۲.
- فارینگتون، ساکسینا، بارتون و نایاک. "پسته خانه ها، پول مستمري و کمپیوتر ها: شیوه های جدید تلفیق رشد و حمایت اجتماعی در ساحات دور افتاده." انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، دورنماهای منابع طبیعی شماره ۸۷. جون ۲۰۰۳.
- فارینگتون، سالتر و هولمز. توأمیت میان حفظ معیشت و انکشاف: قضیه زراعت. لندن: انستیتوت انکشاف خارجی. ۲۰۰۳.
- فاور. سهمگیری در انکشاف پالیسی کمک غذایی برای افغانستان: بیالانس گندم نظر به منطقه و ولایت. جولای ۲۰۰۳. کابل: سازمان غذا و زراعت. ۲۰۰۳.
- فاور. ماموریت مشترک با هلیکوپتر به دشت لیلی در مورد تجاوز به زمین علفچر، ۲۵-۲۷ مارچ، ۲۰۰۳. کابل: سازمان غذا و زراعت. ۲۰۰۳.

هارپ ویکن، سلیمان و تکسدال. تقویت اتکا بخود در میان جمعیت های بازگشته: پروگرام انکشافی ولسوالی انجیل، ولایت هرات، افغانستان. گزارش از یک ارزیابی مجدد مستقل برای اوکندن ونچر. می ۲۰۰۱.

هارو. "آداره عامه جدید و عدالت اجتماعی: فقط کفایت و یا توأم با تساوی؟" در اثر مک لفین، اسپورن و فیملی بنام اداره عامه جدید: گرایشات کنونی و دورنماهای آینده. لندن و نیویارک: روتلیج. ۲۰۰۲.

هاروی. احیای مجدد در حالات پیچیده اضطرابی سیاسی: آیا پاسخ به آن ایجاد مجدد جامعه مدنی است؟ رساله کاری شمار ۶۰ انستیتوت انکشاف خارجی. (IDS) برایتون، انگلستان: انستیتوت مطالعات انکشاف. ۱۹۹۷.

هیرلی. کاهش فقر منجیث یک مشغله: اتخاذ روش ایجاد مارکیت در رابطه با انکشاف. برن: مؤسسه سویس برای انکشاف و همکاری. ۲۰۰۰

ورکشاپ انکشاف ستراتیژی متوازن مربوط وزارت زراعت و وزارت احیاء و انکشاف دهات، ۲۸ سپتمبر الی ۲ اکتوبر ۲۰۰۳، کابل. وزارت احیاء و انکشاف دهات. ۲۰۰۳.

هوکللی اسوشیتس. افغانستان: گزارش اشتراک در ارزیابی محصولات و تأمینات غذائی در سال ۲۰۰۲ به نمایندگی از کیمونیکس، جولای ۲۰۰۲. سفولک: هوکللی اسوشیتس. ۲۰۰۲.

هولگرین. ارزیابی مجدد ساختارهای مصئونیت اجتماعی در ارتباط با حالات اضطراب و فرصت ها برای پروگرام های سازمان غذا و زراعت ملل متحد. ۲۰۰۳.

کنسورتیوم تحقیق و حمایت از حقوق بشر. (HRRAC) اظهار حقایق. کابل. HRRAC : نومبر ۲۰۰۳.

گروپ بین المللی بحران. (ICG) افغانستان: مشکل بیگانه سازی پشتون ها. گزارش شماره ۶۲ گروپ بین المللی بحران (ICG) در مورد آسیا. کابل/ بروسلز. ICG : اگست ۲۰۰۳.

FEWS.Net بولتن ماهانه مصئونیت غذائی در افغانستان، اگست ۲۰۰۳. کابل: وزارت احیاء و انکشاف دهات. ۲۰۰۳.

سازمان غذا و زراعت ملل متحد. (FAO) د افغانستان: سروی سکتور باغداری ۲۰۰۳. کابل. ۲۰۰۳. FAO :

سازمان غذا و زراعت ملل متحد. (FAO) د انکشاف معیشت های پایدار زراعتی در شرق هزاره جات. سند پروژه ۲۰۰۳. GCP/AFG/۰۲۹/UK.

سازمان غذا و زراعت ملل متحد. (FAO) د احصائیه گیری ملی مواشی توسط سازمان غذا و زراعت ملل متحد در سال ۲۰۰۳. گزارش مؤقت. ۲۰۰۳.

سازمان غذا و زراعت ملل متحد. (FAO) "اصول رهنمودی اداره تولید، توزیع و توریید تخم بذری و مواد کشت محصولات زراعتی برای افغانستان." در آدرس

<http://www.fao.org/world/afghanistan/pubscodeen.htm> قابل دریافت است. ۲۰۰۳.

سازمان غذا و زراعت ملل متحد. (FAO) "نتایج ارزیابی پروگرام اضطرابی توزیع مواد و لوازم زراعتی سازمان غذا و زراعت ملل متحد در خزان ۲۰۰۲." اخبار شماره ۴ در مورد فعالیت های سازمان غذا و زراعت ملل متحد در افغانستان. دسمبر ۲۰۰۲.

حاصلات آینده. "کنسورتیوم علمی جهت احیای زراعت افغانستان." درین آدرس قابل دریافت است ۲۰۰۲ www.futureharvest.org/news/afghanistan.shtml.

جیل، فارینگتون، اندرسون، لوتریل، کن وی، ساکسینا و سلاتر. هدف مصئونیت غذائی و انکشاف در هزاره سوم در مورد مصئونیت غذائی در آسیا. رساله کاری شماره ۲۳۱ انستیتوت انکشاف خارجی (ODI) لندن. ODI : دسمبر ۲۰۰۳.

گریونیوالد. مطالعات جهانی: ALNAP قضیه افغانستان. لندن: انستیتوت انکشاف خارجی. ۲۰۰۳.

- اجلاس بین المللی در مورد شیوه خوب تمویل پروگرام های بشری. کیر- ویلسون و بین. سه قریه در الینگار، لغمان: درک معیشت های دهاتی. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU). نومبر ۲۰۰۳.
- اینالتیریند. مطالعه امکانات اولیه برای صحت حیوانی در افغانستان. گزارش برای اتحادیه اروپائی. ۲۰۰۳.
- خان. افغانستان: تقویت پروگرام های احیای مجدد زراعت و انکشاف، انکشاف زراعت و آموزش. اسلام آباد: سازمان غذا و زراعت. نومبر ۱۹۹۶.
- جمال و ستیگتر. "ارزیابی پاسخ دفتر کمیشنر عالی ملل متحد برای مهاجرین به حالت اضطراری در افغانستان." بولتن ۳. ۳۱ می ۲۰۰۲
- جانسون. صلیب سرخ انگلستان: یادداشت ها برای سیمینار مطالعه پاسخ به خشکسالی افغانستان. ۲۰۰۳.
- کوتاری و هیولم. توضیحات، حکایات و گفتنی ها: درک دینامیزم فقر از طریق سرگذشت های زندگی. مانچستر: انستیتوت پالیسی و اداره انکشاف. ۲۰۰۳.
- جانسون. مطالعه اساسی هزاره جات- گزارش مؤقت. کابل: دفتر ناظم ملل متحد. ۲۰۰۰.
- کریوتزمن. "اقلیت های قومی و انزوا در سطح مرتفع پامیر: بقای مردم واخی و کرگیز در یک محیط دشوار و ارتباط آن با مسایل جهانی." مجله جغرافیائی. سپتمبر ۲۰۰۳. ۲۳۵-۲۱۵: (۳) ۱۶۹.
- جانسون و ستارت. حقوق، ادعا و اشغال: درک سیاست پالیسی به نفع فقراً. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۱۴۵. لندن ۲۰۰۱. ODI.
- کید و دوروارد. "توافق نظر جدید واشنگتن در مورد زراعت در کشور های فقیر: تحلیل، توصیه ها و خلاصه ها: با توجه خاص به پروسه جهانشمول سازی و تمویل مواد و لوازم موسمی برای زراعت." ارزیابی مجدد پالیسی انکشاف. ۲۰۰۱: ۴۶۷-۴۷۸: (۴) ۱۹.
- جوشی و مور. توانمندی پروگرام های مجادله با فقر در سازماندهی. رساله مباحثاتی شماره ۳۷۴. سه سیکس: انستیتوت مطالعات انکشاف (IDS). ۲۰۰۰.
- لاوتز، ستیتیس، نجومی و نجیمی. قحطی پول: عدم مصئونیت غذائی در افغانستان ۱۹۹۹-۲۰۰۲. مید فورد، ماساچوست: مرکز بین المللی مطالعه قحطی فینستین. ۲۰۰۲.
- کامپینار، سیلکن و بین. ارزیابی مجدد میان مدت کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان. (DACAAR) جون ۲۰۰۲.
- کانبور. مارکیت های نامطلوب. رساله کاری ۰۸-۲۰۰۱. ایتاکا، نیویارک: دیپارتمنت اقتصاد و اداره عملی، پوهنتون کورنیل. جولای ۲۰۰۱.
- لیدگارد. "اجلاس کمک دهندگان به افغانستان: دلیل برای امیدواری و یا ناامیدی؟" گزارش رادیوی اروپای آزاد و رادیوی آزادی در مورد افغانستان. ۲ اکتوبر ۲۰۰۳. (۳۴) ۲.
- کان و احسان عزیز. سیستم های معیشتی آسیب پذیر در افغانستان. قسمت دوم مطالعه سازمان غذا و زراعت ملل متحد، هرات و بدخشان. جون ۲۰۰۲.
- مایمبو. صرافان کابل: مطالعه سیستم حواله در افغانستان. رساله کاری شماره ۱۳ بانک جهانی. واشنگتن، دی، سی: بانک جهانی برای بازسازی و انکشاف. ۲۰۰۳.
- مالیتا. اجوره های جنگ، اجوره های صلح: قیمت های غذا و اجوره کارگر های غیر ماهر در افغانستان ۱۹۹۶-۲۰۰۲. کابل: پروگرام نظارت بر مصئونیت غذائی در افغانستان. ۲۰۰۲.
- سودان ۱۹۸۳-۱۹۸۹. پرینستون، نیوجرسی: مطبعه پوهنتون پرینستون. ۱۹۹۴.

- مالیتا. زمستان های ناراضیاتی: تغییرات موسمی در اجوره ها و قیمت های مواد غذایی در افغانستان، ۲۰۰۲-۲۰۰۳. نشریه مباحثات. کابل: سازمان غذا و زراعت/(FAO) وزارت زراعت و مالداري. ۲۰۰۳.
- مالیتا. زنان در کار: جنسیت، معاشات و اشتغال در دهات افغانستان ۲۰۰۲-۲۰۰۳. رساله مباحثات. کابل: سازمان غذا و زراعت (FAO) وزارت زراعت و مالداري ۲۰۰۳.
- مانسفیلد. "انکشاف الترناتیف: فشار معاصر پالیسی هائیکه جنبه تأمیناتی دارند." بولتن در مورد مواد مخدره. ۱۹۹۹. (۱/۲) ۵۱. به این آدرس قابل دریافت است <http://www.unodc.org/unodc/bulletin/bulletin>
- مانسفیلد. برتری اقتصادی تولید غیر قانونی مواد مخدر: افسانه و واقعیت/ تولید تریاک در افغانستان. رساله برای کنفرانس بین المللی در مورد نقش انکشاف الترناتیف در مسئله کنترل مواد مخدره و همکاری در جهت انکشاف، فیلدافینگ/ میونخ، آلمان. جنوری ۲۰۰۲.
- مارتینس، ممیرت، مریل و سی برایت. اقتصاد ساختاری کمک خارجی. کامبریج: مطبوعه پوهنتون کامبریج. ۲۰۰۲.
- وزارت زراعت و مالداري. یادداشت های جلسه سوم گروپ مشورتی تنظیم و اداره سکتور منابع طبیعی. کابل: وزارت زراعت و مالداري. ۶ می ۲۰۰۳.
- وزارت احیاء و انکشاف دهات. از کمک بشری به تأمینات اجتماعی. رساله ترتیب شده برای جلسات گروپ حمایت از افغانستان در اسلو. ۱۷-۱۸ دسمبر ۲۰۰۲.
- مولا. کمک غذایی، قیمت های گندم و کشت کوکنار در افغانستان: آیا آنها با هم مرتبط اند؟ کابل: وزارت احیاء و انکشاف دهات/ پروگرام غذایی جهان. ۲۰۰۳.
- گروپ نیو چاتل. پلان مشترک در مورد تمویل انکشاف زراعت و دهات، که درین آدرس قابل دریافت است ۲۰۰۲. www.neuchatelinitiative.net.
- اوستروم. خود کفائی واحد های ساحوی وترنری: پروگرام واحد مالداري. مطالعه مشورتی برای سازمان غذا و زراعت. ۱۹۹۷.
- پین. معیشت ها در ولایت فاریاب دچار مضیقه اند، شمال افغانستان، فرصت ها برای کمک. گزارش برای مؤسسه حمایت از اطفال (ایالات متحده امریکا)، دفتر ساحوی در پاکستان/ افغانستان. ۲۰۰۱.
- پین. درک معیشت ها و نظارت بر آنها در شرایط منازعه دوامدار: درس ها از افغانستان. انستیتوت انکشاف خارجی (ODI)، رساله کاری شماره ۱۸۷. لندن ۲۰۰۲. ODI.
- پین و گودهند. افغانستان: اوضاع فعلی در خصوص اشتغال و اوضاع و دورنمای اجتماعی و اقتصادی. پروگرام تمرکز بر پاسخ به بحران و بازسازی، رساله کاری شماره ۸. ژنیو: سازمان بین المللی کار. ۲۰۰۲.
- پین و لاوترز. توجه به معیشت ها در افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. (AREU) سپتمبر ۲۰۰۲.
- پومفریت. "ترویج تکنالوژی توسط دولت: میکانیزه ساختن حاصلبرداری پنبه در آسیای میانه شوروی." مجله تاریخ اقتصاد. ۲۰۰۲. ۱۷۰-۱۸۸: (۱) ۶۲.
- رادیبوی اروپای آزاد/(RFE) رادیوی آزادی (RL) "دهاقین افغان میگویند که سببایدی گندم به آنها صدمه میرساند." گزارش ۳۱/۲ رادیوی اروپای آزاد و رادیوی آزادی در مورد افغانستان. ۲۸ اگست ۲۰۰۳.
- ریدیک، ایم. ارزیابی پروگرام واحد اکسفام برای انکشاف دهات در هزاره جات، گزارش نهائی، جولای- اگست ۲۰۰۳. ۲۰۰۳.
- ریمینگتون، والش، چارلز، ماروکو و اومانگا. "بیرون رفت از پروگرام های یکنواخت و عاطل تخم بذری و وسایل و آلات با کوپون ها و نمایشگاه های مرکز مطالعات دهات. (CRS) ناکامی ها. ۲۰۰۲. ۳۲۸-۳۱۶: (۴) ۲۶.

- سکات. اقتصاد اخلاقی دهاقین: اغتشاشات و امرار معاش در آسیای جنوب شرق. نیو هاون: مطبعه پوهنتون ایل. ۱۹۷۶.
- سیمپل. شیوه های تأمین معیشت های پایدار دهاتی برای ارتفاعات مرکزی افغانستان. اسلام آباد: سازمان انکشافی پتان. ۱۹۹۸.
- سین. انکشاف بمتابله آزادی. نیویارک: الفرید نوپف. ۱۹۹۹.
- سین. فقر و گرسنگی. دهلی: مطبعه پوهنتون آکسفورد. ۱۹۸۱.
- سیمونس. اجمال قرار داد های زراعتی در زمینداری های کوچک در کشور های رو به انکشاف. سازمان غذا و زراعت (FAO). ۲۰۰۳.
- سلون. "ستراتیژی مصئونیت غذائی برای افغانستان (نسخه اصلاح شده)". اطلاعات مختصر از نظارت بر افغانستان (پروژه مشترک پروگرام انکشافی ملل متحد و بانک جهانی). اسلام آباد: پروگرام انکشافی ملل متحد/ بانک جهانی. ۵-۶ جون ۲۰۰۱.
- سمیت، ستاکبریج و لوهانو. "ایجاد تسهیلات در اعطای قرضه به فارمداران: نقش معاملات قراردادی میان تجار و زمینداران در سیستم های بازار یابی حاصلات زراعتی در سند". انکشاف جهانی. ۱۹۹۹. ۴۱۸-۴۰۴: (۲) ۲۷.
- مؤسسه سولیداریتی. تقویت مصئونیت غذائی جهت ثبات بخشی به اهالی محلی و تشویق مردم بیجاشده و مهاجرین به بازگشت، گزارش مرحله میان مدت از ۱ اپریل ۲۰۰۲ الی ۱ اپریل ۲۰۰۳. کابل: مؤسسه سولیداریتی. ۲۰۰۳.
- سولیداریتی. سروی یوناما: زراعت. کابل: سولیداریتی. ۲۰۰۱.
- سپور. "بحران بحیره ارال: تحولات و محیط در آسیای مرکزی شوروی". انکشاف و تغییرات. جولای ۱۹۹۸. ۴۳۵-۴۰۹: (۳) ۲۹.
- ستیفنس، دیوبروکس و کینان. تجارت بین المللی، معیشت ها و مصئونیت غذائی در کشور های رو به انکشاف. رساله کاری شماره ۲۱۵ انسیتوت برای مطالعات انکشاف (IDS). سه سیکس: انسیتوت مطالعات انکشاف. ۲۰۰۳.
- سوتی. تنظیم حدود علفچر ها و تأمین خوراکه برای مواشی در ساحات آزمایشی در ولایات لغمان، غزنی و هرات: گزارش ماموریت مشورتی، اپریل- می ۱۹۹۸. پشاور: کمیته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان ۱۹۹۸. (DACAAR).
- تاونسند. سببایدی ها پس از سال ۲۰۰۶. واشنگتن، دی، سی: کمیته بین المللی مشورتی در مورد پنبه. ۲۰۰۳.
- تنوار. گزارش سالانه: بهبود محصولات زراعتی و عناصر تخم بذری، جنوری- د سمبر ۲۰۰۱. اسلام آباد: سازمان غذا و زراعت. ۲۰۰۲.
- تنوار. گزارش ختم ماموریت. کابل: سازمان غذا و زراعت ۲۰۰۳. (FAO).
- دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدره و جرایم (UNODC) و حکومت افغانستان. سروی تریاک در سال ۲۰۰۳. کابل (UNODC) و حکومت افغانستان. ۲۰۰۳.
- ویلی. مناسبات ارضی در ولایت بامیان: نتیجه گیری ها از مطالعه وضعیت ۱۵ قریه. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ۴۰۰۲. (AREU).
- بانک جهانی. تعیین تخمینی سرمایه گذاری دولتی که جهت یک افغانستان با ثبات سیاسی و اقتصادی ضروری است. یادداشت نظری. واشنگتن، دی، سی: بانک جهانی. ۲۰۰۳.
- بانک جهانی. انکشاف پایدار در جهان دینامیک: ایجاد تحول در نهاد ها، رشد و کیفیت زندگی، گزارش انکشاف جهانی در سال ۲۰۰۳. واشنگتن، دی، سی: بانک جهانی. ۲۰۰۳.
- پروگرام غذائی جهان (WFP). عملیات متداوم امداد و بهبود- افغانستان ۲۰۰۳. موضوع ۶ در آجندهای پروژه ها برای منظوری هیئت اجرائیه، جلسه عادی هیئت اجرائیه، ۵-۷ فبروری ۲۰۰۳، روم. ۲۰۰۳.

اختصارات و مخففات

بانک انکشاف آسیائی	ADB
شبکه انکشافی آغا خان	AKDN
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	AREU
گروپ انکشاف آسیای میانه	CADG
کمپته دنمارک برای کمک به مهاجرین افغان	DACAAR
دیپارتمنت انکشاف بین المللی (انگلستان)	DFID
سازمان غذا و زراعت ملل متحد	FAO
سیستم هشدار قبلی قحطی	FEWS
حکومت افغانستان	GoA
مرکز بین المللی برای تحقیقات زراعتی در ساحات خشک	ICARDA
گروپ بین المللی بحران	ICG
بیجا شده گان داخلی	IDP
نیرو های بین المللی کمک به امنیت	ISAF
وزارت زراعت و مالداري	MAAH
وزارت احیاء و انکشاف دهات	MRRD
پلان انکشاف ملی	NDF
پروگرام اضطراری کاریابی در سطح ملی	NEEP
سازمان غیر حکومتی	NGO
اداره عامه جدید	NPM
ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی	NRVA
انستیتوت انکشاف خارجی	ODI
دفتر معاونت ملل متحد در افغانستان	UNAMA
دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدر و جرایم	UNODC
اداره ایالات متحده امریکا برای انکشاف بین المللی	USAID
پروگرام غذائی جهان	WFP
سازمان تجارت بین المللی	WTO

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)

سیستم صحت عامه در افغانستان، توسط رونالد والدمن و حمیرا حنیف	جولای ۲۰۰۲
انسجام ستراتیژیک در افغانستان، توسط نیکولاس ستاکتون	اگست ۲۰۰۲
بررسی معیشت ها در افغانستان، توسط ادام پین و سو لاوترز	سپتمبر ۲۰۰۲
آیا مهاجرین فریب داده میشود؟ سیاست بازگشت مهاجرین به افغانستان، توسط دیوید ترتون و پیتر مارسدین	دسمبر ۲۰۰۲
بحران حقوق ارضی: بررسی عدم مصئونیت ملکیت ها در افغانستان، توسط لیز الدن ویلی	مارچ ۲۰۰۳
رهنمود جامع امداد به افغانستان، چاپ اول و دوم	اگست ۲۰۰۲، ۲۰۰۳
یکصد خانوار در کابل: مطالعه آسیب پذیری در زمستان، توسط جو گریس	سپتمبر ۲۰۰۳
قانون اساسی و مسایل ارضی، توسط لیز الدن ویلی	سپتمبر ۲۰۰۳
مسایل ارضی در ولایت بامیان، توسط لیز الدن ویلی	اکتوبر ۲۰۰۳
مطالعه معیشت ها در سه قریه الینگار، لغمان، توسط ایس کی یر، ویلسون و ادام پین	اکتوبر ۲۰۰۳
انتخابات افغانستان: آزمایش بزرگ	نومبر ۲۰۰۳
خاتمه بخشیدن به معافیت از کیفر و ایجاد عدالت در افغانستان، توسط رامامانی	دسمبر ۲۰۰۳
مناسبات ارضی در ولایت بامیان: نتیجه گیری ها از مطالعه وضعیت ۱۵ قریه، توسط لیز الدن ویلی	فبروری ۲۰۰۴
یادداشت هائی در مورد معیشت های طبقه فقیر در کابل، افغانستان، توسط پامیلا هنت	فبروری ۲۰۰۴
ارزیابی خطر و آسیب پذیری در سطح ملی در سال ۲۰۰۳: میتودولوژی عمومی مراجع ذیدخل، توسط اندریو پینی	مارچ ۲۰۰۴
نقش های جنسیت در زراعت: مطالعات وضعیت در پنج قریه در شمال افغانستان، توسط جو گریس	مارچ ۲۰۰۴
درک نهاد های قریه: مطالعات وضعیت تنظیم آب در فاریاب و سرپل، توسط ادام پین	مارچ ۲۰۰۴
پروگرام های تخم گندم و زراعت در افغانستان: توانمندی در تأثیر بر معیشت ها، توسط الکسیا کوک	مارچ ۲۰۰۴

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) از وب سایت آن کاپی شده میتواند. کاپی های چاپی از دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) در کابل قابل حصول میباشد:

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

چهار راهی انصاری (مقابل انصاف هتل و پوپولانو رستوران)

شهر نو، کابل، افغانستان

تلفون سیار: + ۹۳ (۰) ۷۰ ۲۷۶ ۶۳۷، پست الکترونی: areu@areu.org.af

صفحه انترنت: www.areu.org.af



واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان

چهار راهی انصاری (مقابل انصاف هتل و پوپولانو رستوران)

شهر نو، کابل، افغانستان

تلفون سیار: + ۹۳ (۰) ۷۰ ۲۷۶ ۶۳۷

پست الکترونی: areu@areu.org.af صفحه اینترنت: www.areu.org.af